

شرح حال مختصر یوسف و یسار یونویچ استالین

تصحیح و تکمیل شده

مؤلفین:

آکساندروف گ. ف. گالاکتیونف م. د.،
کروژکف و. س.، میتین م. ب.،
ماچالف و. ر.، پاسپلف پ. ن.

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
خرداد ۱۳۸۷

شرح حال مختصر یوسف و یسار یونویچ استالین

تصحیح و تکمیل شده

مؤلفین:

آکساندروف گ. ف. گالاکتیونف م. د.،
کروژکف و. س. میتین م. ب.،
ماچالف و. ر. پاسیلف پ. ن.

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

«... مسئله‌ی استالین که با نطق سری (!!؟) خروشچف در کنگره‌ی بیستم مطرح گردید، یکی از آن مسائل بود. این نطق بدون آن که در اختیار احزاب برادر گذاشته شود برای نخستین بار در مطبوعات امریکا انتشار یافت. برخورد خروشچف در این نطق به شخصیت استالین به زندگی و فعالیت او برخوردی ذهنی، "خاله زنکی" و فاقد جنبه علمی بود. حملات خروشچف و به دنبال آن روش گروهی از عوامل امنیت شوروی که مجسمه‌های استالین را با تحقیر و بی‌احترامی زنده‌ای به زیر آوردند، عکس‌های او را که زینت‌بخش اتاق‌ها و دفاتر بود پائین کشیدند و شکستند به این نیت صورت گرفت که شخصیت استالین را در هم بکوبند، او را از مقام و اعتبار عظیم خود بیاندازند. استالین مظهر مارکسیسم - لنینیسم و ساختمان سوسیالیسم و دفاع از سوسیالیسم بود. بدون شکستن استالین گرایش به رویونیسم و سپس غلتیدن در آن، بردن جامعه سوسیالیستی به سوی سرمایه‌داری امکان نداشت. کسانی که خود فاقد شخصیت بودند می‌پنداشتند که با شکستن شخصیت استالین می‌توانند برای خود شخصیتی دست و پا کنند. سرنوشت خروشچف مصداق این شعر پر معنای فارسی است:

که نام بزرگان به زشتی برد

بزرگش نخوانند اهل خرد

خروشچف می‌خواست با پائین آوردن مقام و شخصیت استالین نام و مقامی برای خود کسب کند. اما او در بی‌نام و نشانی فرو شد و در بی‌نام و نشانی مرد. تاریخ از او به مثابه‌ی بزرگترین خائن به جنبش کمونیستی و کارگری نام خواهد برد».

("سندی در مبارزه با رویونیسم" - قاسمی)

«... به راستی شاید بتوان از گناه کسانی نظیر مارکس و انگلس که سوسیالیسم را در کتاب‌ها پی ریختند چشم پوشید و حتی شاید بتوان از گناه کسانی نظیر لنین که نتیجه عملی زندگی شان بیشتر در سرنگونی قدرت حاکمه بورژوازی متبلور است، درگذشت. اما چگونه میتوان از جرم کسانی نظیر استالین که به کتاب‌ها مادیت می‌بخشند و بورژواهای خلع ید شده را در میان یخ‌های سیبری لگدکوب می‌کنند و از همه مهم‌تر دندان‌های سگ‌های هاری نظیر هیتلر را که از جانب کل جهان امپریالیستی به طرف سوسیالیسم کیش داده شده بود، می‌کشند و در جریان درهم کوفتن دهان این سگ اردوی بزرگ سوسیالیستی را پی می‌ریزند، درگذشت و آنها را عفو کرد.»

(نقل از توفان دوره چهارم شماره ۱۷۸ ارگان مرکزی حزب کار ایران)
www.toufan.org

یوسف ویساریونویچ استالین (جوگاشویلی)، در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ در شهر گوری واقع در شهرستان تفلیس متولد شده است، پدرش - ویساریون ایوانویچ، دارای ملیت گرجی و در یک خانواده دهقانی در قصبه دیدی لیلو واقع در شهرستان تفلیس متولد شده است. حرفه ویساریون ایوانویچ ابتدا کفش‌دوزی و بعداً کارگر کارخانه کفافی عادل‌خان‌اف در تفلیس بوده است. مادر استالین - کاترین گئورگیونا - از خانواده گلادزه یکی از دهقانان وابسته به زمین قصبه گامباره ئولی بوده است.

استالین در پائیز سال ۱۸۸۸ وارد دبستان روحانی گوری شد و در سال ۱۸۹۴ پس از پایان دبستان داخل دبیرستان علوم دینی ارتدکس تفلیس گردید. در این سال‌ها در روسیه، بر زمینه ترقی سرمایه‌داری صنعتی و رشد جنبش کارگری دامنه مارکسیسم رو به توسعه نهاد. "اتحادیه مبارزه در راه کارگر" که توسط لنین در پترزبورگ تأسیس و رهبری می‌شد، تکان شدیدی به توسعه‌ی جنبش سوسیال دموکراسی در سراسر کشور داد. امواج جنبش کارگری ماورای قفقاز را نیز که دیگر سرمایه‌داری در آنجا نفوذ کرده و در تحت ظلم و ستم شدید استعمار ملی بود فرا گرفت. ماورای قفقاز نمونه کاملی از مستعمره تزاریسم روسیه و کشوری بود از نظر اقتصادی عقب‌مانده و فلاحتی، و بقایای سرواژ هنوز در آنجا نیرومند، کشوری بود مسکون از ملیت‌های متعدد که به طور جدا جدا و مجاور هم زندگی می‌کردند.

در ربع آخر سده نوزدهم سرمایه‌داری در ماورای قفقاز سریعاً رو به رشد گذارد و کارگران و دهقانان را مورد استعمار وحشیانه قرار داد و بر شدت ظلم و ستم استعماری و ملی افزود. صنایع معدنی، استخراج و تصفیه مواد نفتی که سهام عمده‌ی آن را سرمایه خارجی به چنگ آورده بود با سرعت خاصی ترقی می‌کرد. لنین در این باب نوشته است:

« بدین طریق سرمایه‌داری روس قفقاز را به میدان گردش کالای جهان کشانده، خصوصیات محلی آن یعنی بقایای انزوای عتیق پدرشاهی را محو می‌کرد و برای کارخانه‌های خود از خود ایجاد بازار می‌نمود. کشوری که در آغاز دوره بعد از فرم کم جمعیت و از کوهنشینانی مسکون بود که از اقتصاد جهانی و حتی از تاریخ برکنار

بودند به کشور صاحبان کارخانجات نفت، بازرگانان شراب، تهیه‌کنندگان غله و توتون بدل می‌شد...»^۱

با پیدایش راه‌های آهن و ایجاد نخستین کارخانجات و فابریک‌ها در قفقاز، طبقه‌ی کارگر نیز در آنجا پا به عرصه وجود گذاشت. بخصوص شهر نفت‌خیز باکو - مرکز بزرگ صنعتی و کارگری قفقاز به سرعت رشد می‌کرد. نمو سرمایه‌داری صنعتی با رشد جنبش کارگری توأم بود. در سال‌های ۱۸۹۰-۱۹۰۰ مارکسیست‌های تبعید شده‌ی روس در ماورای قفقاز به کارهای انقلابی مشغول بودند و تبلیغات مارکسیستی در ماورای قفقاز شروع شده بود. دبیرستان علوم دینی (ارتدکس) تفلیس در آن موقع کانون انتشار هرگونه عقاید آزادی‌طلبانه اعم از عقاید ناسیونالیستی ناردنیکی یا مارکسیستی بین‌المللی در میان جوانان بود. این دبیرستان مملو بود از انواع محفل‌های مخفی رژیم ژوئیت‌مابی که در این دبیرستان حکمفرما بود و موجب اعتراض شدید استالین گردیده، احساسات انقلابی را در وی پرورش و قوت داد. استالین پانزده ساله یک فرد انقلابی می‌شود. استالین می‌گوید:

« از سن پانزده سالگی یعنی از همان هنگامی که من با گروه‌های مخفی مارکسیست‌های روس، که آن موقع در ماورای قفقاز زندگی می‌کردند، ارتباط پیدا کردم داخل جنبش انقلابی شدم. این گروه‌ها در من تاثیر عمیقی داشتند و طعم ادبیات مخفی مارکسیستی را به من چشانیدند.»^۲

در سال‌های ۱۸۹۶-۱۸۹۷ استالین در رأس محفل‌های مارکسیستی دبیرستان قرار می‌گیرد. استالین در ماه اوت ۱۸۹۸ رسماً نیز داخل سازمان حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه در تفلیس می‌گردد. استالین عضو گروه "مسامه - داسی" می‌شود - این گروه اولین سازمان سوسیال دموکراسی گرجستان بود که در سال‌های ۱۸۹۳-۱۸۹۸ در راه انتشار افکار مارکسیستی نقش تا اندازه مثبتی را ایفا نمود. "مسامه - داسی" از حیث جنبه‌ی سیاسی همگون نبود - زیرا اکثریت آن پیرو "مارکسیسم علنی" و متمایل به ناسیونالیسم بورژوازی بودند. استالین، کتسخولی، تسلوکیدزه هسته رهبر اقلیت انقلابی

۱ - از تألیفات لنین جلد سوم، ص ۴۶۴، چاپ روسی.

۲ - ی. و. استالین، مصاحبه با امیل لودویگ نویسنده آلمانی، سال ۱۹۳۸، ص ۹.

مارکسیستی را در گروه "مسامه - داسی" تشکیل دادند که نطفه‌ی سوسیال دموکراسی انقلابی در گرجستان شد.

استالین با پشتکاری هر چه تمامتر به تکمیل معلومات خود می‌پردازد. کتاب "کاپیتال" مارکس "مانیفست حزب کمونیست" و آثار دیگر مارکس و انگلس را مطالعه می‌نماید، با تألیفات لنین که در بطلان تئوری ناردنیک‌ها، "مارکسیسم علنی" و "اکونومیسم" نوشته شده بود آشنا می‌گردد. از همان وقت اثرهای لنین تأثیر عمیقی در استالین بخشید - یکی از رفقای استالین که در آن زمان آشنائی نزدیکی با او داشت ضمن خاطره‌های خود می‌گوید - استالین پس از مطالعه‌ی اثر تولین (لنین)، گفت:

« بهر قیمتی شده من باید او را ببینم »^۳

دایره‌ی کسب اطلاعات تئوریک استالین فوق‌العاده وسیع می‌شود - او شروع به مطالعه‌ی فلسفه، علم اقتصاد، تاریخ و علوم طبیعی می‌نماید و به خواندن آثار بدیع متقدمین می‌پردازد. بدین طریق استالین یک مارکسیست دانشمند می‌شود.

در این دوره استالین در محفل‌های کارگران جداً به کارهای تبلیغاتی مشغولست، در جلسه مخفی آنها شرکت می‌نماید، اوراق مخفی می‌نویسد و اعتصابات را سازمان می‌دهد. این نخستین مکتب کارهای عملی انقلابیست که استالین در بین پروتترهای مترقی تفلیس طی نموده است. استالین می‌گوید:

« من سال ۱۸۹۸ را به خاطر می‌آورم، هنگامی که برای اولین بار محفلی از کارگران تعمیرگاه‌های راه آهن را به من واگذار نمودند.... اینجا، در محیط این رفقا، من برای اولین بار تعمیر جنگی انقلابی دیدم. کارگران تفلیس اولین معلمین من بودند »^۴.

آموزش در محفل‌های کارگری مارکسیستی طبق برنامه تنظیم شده از طرف استالین برگزار می‌گردید.

۳ - از خاطرات رفیق پ. کاپانادزه - "حکایات کارگران قدیمی ماورای قفقاز راجع به استالین کبیر"، چاپ «مالادایاگواردیا» ("گارد جوان") سال ۱۹۳۷، صفحه ۲۶ چاپ روسی.

۴ - روزنامه "پراودا"، شماره ۱۳۶، ۱۶ ژوئن سال ۱۹۲۶.

در دبیرستان که مراقبت شدیدی را در آنجا علیه "مشکوکین" برقرار کرده بودند، رفته رفته به فعالیت انقلابی استالین پی بردند و در ۲۹ ماه مه ۱۸۹۹ به جرم تبلیغات مارکسیستی او را از دبیرستان اخراج می‌نمایند. مدتی استالین از راه تدریس زندگی خود را می‌گذراند و سپس (در دسامبر ۱۸۹۹) در رصدخانه فیزیک شهر تفلیس به سمت دیده‌بان محاسب وارد کار می‌شود، ولی دقیقه‌ای هم فعالیت انقلابی خود را ترک نمی‌نماید.

در این موقع دیگر استالین یکی از جدی‌ترین و مبرزترین کارکنان سازمان سوسیال دموکرات تفلیس می‌باشد.

« طی سال‌های ۱۹۰۰ - ۱۸۹۸ گروه مرکزی و رهبری کننده سازمان سوسیال دموکرات در تفلیس ترتیب و تشکیل یافت... گروه مرکزی سوسیال دموکرات تفلیس، به منظور ایجاد سازمان مخفی حزب سوسیال دموکرات، فعالیت عظیمی در رشته تبلیغات انقلابی و کارهای تشکیلاتی انجام داد. »^۵

استالین این گروه را رهبری می‌نماید. "اتحادیه مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر" که توسط لنین ایجاد شده بود، نمونه‌ای بود که سوسیال دموکرات‌های انقلابی تفلیس در عملیات خود پیوسته از آن پیروی می‌نمودند. جنبش کارگری در تفلیس تحت رهبری اقلیت انقلابی "مسامه - داسی" (استالین، کتسخولی، تسولوکیدزه) در این هنگام تدریجاً از قالب کهنه‌ی خود که منحصر به عملیات تبلیغاتی در بین "افراد برجسته" کارگران بود خارج می‌شود. تبلیغات بین توده از طریق انتشار اوراق مخفی درباره‌ی مسائل روز و به وسیله‌ی مجامع سیار در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد.

این تاکتیک جدید با مقاومت شدید اکثریت اپورتونیست "مسامه - داسی" که به طرف «اکونومیسم» متمایل بودند و از شیوه‌های انقلابی دوری می‌جستند و با مبارزات سیاسی "کوچه‌ای" علیه حکومت مطلقه مخالف بودند مواجه می‌گردد. استالین و اقلیت انقلابی "مسامه - داسی" برای پیش بردن این تاکتیک جدید یعنی تاکتیک تبلیغات سیاسی توده‌ای، به مبارزه‌ی شدید و آشتی‌ناپذیری بر ضد اپورتونیست‌ها دست می‌زنند. کارگران پیشرو تفلیس در این مبارزه با حرارت از آنها پشتیبانی می‌نمایند.

ویکتور کورناتاسکی که مارکسیستی با معلومات، پیرو ثابت قدم و یکی از نزدیک‌ترین یاران لنین و ناشر افکار وی در ماورای قفقاز بود در اتخاذ

۵ - ل. بریا، "در خصوص تاریخ سازمان‌های بلشویکی در ماورای قفقاز"، سال ۱۹۴۱، ص ۱۷، چاپ روسی.

شیوه‌های جدید سوسیال دموکرات‌های تفلیس نقش برجسته‌ای را ایفا می‌نماید. او پس از ورود به تفلیس در تابستان سال ۱۹۰۰ با استالین و اقلیت انقلابی "مسامه - داسی" روابط نزدیکی برقرار می‌نماید و نزدیک‌ترین دوست و همکار استالین می‌گردد.

از ماه دسامبر سال ۱۹۰۰، هنگامی که روزنامه "ایسکرا"ی لنین آغاز انتشار نهاد استالین کاملاً پیرو خط مشی آن گشت. استالین از همان وهله‌ی نخست لنین را موجد حزب واقعی مارکسیست، پیشوا و معلم تشخیص داد. استالین می‌گوید:

«آشنائی با فعالیت انقلابی لنین از اواخر سال‌های ۱۸۹۰-۱۹۰۰ و مخصوصاً بعد از ۱۹۰۱ یعنی پس از انتشار "ایسکرا" ایمان مرا راسخ کرد به این که لنین یک شخصیت فوق‌العاده است. او آن موقع در نظر من یک رهبر عادی حزب نبود بلکه موجد واقعی آن بود زیرا تنها او بود که به ماهیت داخلی و احتیاجات آنی حزب ما پی می‌برد. وقتی که من او را با سایر رهبران حزب مان مقایسه می‌کردم همیشه به عیان می‌دیدم که همکاران لنین یعنی پلخانوف، مارتف، آکسلرود و سایرین یک پله از لنین پائین‌تر قرار گرفته‌اند و لنین در مقایسه با آنها تنها یک رهبر نبوده بلکه رهبری است عالی مقام، عقابی است بلند پرواز که در مبارزه ترس به خود راه نداده شجاعانه حزب را از راه‌های پژوهش نشده جنبش انقلابی روسیه به جلو هدایت می‌نماید.»^۶

استالین ایمان بی‌پایانی به نبوغ انقلابی لنین پیدا کرد و راه لنین را در پیش گرفت. او هیچگاه از این راه منحرف نشده است و پس از مرگ لنین با شهادت و اطمینان کار او را ادامه می‌دهد.

در شرایط آغاز بحران اقتصادی، تحت نفوذ جنبش کارگری در روسیه و در نتیجه‌ی فعالیت سوسیال دموکرات‌های تفلیس در سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۰۱ موج اعتصابات اقتصادی به قوس صعودی افتاده، مؤسسات را یکی پس از دیگری فرا می‌گیرد. در ماه اوت سال ۱۹۰۰ دامنه‌ی اعتصاب عظیم کارگران تعمیرگاه‌ها و کارگاه‌های راه آهن رو به توسعه می‌نهد. در این اعتصاب م. ای کالینین که از پترزبورگ به قفقاز تبعید شده بود فعالانه شرکت می‌نماید. ۲۲ آوریل ۱۹۰۱ در مرکز تفلیس نمایش اول ماه مه تشکیل می‌شود. رهبر و سازمان دهنده این نمایش، استالین است. این نمایش را روزنامه "ایسکرا"ی لنین

۶ - ی. و. استالین، «درباره‌ی لنین»، سال ۱۹۴۵، ص ۲۱-۲۰.

همچون یک حادثه‌ی مهم تاریخی برای تمام قفقاز تلقی نمود. تأثیر این حادثه در تمام جنبش‌های بعدی کارگری قفقاز فوق‌العاده عظیم بود.

بدین طریق در این سال‌ها، تحت رهبری اقلیت انقلابی "مسامه - داسی" و سرپرستی استالین، جنبش کارگری گرجستان تدریجاً از دایره تبلیغات محدود محفل‌ها قدم به دایره تبلیغات سیاسی توده‌ای می‌گذارد. به این ترتیب در قفقاز هم جنبش کارگری با سوسیالیسم آمیخته می‌گردد، چنان چه چند سال قبل نیز این عمل توسط "اتحادیه مبارزه" پترزبورگ به رهبری لنین به طرز درخشانی انجام گردیده بود.

حکومت تزاری، از رشد مبارزه‌ی انقلابی پرولتاریای ماورای قفقاز مضطرب شده بر شدت فشار خود می‌افزاید، به این حساب که از این طریق نهضت را متوقف سازد. در ۲۱ مارس ۱۹۰۱، پلیس محل رصدخانه فیزیک را که استالین در آنجا زندگی و کار می‌کرد مورد بازرسی قرار می‌دهد. بازرسی و دستور اداره آگاهی به توقیف استالین که بعداً معلوم گردید، استالین را مجبور می‌کند که به حالت مخفی درآید. از این زمان تا خود انقلاب فوریه ۱۹۱۷ او در حالت مخفی زندگی سخت و قهرمانانه یک نفر انقلابی حرفه‌ای مکتب لنین را می‌گذراند.

ساتراپ‌های تزار در مقابل جنبش روزافزون انقلابی عاجز و ناتوان بودند. از ماه سپتامبر ۱۹۰۱ به ابتکار استالین و کتسخولی "بردزولا" ("مبارزه") اولین روزنامه‌ی مخفی سوسیال دموکرات گرجستان که پیوسته از عقاید "ایسکرا"ی لنینی پیروی می‌کرد آغاز انتشار نهاد. "بردزولا" پس از "ایسکرا" بهترین روزنامه مارکسیستی روسیه بود.

سرمقاله شماره اول "بردزولا" (که در سپتامبر سال ۱۹۰۱) تحت عنوان "از طرف هیئت تحریریه" توسط استالین نوشته شده بود. استالین ضمن تعیین وظایف روزنامه می‌نویسد:

«روزنامه سوسیال دموکرات گرجستان به تمام مسائلی که به جنبش کارگری مربوط است باید پاسخ روشن بدهد، مسائل اصولی را تفسیر نماید، نقش طبقه‌ی کارگر را در مبارزه از نظر تئوری تشریح کند، و هر پدیده‌ای را که کارگر با آن مصادف می‌شود با فروغ سوسیالیسم علمی روشن سازد.»^۷

۷ - از تألیفات ی. و. استالین، جلد اول، ص ۹.

استالین در سرمقاله اشاره می‌کند که روزنامه باید در رأس جنبش کارگری قرار گیرد، حتی‌الامکان به توده‌ی کارگر نزدیک تر شود. امکان داشته باشد دائماً آن را تحت نفوذ خود نگهدارد، کانون آگاه رهبری کننده‌ی آن باشد.

در شماره بعدی "بردزولا" (نوامبر - دسامبر) مقاله مهم استالین تحت عنوان "حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه و نزدیکترین وظایف آن" منتشر شد. در این مقاله استالین لزوم آمیختن سوسیالیسم علمی را با جنبش کارگری خودرو خاطر نشان نموده و به نقش رهبری کننده‌ی طبقه کارگر در جنبش آزادیبخش دموکراتیک اشاره کرده، مسئله تشکیل یک حزب سیاسی مستقل پرولتاریائی را پیش کشید.

انتشار اوراق مخفی به زبان‌های سکنه کثیرالملت ماورای قفقاز نیز فوق‌العاده توسعه می‌یابد. "ایسکرا"ی لنین درباره فعالیت سوسیال دموکرات‌های تفلیس چنین می‌نویسد:

« شبنامه‌هایی که به طرز شگرفی نوشته شده بود و به زبان‌های روسی، گرجی و ارمنی منتشر می‌شد تمام کوی و برزن‌های تفلیس را پر می‌کرد. »^۸

لادوکتسخولی، نزدیک‌ترین همکار استالین کمیته‌ای را که از رویه‌ی ایسکرای لنین پیروی می‌کرد و در باکو ایجاد و چاپخانه‌ای مخفی تشکیل داد. ۱۱ نوامبر ۱۹۰۱ کنفرانس سوسیال دموکرات تفلیس تشکیل و در آن کمیته تفلیس حزب کارگری سوسیال دموکراسی روسیه انتخاب می‌شود. استالین در این کمیته انتخاب گشت ولی او مدت زیادی در تفلیس نمی‌ماند. در آخر نوامبر بنا به دستور کمیته تفلیس استالین برای تأسیس سازمان سوسیال دموکرات به باطوم که سومین مرکز بزرگ کارگری قفقاز (پس از باکو و تفلیس) بود عزیمت می‌نماید.

در باطوم استالین با شور و حرارت خاصی به بسط دامنه کارهای انقلابی می‌پردازد، با کارگران پیشرو ارتباط برقرار می‌کند، محفل‌های سوسیال دموکراسی تشکیل می‌دهد، شخصاً یک رشته از حوزه‌ها را اداره می‌نماید، چاپخانه مخفی ایجاد می‌کند، اوراق آتشین می‌نویسد و آنها را چاپ و منتشر می‌نماید، مبارزه کارگران را در کارخانه‌های روتشلید و مانتاشوف رهبری می‌کند و تبلیغات انقلابی را در دهات سازمان می‌دهد. استالین سازمان باطوم سوسیال دموکرات را ایجاد می‌کند و کمیته باطوم حزب کارگری سوسیال

۸ - "ایسکرا"، شماره ۲۵، ۱۵ سپتامبر، ۱۹۰۲.

دموکرات روسیه را تأسیس می‌کند و اعتصابات را در کارخانجات رهبری می‌نماید. ۹ ماه مارس سال ۱۹۰۲ استالین نمایش سیاسی معروف کارگران باطوم را تشکیل داد. استالین شخصاً بر این نمایش رهبری کرده و پیشاپیش آن حرکت می‌نمود. اینجا استالین در عمل، اعتصابات را با نمایشات سیاسی توأم می‌سازد.

بدین طریق، در این مرحله، در مبارزه قطعی و آشتی‌ناپذیر با اپورتونیزم شالوده‌ی سازمان ماورای قفقاز، طبق رویه ایسکرای لنین ریخته شده و رشد می‌کند. مبرزترین سازمان‌دهنده و رهبر این تشکیلات استالین بود که از همان موقع کارگران باطوم او را معلم کارگران می‌نامیدند. شالوده تشکیلات ایسکرائی لنینی در ماورای قفقاز بر روی پایه‌های مستحکم انترناسیونالیستی پرولتری پی‌ریزی شد و پرولتاریای پیشرو ملیت‌های مختلف گرجی، ارمنی، آذربایجانی و روس را در صفوف خود متحد نمود. بعدها لنین بارها سازمان حزبی ماورای قفقاز را همچون یک نمونه انترناسیونالیسم پرولتری مثال می‌آورد.

رونق مبارزه کارگری باطوم حکومت را جداً مضطرب کرد. پلیس مخفی با کمال جدیت "محرکین" را جستجو و در ۵ آوریل ۱۹۰۲ استالین را توقیف می‌نماید. ولی در زندان هم (ابتدا در زندان باطوم، بعداً از ۱۹ آوریل ۱۹۰۳ در زندان کوتائیس که به سختی رژیم معروف بود، و بعداً در زندان باطوم) استالین ارتباط خود را با کارهای انقلابی قطع نمی‌نماید.

از اوایل مارس ۱۹۰۳ اولین کنگره‌ی سازمان‌های سوسیال دموکرات قفقاز تشکیل می‌گردد که در آن اتحادیه قفقاز حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه صورت رسمی بخود می‌گیرد. استالین که در این موقع در زندان بسر می‌برد غیاباً به عضویت کمیته‌ی اتحادیه‌ی قفقاز حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه انتخاب می‌شود. استالین طی مدت زندانی خود توسط رفقائی که از کنگره‌ی دوم حزبی آمده بودند از اختلافات جدی بین بلشویک‌ها و منشویک‌ها آگاه می‌شود. استالین با عزمی راسخ جانب لنین - بلشویک‌ها را می‌گیرد.

در پائیز سال ۱۹۰۳ استالین را برای مدت ۳ سال به قصبه نوایا اودا واقع در شهرستان بالاکان، استان ایرکوتسک سیبری خاوری تبعید می‌نمایند. ۲۷ نوامبر ۱۹۰۳ استالین به محل تبعید وارد می‌شود. در تبعیدگاه از لنین نامه‌ای دریافت می‌نماید.

استالین می‌گوید:

« برای اولین بار من در سال ۱۹۰۳ با لنین آشنا شدم. صحیح است که این آشنائی حضوری نبوده بلکه غیابی و از طریق مکاتبه بود

ولی تأثیر آن در من به قدری عمیق بود که من طی تمام مدت کار در حزب تحت تأثیر آن قرار داشتم. آن موقع من در تبعیدگاه سیبری بسر می‌بردم... نامه‌ی لنین چندان مفصل نبود ولی حاوی انتقادات شجاعانه و بی‌باکانه از طرز کار حزب ما بود و با اختصار و روشنی شگرفی تمام نقشه‌ی کارهای حزبی را در آینده‌ی نزدیک تشریح می‌کرد.^۹»

استالین مدت زیادی در تبعید نماند. او کوشش داشت هر چه زودتر آزاد شود تا بتواند نقشه‌ی لنین را در کار ساختمان حزب بلشویک عملی نماید. ۵ ژانویه ۱۹۰۴ استالین از تبعیدگاه فرار می‌نماید، در فوریه ۱۹۰۴ استالین باز در قفقاز است ابتدا به باطوم و سپس به تفلیس می‌رود.

۲

استالین تقریباً دو سال در زندان و تبعید بسر برد. این سال‌ها، سال‌های صعود روزافزون قوس انقلاب در کشور بود. در این مدت کنگره‌ی دوم حزب کارگری سوسیال - دموکرات روسیه تشکیل شد و پیروزی مارکسیسم را بر «اکونومیسم» تحکیم نمود. ولی به جای اپورتونیست‌های سابق یعنی «اکونومیست‌ها» که از طرف حزب شکست خورده بودند اپورتونیست‌های جدید یعنی منشویک‌ها به میدان می‌آیند. پس از کنگره آتش مبارزه شدیدی بین لنین و بلشویک‌ها از یک طرف و منشویک‌ها و عقاید اپورتونیستی و عملیات تفرقه‌انگیز و سازمان‌شکن آنها از طرف دیگر، شعله‌ور می‌گردد. شروع جنگ روس و ژاپن و نضج انقلاب بیش از پیش بر حدت این مبارزه می‌افزاید. برای رفع این بحران حزبی، لنین دعوت کنگره‌ی سوم را لازم می‌داند. مبارزه برای تشکیل کنگره وظیفه اصلی تمام بلشویک‌ها می‌گردد.

۹ - ی. و. استالین، "راجع به لنین" سال ۱۹۴۵، ص ۲۱-۲۰، چاپ روسی.

در این مبارزه پشتیبان وفادار لنین در قفقاز استالین بود که در رأس بلشویک‌های ماورای قفقاز قرار داشت. استالین در این مرحله تحت لوای مبارزه شدید با منشویسم کار می‌کند. استالین که عضو کمیته‌ی اتحادیه‌های قفقاز حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه بود به اتفاق رفیق تسخاکایا عملیات این کمیته را رهبری می‌نماید. برای استالین خستگی وجود ندارد، او مرتباً به نواحی ماورای قفقاز (باطوم، چی آتوری، کوتائیس، تفلیس، باکو نواحی دهقانی باختر گرجستان) مسافرت می‌نماید، سازمان‌های سابق حزبی را تحکیم و سازمان‌های جدیدی تأسیس می‌کند، در زد و خوردهای سخت با منشویک‌ها و در مباحثات بیشمار با دشمنان دیگر مارکسیسم شرکت می‌نماید، از نظریات بلشویک‌ها با جدیت تمام دفاع می‌کند و پرده از رخسار سیاست‌باقی و اپورتونیسیم منشویک‌ها و آشتی‌طلبان با آنها بر می‌دارد.

کارگران باکو به رهبری استالین و جاپاریدزه در ماه دسامبر ۱۹۰۴ اعتصاب عظیمی برپا می‌نمایند که از تاریخ ۱۳ تا ۳۱ دسامبر ادامه داشت و برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری روسیه به عقد قرارداد دستجمعی با صاحبان معادن نفت منجر گردید.

اعتصاب باکو آغاز غلیان احساسات انقلابی در ماورای قفقاز بود.

اعتصاب باکو «اخطار و علامتی بود برای اقدامات انقلابی پر

افتخار ماه‌های ژانویه و فوریه در سراسر روسیه» (استالین)^{۱۰}

به طوری که در "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی"، گفته می‌شود، این اعتصاب به منزله‌ی صاعقه قبل از توفان عظیم انقلاب روسیه بود.

استالین با جدیت خاصی دستورات لنین را اجرا می‌نماید، عقاید بلشویکی را بسط می‌دهد، در برابر توده از آن دفاع می‌نماید و برای تشکیل کنگره‌ی سوم مبارزه می‌نماید. بین لنین و کمیته اتحادیه قفقاز همواره ارتباط محکمی برقرار نمود. استالین در رأس تمام مبارزات مسلکی و سیاسی بلشویک‌های قفقاز که در سال‌های انقلاب نخستین روسیه علیه منشویک‌ها، اس‌ارها، ناسیونالیست‌ها و آنارشویست‌ها اجرا می‌شد، قرار گرفته بود. نیرومندترین سلاح بلشویک‌ها در این مبارزه مطبوعات حزبی بود. استالین مبتکر و سازمان‌دهنده‌ی تقریباً تمامی نشریات بلشویکی در قفقاز بود. استالین با انتشار کتب، روزنامه‌ها، جزوات و اوراق مخفی چنان توسعه‌ای داد که در شرایط روسیه تزاری بی‌نظیر بود.

۱۰ - ل. بریا، "در خصوص تاریخ سازمان‌های بلشویکی در ماورای قفقاز"، سال ۱۹۴۱، ص ۴۸.

یکی از اقدامات فوق‌العاده شجاعانه اتحادیه قفقاز حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه و یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های فن کار کردن مخفی بلشویکی، تشکیل مطبعه مخفی آولبار بود که از ماه نوامبر ۱۹۰۳ تا آوریل ۱۹۰۶ در تفلیس کار می‌کرد. در این مطبعه از آثار لنین "دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی پرولتاریا و دهقانان"، و "خطاب به دهقانان تهیدست" و از آثار لنین جزوه، "شمه‌ای درباره اختلافات حزبی"، "دو کشمکش" و غیره، برنامه و آئین‌نامه حزب و دهها اوراقی که قسمت مهم آن را استالین نوشته بود، چاپ شده است. روزنامه‌های «پرولتاریاتیس بردزولا» ("مبارزه پرولتاریا") و "پرولتاریاتیس بردزولیس پورتسلی" ("ورقه مبارزه پرولتاریا") نیز در این مطبعه چاپ می‌شد. کتاب‌ها، جزوات، روزنامه‌ها و اوراق به سه زبان و با تیراژ چندین هزار نسخه‌ای چاپ می‌شد.

ارگان اتحادیه قفقاز حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه روزنامه "پرولتاریاتیس بردزولا" بود که جانشین شایسته روزنامه "بردزولا" و به مدیریت استالین منتشر می‌شد. این روزنامه در عمل حفظ مواضع بلشویسم در قفقاز و تبلیغ و بسط عقاید لنین نقش قاطعی را ایفا می‌نمود. روزنامه "پرولتاریاتیس بردزولا" پس از روزنامه لنینی "پرولتاریا" ارگان مرکزی حزب یکی از بهترین و بزرگ‌ترین روزنامه‌های بلشویکی بود. تقریباً در هر شماره این روزنامه مقالات لنین از روزنامه "پرولتاریا" اقتباس و درج می‌شد. بسیاری از مهم‌ترین مقالات آن به خامه استالین نوشته شده بود. این مقالات استعداد سرشار استالین را در مباحثات و شخصیت او را به مثابه بزرگ‌ترین نیروی ادبی و تئوری حزب پیشوای سیاسی پرولتاریا و پیرو وفادار لنین آشکار می‌سازد. استالین در مقالات و جزوات خود یک سلسله از مسائل علمی و سیاسی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. از عقاید جعلی و اپورتونیزم و خیانت جریانات و فراکسیون‌های ضد بلشویکی را فاش می‌نماید. ضربات او به دشمنان کاملاً به هدف اصابت می‌کرد. لنین روزنامه "پرولتاریاتیس بردزولا" را که دارای متانت مارکسیستی و کیفیت درخشان ادبی بود، تحسین و تمجید می‌نمود.

استالین که همواره از وفادارترین و پایدارترین شاگردان و همقطاران لنین بود، در شکست عقیده منشویسم و دفاع از اصول عقاید و تشکیلات و تاکتیک حزب مارکسیستی در قفقاز نقش برجسته‌ای را ایفا کرد. آثار آن زمان استالین نمونه‌ایست از دفاع بدون انحراف از خط مشی لنینیسم و صفت مشخصه‌ی آن جنبه‌ی عمیق تئوریک و آشتی‌ناپذیر بودن نسبت به اپورتونیزم می‌باشد.

در جزوه درخشان "شمه‌ای درباره اختلافات حزبی" و در "نامه‌های کوتالیس" و مقاله "جواب به سوسیال دموکرات" استالین با جدیت هر چه تمامتر از اصول عقاید حزب مارکسیستی دفاع می‌نماید.

در "نامه‌های کوتائیس" (سپتامبر - اکتبر سال ۱۹۰۴) استالین مقالات پلخانف را که در روزنامه "ایسکرا"ی جدید چاپ شده بود و مستقیماً علیه اثر "چه باید کرد؟" لنین نوشته شده بود مورد انتقاد شدیدی قرار می‌دهد. رفیق استالین ضمن دفاع از طرح لنین درباره خودرو بودن و از روی آگاهی بودن جنبش کارگری چنین می‌نویسد:

«نتیجه‌ای (استنتاج عملی) که از اینجا حاصل می‌شود بدین قرار است - پرولتاریا را تا مقام درک واقعی منافع طبقاتی تا مقام درک ایده‌آل سوسیالیستی ارتقا دهیم نه این که آن ایده‌آل را به ذرات خورد کنیم یا با جنبش خودرو وفق دهیم. لنین از لحاظ تئوری شالوده‌ای ریخت که این نتیجه‌ی عملی بر روی آن مستقر می‌گردد. کافیسف فقط این مبنای عملی را قبول کنی تا هیچ اپورتونیستی به تو نزدیک نشود. اهمیت ایده‌ی لنین در این است. این ایده را به این علت لنینی می‌نامیم که در ادبیات روس هیچ کس مانند لنین آن را به این صراحت بیان ننموده است.»^{۱۱}

جزوه "شمه‌ای درباره اختلافات حزبی" (که در اوایل سال ۱۹۰۵ نوشته شده و به طور مخفی در ماه مه سال ۱۹۰۵ از چاپ بیرون آمده است) یکی از برجسته‌ترین آثار فکر بلشویکی است. این جزوه پیوستگی مستقیمی با اثر تاریخی "چه باید کرد؟" لنین دارد و با پافشاری هر چه تمامتر از عقاید لنین پشتیبانی نموده افکار داهیان‌هی او را بسط می‌دهد.

رفیق استالین ضمن تشریح عقاید لنین، ثابت می‌نماید که آگاهی سوسیالیستی برای جنبش کارگری حائز اهمیت عظیمی است. در عین حال استالین گوشزد می‌نماید که نباید در نقش ایده، یک جانبه مبالغه و شرایط تکامل اقتصادی نقش جنبش کارگری را فراموش نمود. استالین می‌گوید:

« آیا می‌توان گفت که سوسیالیسم؛ همه چیز، ولی جنبش کارگری؛ هیچ است؟ البته نه! این را فقط ایده‌الیست‌ها می‌گویند. روزگاری، پس از مدتی طولانی، تکامل اقتصادی ناگزیر طبقه‌ی کارگر را به انقلاب اجتماعی می‌رساند و بالنتیجه او را مجبور می‌کند هرگونه رابطه خود را با ایدئولوژی بورژوازی قطع نماید. فقط مسئله در اینست که این راه خیلی طولانی و پر مشقت خواهد بود.»^{۱۲}

۱۱ - از تألیفات ی. و. استالین، جلد اول، ص ۵۸، چاپ روسی.

۱۲ - همانجا ص ۱۰۵.

رفیق استالین ضمن این که در جزوه‌ی "شماه‌ای درباره اختلافات حزبی" استدلال عمیق و جامع خود را در باب تناسب میان جنبش خودروی کارگری و آگاهی سوسیالیستی بسط می‌دهد نظریات جناح سوسیال دموکرات لنینی را در این باره به طور اجمال چنین تشریح می‌نماید:

« سوسیالیسم علمی بدون جنبش کارگری یعنی چه؟ - این به مثابه‌ی قطب‌نمایی است که در نتیجه‌ی عدم استعمال ممکن است فقط زنگ بزند و در این صورت باید ناچار آن را از عرشه به دریا افکند. جنبش کارگری بدون سوسیالیسم یعنی چه؟ این به مثابه‌ی کشتی بدون قطب‌نمایی است که در هر صورت به ساحل دیگر خواهد رسید، ولی اگر قطب‌نما می‌داشت سریع‌تر و با احتمال تصادف کمتری به مخاطرات، به ساحل مطلوب می‌رسید. این دو را با هم توأم کنید، آن وقت کشتی بسیار خوبی خواهید داشت که مستقیم به ساحل دیگر رهسپار شده و سالم به بندرگاه خواهد رسید.

جنبش کارگری و سوسیالیسم را توأم نمائید و در این صورت شما دارای یک جنبش سوسیال دموکراتیک خواهید بود که از راه راست به سرعت به جانب "ارض موعود" رهسپار خواهید شد. »^{۱۳}

تمام تاریخ مبارزات طبقه‌ی کارگر در روسیه به طور مشعشعی صحت این استنتاج مهم تئوریک رفیق استالین را تأیید نمود. در این جزوه استالین تئوری اپورتونیست‌ها را در خصوص خودرو بودن جنبش کارگری به باد انتقاد محو کننده‌ای گرفته نقش و اهمیت حزب انقلابی و تئوری انقلابی را برای طبقه‌ی کارگر مستدل می‌نماید.

استالین در این باره چنین می‌نویسد:

« جنبش کارگری باید با سوسیالیسم توأم شود و فعالیت عملی باید با افکار تئوریک ممزوج گردد و بدین طریق به جنبش خودروی کارگری یک جنبه‌ی سوسیال دموکراتیک داده شود... وظیفه‌ی ما سوسیال دموکرات‌ها اینست که جنبش خودروی کارگری را از طریق اتحادیه بازی خارج نموده در مجرای سوسیال دموکراسی بیاندازیم. وظیفه‌ی ما اینست که به این جنبش آگاهی سوسیالیستی^{۱۴} داده، نیروی

۱۳ - همانجا ص ۱۰۲-۱۰۳.

۱۴ - که مارکس و انگلس آن را طرح کرده اند.

پیشرو طبقه‌ی کارگر را در حزب متمرکزی متحد سازیم و وظیفه‌ی ما اینست که همیشه در رأس این جنبش باشیم و با هرکسی - اعم از دشمن و "دوست" - که سد راه اجرای این وظائف باشد، به طور خستگی‌ناپذیری مبارزه کنیم.^{۱۵}»

بیانات استالین به تمام معنی مورد تحسین لنین واقع شد. لنین در (شماره ۲۲) روزنامه "پرولتاریا" ارگان مرکزی حزب، ضمن توصیف مقاله‌ی استالین تحت عنوان "جواب به سوسیال دموکرات"، که در تاریخ ماه اوت سال ۱۹۰۵، در روزنامه "پرولتاریاتیس بردزولا" درج شده بود متذکر گردید که، موضوع معروف مربوط به "وارد ساختن آگاهی از خارج" به طور درخشانی مطرح شده است.

استالین در یک سلسله از مقالات خود خط مشی لنین را در کنگره‌ی دوم حزب کارگری سوسیال دموکراسی روسیه و پس از آن مستدل می‌کند. در مقاله "طبقه پرولترها و حزب پرولتر" (مندرجه در شماره ۸ روزنامه "پرولتاریاتیس بردزولا" مورخه یکم ژانویه ۱۹۰۵) که به ماده یکم آئین‌نامه‌ی حزب تخصیص داده شده است، استالین از اصول سازمانی حزب دفاع می‌کند و کاملاً از آموزش لنین راجع به حزب پیروی می‌نماید و ایده‌های لنین را مورد تشریح قرار داده و مستدل می‌سازد. این مقاله از ایده‌های سازمانی بلشویسم که لنین در کتاب مشهور "یک گام به پیش دو گام به پس" خود تشریح کرده و پشتیبانی می‌نماید. استالین در این باره چنین می‌نویسد:

«تا امروز حزب ما، به یک خانواده مهمان نواز عهد پدرشاهی شباهت داشت که حاضر بود تمام متمایلین را بپذیرد ولی پس از این که حزب ما بدل به یک سازمان متمرکزی گردید، جامعه پدرشاهی را از تن بدر کرد و کاملاً به شکل دژی درآمد که دروازه آن فقط به روی شایستگان باز می‌شود. و این موضوع برای ما اهمیت بزرگی دارد. وقتی که حکومت مطلقه سعی دارد حس آگاهی طبقاتی پرولتاریا را از راه "اتحادیه بازی" ("تردیونونیسیم")، ملیت‌پرستی و تسلط روحانیت و نظایر آن دچار انحطاط نماید و وقتی که از طرف دیگر، روشنفکران لیبرال با سرسختی کوشش دارند روح استقلال سیاسی پرولتاریا را بگشند و قیمومیت خود را بر وی تحمیل نمایند، در چنین موقعی ما باید فوق‌العاده هوشیار بوده و فراموش نکنیم که حزب ما

۱۵ - از تألیفات ی. و. استالین، جلد اول، ص ۱۰۶-۱۰۵، چاپ روسی.

دژیست که دروازه آن فقط بروی اشخاص آزمایش شده باز می‌شود.»^{۱۶}

مقاله‌ی "مسئله ملی از نظر سوسیال دموکراسی یعنی چه؟" (مندرجه در شماره ۷ روزنامه "پرولتاریاتیس بردزولا" مورخه یکم سپتامبر سال ۱۹۰۴) توضیح درخشان‌یست از برنامه‌ی ملی حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه. استالین در این مقاله تئوری و برنامه حزب را در خصوص مسئله ملیت مستدل نموده توضیح می‌دهد. اصل اپورتونیستی مرزبندی پرولتاریا بر حسب ملیت را تحت انتقاد درهم شکننده‌ای درآورده و با استقامت از نوع بین‌المللی ساختمان تشکیلات طبقاتی پرولتاریا پشتیبانی می‌نماید. در این مقاله استالین بعنوان یک نفر تئوریسین بزرگ مسئله ملی، که به طور استادانه‌ای بر شیوه‌ی دیالکتیک مارکسیستی مسلط است، عرض وجود می‌کند. این مقاله، در حالت جنینی، حاوی ایده‌هائیکست که بعداً استالین در اثر موسوم به "مارکسیسم و مسئله ملی" آنها را انکشاف داده است.

استالین از همان اولین گام‌های انقلاب نخستین روسیه، به طرز قاطعی از استراتژی و تاکتیک لنینی در انقلاب، از ایده‌ی لنین راجع به سلطه پرولتاریا در انقلاب دفاع کرده از آنها پیروی می‌نماید. استالین در شب ۹ ژانویه ۱۹۰۵ لیبرال‌ها را که نه برای انقلاب بلکه برای سازش با تزار کوشش می‌کردند، مخاطب قرار داده می‌گوید:

« بلی، آقایان کوشش‌های شما بیهوده است! انقلاب روسیه اجتناب‌ناپذیر است و همان طور اجتناب‌ناپذیر است که طلوع خورشید اجتناب‌ناپذیر می‌باشد! آیا می‌توانید خورشید طالع را متوقف کنید؟ نیروی عمده این انقلاب پرولتاریای شهر و ده می‌باشد و پرچمدار آن حزب سوسیال دموکرات کارگری است نه شما آقایان لیبرال‌ها.»^{۱۷}

استالین با همین قاطعیت نیز از ایده‌ی قیام مسلحانه همچون وسیله‌ی سرنگون کردن حکومت مطلقه و به دست آوردن جمهوری دفاع می‌نماید. در تألیفات وی از سال ۱۹۰۵ تا سال ۱۹۰۷ ایده قیام مسلحانه لنین به طور جامع‌الاطراف مستدل گشته است. رفیق استالین می‌گوید:

۱۶ - همانجا ص ۶۷.

۱۷ - همانجا ص ۷۸.

« راه نجات توده، قیام پیروزمندانه خود توده است.»

استالین هم مانند لنین اهمیت بسیاری برای تدارک فنی قیام، تشکیل فدائیان جنگی، تهیهی اسلحه و غیره قائل بود. استالین خاطر نشان می‌نماید:

« همانا رهبری فنی و تدارک سازمانی قیام سرتاسری روسیه آن وظیفه جدیدی است که واقعیت در مقابل پرولتاریا نهاده است.»^{۱۸}

استالین به طور روزمره فعالیت سازمان‌های بلشویکی ماورای قفقاز را به منظور تدارک قیام مسلحانه رهبری می‌کرد. استالین ایده‌ی لنین را راجع به حکومت انقلابی موقت مستدل نموده آن را انکشاف می‌دهد. استالین خاطر نشان می‌نماید که ایجاد حکومت موقت باید نتیجه طبیعی قیام مسلحانه و پیروزمندانه توده باشد. به همان نسبتی که پرولتاریا و دهقانان در قیام فاتح خواهند شد، به همان نسبت حکومت انقلابی موقت هم باید منعکس‌کننده‌ی آمال و منافع آنان باشد. این دولت باید دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و دهقانان باشد. فقط دیکتاتوری این طبقات انقلابی خواهد توانست بر نیروهای سیاه ارتجاع لجام زده و آنها را منکوب نماید، توده را مسلح و برنامه حداقل حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه را عملی کند، پیروزی انقلاب را تحکیم و آن را به آخر رساند. استالین می‌گوید:

« اگر پیشوای انقلاب، پرولتاریای پیشقدم است و اگر او باید در سازمان دادن قیام شرکت فعال داشته باشد - آن وقت خود بخود واضح است که ما نمی‌توانیم دست روی دست گذارده خود را از حکومت انقلابی موقت برکنار داریم، ما باید به اتفاق دهقانان قدرت سیاسی را به دست آورده در حکومت موقت شرکت نمائیم^{۱۹} - پیشوای کوچه انقلابی باید پیشوای حکومت انقلاب نیز باشد.»^{۲۰}

استالین در مبارزه با دشمنان کثیرالعهده حزب بلشویک و طبقه کارگر پیوسته از تئوری انقلابی و نقشه تاکتیکی لنین دفاع و آن را بسط می‌دهد. ارزش عظیم این نقشه در آن بود که به طرز شگرفی با واقعیت روسیه وفق می‌داد،

۱۸ - همانجا ص ۱۳۳.

۱۹ - ما در اینجا وارد جنبه‌ی اصولی این مسئله نمی‌شویم.

۲۰ - از تألیفات ی. و. استالین، جلد اول، ص ۲۵۹-۲۵۸، چاپ روسی.

توده‌های وسیع مردم را به مبارزه بر می‌انگیخت، روح اعتماد به پیروزی را در آنها می‌دمید و انقلاب را به جلو می‌راند.

کمیته متحده قفقاز بدون خستگی تصمیمات کنگره سوم حزب را تبلیغ نموده کارگران و دهقانان را به قیام مسلحانه دعوت می‌نمود. اوراق مخفیانه‌ای که استالین در ۱۹۰۵ نشر می‌داد، نمونه‌ایست از چگونگی تبلیغ عقاید بلشویسم در بین توده‌ها. در مقالات "قیام مسلحانه و تاکتیک ما"، "حکومت انقلابی موقت و سوسیال دموکراسی"، "ارتجاع قوت می‌گیرد" و غیره استالین لیدرهای منشویک را به باد انتقاد در هم شکننده‌ای گرفته و پیوسته از لزوم قیام مسلحانه پشتیبانی و آن را تبلیغ می‌نماید.

اعتصاب همگانی اکتبر سال ۱۹۰۵ که نیرو و قدرت جنبش پرولتاریائی را نشان داد، تزار را که به وحشت مرگ افتاده بود، مجبور به صدور بیانیهای هفدهم اکتبر کرد. این بیانیه که هرگونه آزادی را به ملت نوید می‌داد، فریفتن توده‌های مردم بود، نیرنگی از طرف تزار بود، یک نوع تنفسی بود که تزار لازم داشت تا زود باوران را اغفال کند، فرصتی به دست آورد نیروی خود را جمع کند و سپس بر پیکر انقلاب ضربه وارد سازد. بلشویک‌ها توده‌ها را متوجه می‌کردند که بیانیهای هفدهم اکتبر دامی بیش نیست. بیانیهای اکتبر زمانی صادر شد که استالین در تفلیس در بحبویه مبارزه برای پیش بردن نقشه‌ی تاکتیکی لنین و شعارهای انقلابی بلشویکی بود. همان روز استالین در میتینگ کارگران نطقی ایراد نمود و گفت:

« برای این که حقیقتاً پیروزمند گردیم سه چیز لازم است. نخست مسلح شدن، دوم - مسلح شدن، سوم - باز و باز هم مسلح شدن. »^{۲۱}

استالین در شبنامه‌ای که از طرف کمیته تفلیس اتحادیه قفقاز حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه زیر عنوان "هم میهنان!" در ماه اکتبر سال ۱۹۰۵ نوشته بود ضمن طرفداری از ایده‌ی لزوم قیام مسلح همگانی برای پیروزی انقلاب، چنین می‌گوید:

« اعتصاب همگانی سیاسی که اکنون در گرفته و از حیث عظمت نه تنها در تاریخ روسیه، بلکه در تاریخ تمام جهان نیز نظیر و مانند ندارد چه بسا ممکن است امروز بدون این که بدل به قیام همگانی مردم شود، به پایان رسد، ولی فقط برای این به پایان رسد، که فردا از

۲۱ - "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی"، ص ۱۳۳، چاپ فارسی.

نو و با نیروی بیشتری کشور را به لرزه آورد و بدل به آن قیام مسلحانه‌ی عظیمی گردد که باید نتیجه‌ی یک قرن مرافعه ملت روس را با حکومت مستبد تزاری حل کند و مغز این اعجوبه‌ی نفرت‌انگیز را به سنگ بکوبد.... قیام مسلحانه تمام خلق - این است که آن وظیفه‌ی بزرگی که اکنون در مقابل پرولتاریای روسیه قرار گرفته و آمرانه حل خود را خواستار است!»^{۲۲}

در این هنگام استالین در ماورای قفقاز به کارهای بزرگ انقلابی مشغول بود. چهارمین کنفرانس بلشویکی اتحادیه قفقاز حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه (نوامبر سال ۱۹۰۵)، تحت سرپرستی استالین، درباره‌ی تقویت مبارزه برای تهیه مقدمات و عملی ساختن قیام مسلحانه و بایکوت دومای تزاری و بسط و تحکیم سازمان‌های انقلابی کارگران و دهقانان یعنی شوراهای نمایندگان کارگران و کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های انقلابی دهقانان، تصمیم اتخاذ می‌کند. استالین پرده از رخسار منشویک‌ها برداشته آنها را منکوب می‌نماید و همواره کارگران را برای نبرد قطعی با حکومت مطلقه آماده می‌سازد. شعله‌ی آتش انقلاب سرتاسر ماورای قفقاز را فرا گرفت. هنوز کنگره‌ی سوم حزب بود که در قطعنامه‌ی آن به نام "راجع به حوادث قفقاز" که از طرف لنین پیشنهاد شده بود، فعالیت سازمان‌های بلشویکی ماورای قفقاز، به عنوان "مبارزترین سازمان‌های حزب ما" جای مخصوصی را اشغال کرده و از تمام حزب دعوت شده بود که با کلیه‌ی وسایل به آنها کمک و یاری کند.

در ماه دسامبر سال ۱۹۰۵، استالین به عنوان نماینده‌ی بلشویک‌های ماورای قفقاز، برای شرکت در نخستین کنفرانس بلشویک‌های سراسر روسیه به تامرفرس (فنلاند) مسافرت می‌نماید. در کنفرانس تامرفرس اولین بار لنین و استالین حضوراً ملاقات کردند. در این کنفرانس رفیق استالین به عضویت کمیسیون سیاسی انشای قطعنامه‌های کنفرانس انتخاب شد و در آن جا به عنوان یکی از رهبران برجسته‌ی حزبی به اتفاق لنین کار می‌کرد.

پس از شکست قیام ماه دسامبر، عقب‌نشینی انقلاب تدریجاً آغاز می‌شود. در حزب کنگره‌ی چهارم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه، تهیه دیده می‌شود. آتش مبارزه بین بلشویک‌ها و منشویک‌ها با نیروی جدیدی شعله‌ور می‌گردد. عناصر آنارشویست - سندیکالیست وارد صحنه می‌شوند. جار و جنجال آنها به ویژه در تقلیس زیاد است. استالین در مرکز مبارزه علیه تمام جریانات ضد پرولتری ماورای قفقاز قرار دارد.

۲۲ - از تألیفات ی. و. استالین، جلد اول، ص ۱۸۶، چاپ روسی.

استالین، شرکت‌کننده‌ی فعال کنگره‌ی چهارم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه (منعقد در استه‌کلم در ماه آوریل سال ۱۹۰۶) است و در آنجا دوش به دوش لنین در مقابل منشویک‌ها از خط مشی بلشویکی در انقلاب دفاع می‌کند. در پاسخ منشویک‌ها، استالین موضوع را با صراحت مطرح می‌کند:

«یا سلطه‌ی پرولتاریا، یا سلطه‌ی بورژوازی دموکراتیک - اینست موضوعی که در حزب ما مطرح است و اینست موضوع مورد اختلاف ما»^{۲۳}

اندکی پس از کنگره، جزوه‌ی "لحظه‌ی کنونی و کنگره‌ی متحدکننده‌ی حزب کارگر" از زیر خامه‌ی استالین بیرون آمد. در این جزوه، استالین تجربیات قیام مسلحانه دسامبر را تجزیه و تحلیل نمود، خط مشی بلشویکی را در انقلاب مستدل کرد و کارهای کنگره‌ی چهارم حزب کارگری سوسیال دموکرات را جمع‌بندی نمود.

پس از کنگره استالین مجدداً به ماورای قفقاز می‌آید و به مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیری علیه منشویسم و سایر جریانات ضد پرولتری می‌پردازد. روزنامه‌های علنی بلشویکی - "آخالی تسخوربا" ("زندگی نوین") "آخالی درویبا" ("عصر جدید"). "چونی تسخوریا" ("زندگی ما")، "درو" ("وقت") که به زبان گرجی در تفلیس منتشر می‌شدند، تحت رهبری استالین قرار می‌گیرند.

سلسله مقالات درخشان "آنارشویسم یا سوسیالیسم" که به مناسبت بسط فعالیت آنارشویست‌های طرفدار کراپوتکین در ماورای قفقاز نوشته شده است، مربوط به این زمان است.

در شرایطی که امواج انقلاب فرو می‌نشست و از پس آن ارتجاع فرا می‌رسید، دفاع از اصول تئوریک بلشویسم، به مثابه‌ی وظیفه‌ی مستقیم حزبی، جزو مسائل روز قرار گرفت. در سال ۱۹۰۹ لنین اثر داهیان‌هی خود "ماتریالیسم و امپریوکریتیسیسم" را منتشر می‌کند و در آن کاملاً از چهره‌ی قلب ماهیت دادگان در قلمرو تئوری مارکسیسم پرده برداشته و از اصول تئوری حزب بلشویک دفاع می‌نماید.

استالین نیز برای مدافعه از اصول تئوریک مارکسیسم قیام می‌کند. استالین در مقالات خود از اصول علمی حزب مارکسیستی یعنی ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی دفاع نموده، آن را بسط می‌دهد. این مقالات استالین در سال‌های

۲۳ - همانجا ص ۲۴۰.

۱۹۰۶-۱۹۰۷ در روزنامه‌های بلشویکی گرجستان درج شده است. در این مقالات به طرزی ساده و درخور فهم عامه یعنی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی تشریح شده است. در این اثر، مسائل اساسی تئوری مارکسیست - لنینیست ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر بودن انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا، لزوم یک حزب مبارز پرولتاریائی حزبی از طراز نوین، متمایز از احزاب رفرمیست انترناسیونال دوم، با عمق فوق‌العاده‌ای طرح و حل گشته و اصول استراتژی و تاکتیک حزب تشریح می‌گردد. این مقالات استالین اندوخته‌ی نفیسی است که به تئوری مارکسیسم - لنینیسم اضافه شده و مانند دُر گرانبهائی در خزانه‌ی مسلکی حزب ما وارد می‌گردد. این مقالات نمونه‌ایست که نشان می‌دهد با چه عمقی مسائل تئوری مارکسیسم - لنینیسم روشن شده و چه ارتباط لاینفکی با وظایف حیاتی مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریا دارد.

در ماه‌های آوریل و مه سال ۱۹۰۷ کنگره‌ی پنجم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه در لندن انعقاد یافت و پیروزی بلشویک‌ها را نسبت به منشویک‌ها تحکیم نمود. استالین از شرکت‌کنندگان فعال این کنگره بود و پس از مراجعت از کنگره نتایج کار آن را در مقاله‌ی "کنگره‌ی حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه در لندن (یادداشت‌های یک نماینده)" منتشر ساخت و در این یادداشت‌ها تصمیمات و نتایج کنگره را ارزیابی نمود، از موقعیت مسلکی و تاکتیکی بلشویکی دفاع کرد، خط مشی بورژوا - لیبرال‌مابانه‌ی منشویک‌ها را در انقلاب و انحلال‌طلبی آنها را نسبت به حزب فاش نمود و طبیعت طبقاتی منشویسم را به منزله‌ی یک جریان سیاسی خرده‌بورژوازی نشان داد.

نخستین انقلاب روسیه منجر به شکست شد. از پایان نخستین انقلاب تا آغاز انقلاب دوم ده سال فاصله می‌شود. طی این مدت بلشویک‌ها با قهرمانی و از خود گذشتگی، با سرسختی و به طور خستگی‌ناپذیر توده‌ها را متشکل می‌کردند، آنها را با روح انقلاب تربیت می‌کردند، مبارزه‌ی آنان را هدایت می‌نمودند و آهن پیروزی آینده‌ی انقلاب را می‌کوبیدند.

برای لنین و استالین این سال‌ها، سال‌های مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیر در راه حفظ و تحکیم حزب مخفی انقلابی و اجرای خط مشی بلشویکی در شرایط نوین، سال‌های کار دشوار در رشته‌ی تشکل و تربیت توده‌های کارگر و سال‌های مبارزه به ویژه سخت با پلیس تزاری بود. تزاریسیم احساس می‌کرد که در وجود استالین با یکی از بزرگ‌ترین مردان انقلاب سر و کار دارد و به انواع وسایل می‌کوشید استالین را از امکان کار انقلابی محروم سازد. بازداشت، زندان و تبعید یکی جای خود را به دیگری می‌داد. از سال ۱۹۰۲ تا سال ۱۹۱۳ استالین ۷ مرتبه بازداشت شد، شش بار تبعید گردید و ۵ دفعه از تبعید فرار کرد. جلادان تزاری هنوز فرصت نکرده بودند استالین را در تبعیدگاه نوین جابجا کنند که او مجدداً فرار می‌کرد و از نو در حال "آزادی" به قوام دادن نیروی انقلابی توده‌ها می‌پرداخت. فقط از تبعیدگاه اخیر یعنی از توروخانسک، استالین در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ آزاد گردید.

از ژوئیه سال ۱۹۰۷ دوران فعالیت انقلابی استالین در باکو شروع می‌شود. پس از مراجعت از کنگره‌ی پنجم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه در لندن استالین شهر تفلیس را ترک کرده به امر حزب در شهر باکو بزرگ‌ترین نواحی صنعتی ماورای قفقاز و مهم‌ترین مراکز جنبش کارگری روسیه استقرار می‌یابد. در اینجا او برای گرد آوردن سازمان باکو در پیرامون شعارهای لنین و کشیدن توده‌های کارگر در زیر پرچم بلشویسم، با حرارت تمام کار می‌کند. استالین به مبارزه سازمان می‌دهد تا این که منشویک‌ها را از نواحی کارگری باکو (بالاخانه، بی‌بی هیبت، شهر سیاه، شهر سفید) کنار بزند. استالین رهبری ارگان‌های مخفی و علنی بلشویکی (روزنامه‌های "باکینسکی پرولتاری" ("پرولتر باکو")، "گودوک"، (شیپور) "باکینسکی رابوچی" ("کارگر باکو")، را به عهده خود می‌گیرد. استالین مبارزه‌ی انتخاباتی دوما‌ی سوم دولتی را رهبری می‌کند. نوشته‌ی استالین زیر عنوان "سپارش به نمایندگان سوسیال دموکرات در دوما‌ی دولتی سوم" در جلسه نمایندگان صنف کارگر باکو در ۲۲

سپتامبر تصویب می‌شود. استالین مبارزه‌ی کارگران باکو را هدایت می‌نماید. رهبری وی از فعالیت بزرگی که در اطراف مشاوره بین کارگران و کارفرمایان نفت در موقع انعقاد دستجمعی ایجاد شده بود، نمونه‌ی درخشان‌یست از اجرای خط مشی قابل انعطاف لنینی در قسمت توأم ساختن کارهای مخفی و علنی در شرایط ارتجاع. استالین با اجرای ماهرانه‌ی تاکتیک لنینی در قسمت بسیج توده‌های کارگر برای مبارزه‌ی سیاسی ضد سلطنت تزاری، پیروزی بلشویک‌ها را در این فعالیت تأمین نمود. در ظلمت ارتجاع استولیبینی، شهر پرولتری باکو منظره بی‌نظیری به خود می‌گیرد، مبارزه‌ی پرولتری دامنه می‌گیرد و صدای روزنامه‌های علنی بلشویک یعنی زاده‌های فکر استالین، در سرتاسر روسیه طنین‌انداز می‌گردد. لنین مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی کارگران باکو را در سال ۱۹۰۸ چنین توصیف می‌کند:

« آخرین موهیکان‌های^{۲۴} اعتصاب سیاسی توده‌ای^{۲۵} »

استالین هسته‌ی محکمی از بلشویک‌های لنینیست آزموده از قبیل فی اولتف، ساراتوتس (یفیموت)، واتسک، بوکف، مالیگین، ارجونیکیدزه، جاپاریدزه، شااومیان، اسپانداریان، خانلر، محمداوف، عزیزبکوف، غازی محمد و غیره را در پیرامون خود متحد می‌سازد. استالین سرانجام پیروزی کامل بلشویسم را در صفوف سازمان باکو تأمین می‌نماید. باکو بدل به دژ بلشویسم می‌گردد. پرولتریای باکو تحت رهبری استالین در نخستین صفوف جنبش انقلابی سرتاسر روسیه قهرمانانه مبارزه می‌کند. دوران باکو در زندگانی و فعالیت استالین دارای اهمیت بزرگی است. اینست آن چه که استالین راجع به این دوران می‌گوید:

« دو سال کار انقلابی بین کارگران صنایع، نقش مرا هم چون یک مبارز سیاسی و یکی از رهبران عملی آبدیده ساخت. من در معاشرت با کارگران پیشقدم شهر باکو از قبیل واتسک، ساراتوتس و غیره از یک طرف و در توفان مناقشات عمیق بین کارگران و کارفرمایان صنایع نفت از طرف دیگر، برای نخستین بار به معنای

۲۴ - دسته‌ای از طوایف سرخ پوست آمریکائی که از طرف هلندی‌ها به ساحل اقیانوس اطلس متواری شده و تدریجاً به دست هلندی‌ها و انگلیس‌ها نابود شدند. (مترجم)
۲۵ - تألیفات و. ای. لنین، جلد ۱۵، صفحه ۳۳، چاپ روسی.

رهبری توده‌های بزرگ کارگر پی بردم. بدین ترتیب در آنجا یعنی باکو، من دومین تعمیم جنگی انقلابی خود را دیدم. ^{۲۶}»

در تاریخ ۲۵ مارس سال ۱۹۰۸ استالین را بازداشت و پس از تقریباً ۸ ماه زندان برای مدت دو سال به محل سول ویچگورسک واقع در شهرستان ولوگدا تبعید می‌کنند. ولی او در ۲۴ ژوئن سال ۱۹۰۹ فرار می‌کند و برای ادامه‌ی کار مخفی به باکو مراجعت می‌نماید. استالین کاملاً از خط مشی لنین پشتیبانی نموده و به طرزی قطعی علیه انحلال‌طلبان و طرفداران پس خواندن نمایندگان مجلس اقدام می‌کند. "نامه‌های قفقاز" استالین که دارای جنبه‌ی تاریخی است در جراید مرکزی حزب و مقالات "بحران حزبی و وظایف ما"، "زندگی حزب" و غیره در روزنامه‌ی "پرولتاریای باکو" منتشر می‌شود و استالین در آنها شجاعانه از وضع سازمان‌های حزبی انتقاد نموده و نقشه برطرف نمودن بحران حزبی را مطرح می‌نماید. این اثرهای استالین حاوی انتقاد در هم شکننده‌ای از انحلال‌طلبان است. استالین منشویک‌های تفلیس را مورد مثال قرار داده، ارتداد انحلال‌طلبان را در مسائل برنامه و تاکتیک فاش می‌کند. در این اثرها رفتار خائنه‌ی دستیاران ترسکیسم سخت مورد تقبیح قرار گرفته و وظایف روزمره‌ای که بعداً در کنفرانس حزبی منعقد در شهر پراگ عملی شد در معرض افکار گذارده می‌شود. این وظایف عبارت است از: دعوت کنفرانس عمومی حزب، انتشار روزنامه‌ی علنی حزبی و تشکیل مرکز مخفی عملیات حزبی در روسیه.

در تاریخ ۲۳ مارس سال ۱۹۱۰ استالین را مجدداً در باکو بازداشت کرده و پس از شش ماه زندان باز هم به سول ویچگورسک، تبعید می‌کنند. استالین از تبعیدگاه با لنین ارتباط حاصل نموده، در آخر سال ۱۹۱۰ مکتوبی به او می‌نویسد و در آن تاکتیک لنین را درباره‌ی ائتلاف حزبی طرفداران حفظ و تحکیم حزب مخفی پرولتری کاملاً تأیید نموده و از "بی‌پرنسیپی کثیف" ترسکی به سختی انتقاد کرده، نقشه‌ی سازمان کار حزب را در روسیه پیشنهاد می‌کنند.

از نیمه دوم سال ۱۹۱۱ مرحله‌ی فعالیت انقلابی رفیق استالین در پترزبورگ فرا می‌رسد. ۶ سپتامبر ۱۹۱۱ رفیق استالین مخفیانه از ولگدا به پترزبورگ مسافرت می‌کند. در پترزبورگ رفیق استالین با سازمان حزبی پترزبورگ ارتباط برقرار می‌نماید، مبارزه ضد انحلال‌طلبان، منشویک‌ها و ترسکیست‌ها را هدایت و متشکل می‌کند، سازمان‌های بلشویکی پترزبورگ را متحد و مستحکم می‌سازد. در تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۱۱ رفیق استالین را در

۲۶ - "پراودا"، شماره ۱۳۶، مورخه ۱۶ ژوئن سال ۱۹۲۶.

پترزبورگ بازداشت نموده و به شهرستان ولوگدا تبعید کردند. از این تبعیدگاه هم در ماه فوریه سال ۱۹۱۲ او مجدداً موفق به فرار می‌شود. در ماه ژانویه سال ۱۹۱۲ در حیات حزب واقعه بسیار مهمی رخ می‌دهد. کنفرانس کارگری سوسیال دموکرات روسیه منعقد در شهر پراگ، منشویک‌ها را از حزب خارج می‌کند و شالوده‌ی حزب طراز نوین یعنی حزب لنینیسم یا حزب بلشویک را می‌ریزد.

زمینه‌ی تشکیل چنین حزب یعنی حزب طراز نوین را بلشویک‌ها از همان زمان انتشار روزنامه "ایسکرا"ی قدیم حاضر می‌کردند و این عمل را با سرسختی، با پافشاری و علی‌رغم هرگونه اشکالی انجام می‌دادند. تمام تاریخ مبارزه با "اکنونیست‌ها"، منشویک‌ها، ترسکیست‌ها، طرفداران فرا خواندن نمایندگان مجلس و انواع ایده‌الیست‌ها، از آن جمله آمپریوکریتیست‌ها، همانا عبارت از تاریخ تهیه‌ی چنین حزبی بود. آثار لنین از قبیل - "چه باید کرد؟"، "یک گام به پیش دو گام به پس"، "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک"، "ماتریالیسم و آمپریوکریتیسیسم" در این کار تهیه، نقش عمده و قطعی بازی کردند. استالین در مبارزه با دشمنان متعدد و در ایجاد حزب انقلابی مارکسیستی یعنی حزب بلشویک، هم‌رزم وفادار لنین بود.

۴

کنفرانس پراگ در قطعنامه‌ی خود پیشگویی کرد که در آتی‌هی نزدیکی صعود قوس انقلاب به طور اجتناب‌ناپذیری آغاز خواهد شد. کنفرانس اقدامات لازمه را اتخاذ نمود تا حزب بتواند با تسلیح کامل با این صعود روبرو شود. کنفرانس یک کمیته‌ی مرکزی بلشویکی انتخاب کرد و یک مرکز عمل ایجاد نمود تا کار انقلابی را در روسیه رهبری کند (بوری روسیه کمیته‌ی مرکزی) و تصمیم گرفت روزنامه‌ی "پراودا" را منتشر نماید. استالین که از سال ۱۹۱۰ نماینده‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب ("عامل کمیته‌ی مرکزی") بود، غیباً از طرف

کنفرانس به عضویت کمیته‌ی مرکزی انتخاب می‌گردد. بنا به پیشنهاد لنین، ریاست بوروی روسیه کمیته‌ی مرکزی به استالین واگذار شد ولی چون استالین در تبعیدگاه بود، لازم بود وسائل فرار او فراهم گردد. برحسب دستور لنین سوگو اورجونیکیدزه به شهر ولگدا می‌رود و استالین را از تصمیمات کنفرانس پراگ مطلع می‌سازد. در تاریخ ۲۹ فوریه سال ۱۹۱۲ استالین باز هم از تبعیدگاه فرار می‌کند. استالین طی مدت قلیل "آزادی" با انرژی تمام به فعالیت خود توسعه می‌دهد - برحسب دستور کمیته‌ی مرکزی به مهم‌ترین نواحی روسیه مسافرت می‌کند، مقدمات "نمایش اول مه" آتیه را تهیه می‌بیند، ورقه‌ی مشهور اول ماه مه کمیته‌ی مرکزی را انشاء می‌نماید و در روزهای اعتصابات لنا در پترزبورگ روزنامه‌ی هفتگی بلشویکی "ازودا" ("ستاره") را رهبری می‌کند.

روزنامه‌ی یومیه‌ی توده‌ای بلشویکی "پراودا" منتشره در پترزبورگ، اسلحه‌ی نیرومندی شد در دست حزب بلشویک برای تقویت سازمان‌های خود و به دست آوردن نفوذ بین توده‌ها. این روزنامه طبق دستور لنین و بنا به ابتکار استالین تأسیس شد. تحت سرپرستی استالین، اولین شماره‌ی "پراودا" تهیه و خط مشی آن تعیین گردید.

ظهور "پراودا" توأم بود با قوس صعودی نوین انقلاب. در تاریخ ۲۲ آوریل (۵ ماه مه از روی تقویم جدید) سال ۱۹۱۲ اولین شماره‌ی آن منتشر شد. این روز برای کارگران واقعاً روز جشن بود. به افتخار ظهور "پراودا" تصمیم گرفته شد روز ۵ ماه مه، روز جشن مطبوعات کارگری محسوب گردد. رفیق استالین در روز دهمین سال پیدایش "پراودا" نوشته است:

« پراودای سال ۱۹۱۲ شالوده‌ای بود برای پیروزی بلشویسم در سال ۱۹۱۷. »^{۲۷}

در تاریخ ۲۲ آوریل سال ۱۹۱۲ استالین را در خیابان شهر پترزبورگ بازداشت نموده و پس از چند ماه زندانی شدن، این دفعه به منطقه‌ی دور دست‌تری یعنی به ایالت ناریم برای مدت ۳ سال تبعید کردند ولی در اول سپتامبر سال ۱۹۱۲ استالین مجدداً از تبعیدگاه فرار کرده و به پیش می‌آید. در اینجا استالین سردبیری روزنامه بلشویکی "پراودا" را عهده‌دار شده و فعالیت بلشویک‌ها را در مبارزه‌ی قبل از انتخاباتی چهارمین دوره‌ی دوما رهبری می‌کند. استالین با وجود این که هر قدمش تحت تعقیب بود، بدون اعتنا به خطر

۲۷ - "پراودا"، شماره ۹۸، ۵ ماه مه سال ۱۹۲۲.

در یک سلسله از میتینگ‌های کارخانجات سخنرانی می‌کند ولی سازمان‌های کارگری و خود کارگران وی را حفظ کرده و از تجاوز پلیس مصون نگاه می‌دارند.

"سپارش کارگران پترزبورگ به نماینده‌ی کارگری خود"، که به خامه‌ی استالین نوشته شد و لنین ارزش بس بزرگی برای آن قائل گردیده است در این مبارزه انتخاباتی که به پیروزی کارگران منتج گردید، مهم‌ترین نقش را بازی کرده است. لنین هنگامی که این "سپارش" را برای چاپ به مطبعه می‌فرستاد نوشته بود:

« حتماً عودت دهید!! کثیف نکنید. حفظ این سند فوق‌العاده مهم است. »

لنین در نامه‌ی خود به هیئت تحریریه‌ی "پراودا" متذکر شده است:

« این سپارش به نماینده‌ی پترزبورگ را حتماً در جای برجسته با حروف درشت درج کنید. »^{۲۸}

"سپارش" استالین مسائل حل نشده‌ی سال ۱۹۰۵ را به کارگران یادآوری نموده و آنها را دعوت به مبارزه در دو جبهه می‌کرد یعنی هم علیه حکومت تزاری و هم علیه بورژوازی لیبرال که در جستجوی سازش با تزارسیم بود. پس از انتخابات، استالین قسمت بلشویکی فراکسیون دوما را رهبری می‌کند. ی. اسوردلف و و. مولوتف که در رهبری روزنامه "پراودا" و مبارزه‌ی انتخاباتی و فراکسیون دوما شرکت فعالی داشتند، در پترزبورگ به اتفاق استالین کار می‌کنند. در این زمان بین لنین و استالین رابطه‌ی بیش از پیش محکمی برقرار می‌شود. لنین در نامه‌های خود فعالیت استالین و سخنرانی‌ها و مقالات وی را کاملاً تأیید می‌نماید. استالین دو بار در ماه نوامبر و در اواخر ماه دسامبر سال ۱۹۱۲ برای شرکت در مجلس مشاوره‌ی کمیته‌ی مرکزی با کارکنان حزبی به کراکوی نزد لنین مسافرت می‌کند.

استالین ضمن اقامت خود در خارجه اثر "مارکسیسم و مسئله ملی" خود را که لنین برای آن ارزش بزرگی قائل بود، به رشته‌ی تحریر در می‌آورد. لنین راجع به این اثر نوشته است:

۲۸ - تألیفات و. ای. لنین، جلد ۲۹، ص ۲۸، چاپ سوم روسی.

« در نشریات تئوریک مارکسیستی... در زمان اخیر دیگر اساس برنامه‌ی ملی سوسیال دموکرات روشن شده است (در این باره مقاله‌ی استالین مقام اول را احراز می‌کند) »^{۲۹}

اثر "مارکسیسم و مسئله ملی" استالین، بزرگ‌ترین قدمی بود که بلشویسم قبل از جنگ در عرصه‌ی بین‌المللی در زمینه‌ی مسئله ملی برداشت. این تئوری اعلام برنامه‌ی بلشویسم در مسئله ملی بود. دو شیوه، دو برنامه، دو جهان‌بینی در مسئله ملی، یعنی از آن انترناسیونال دوم و از آن لنینیسم در این اثر به طرز برنده و نیرومندی از یک دیگر تفکیک شده بود. استالین به اتفاق لنین نظریات و اصول خشک، اپورتونیستی انترناسیونال دوم را در مسئله ملی در هم شکست. لنین و استالین برنامه‌ی مارکسیستی مسئله ملی را تهیه و تنظیم کردند. استالین در این اثر خود تئوری مارکسیستی ملت را تشریح کرده، اصول رویه‌ی بلشویکی را در حل مسئله ملی (یعنی این که مسئله ملی را باید قسمتی از مسئله کلی انقلاب شمرده و آن را در حال ارتباط پیوسته با تمام شرایط عصر امپریالیسم در نظر گرفت) افاده نموده و اصل بلشویکی اتحاد بین‌المللی کارگران را مستدل ساخته است.

در تاریخ ۲۳ فوریه سال ۱۹۱۳ استالین در شب‌نشینی‌ای که از طرف کمیته بلشویکی پترزبورگ در سالون بورس کلاشینکوف تشکیل شده بود، بازداشت گردید. این دفعه دیگر حکومت تزاری استالین را به سرزمین دوردست توروخالنسک برای مدت چهار سال تبعید می‌کند. در این تبعیدگاه جدید استالین بدو در قریه کوسنینو زندگی کرده و سپس، یعنی در اوایل سال ۱۹۱۴ ژاندارم‌های تزاری از ترس این که مبادا باز هم فرار کند، او را به نقطه‌ی شمالی‌تر یعنی به قریه کوریکا، حوالی مدار قطبی منتقل کردند. استالین سال‌های ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶ را در اینجا بسر برد. این تبعیدگاه در دورافتاده‌ترین نقاط سیبری واقع و سخت‌ترین تبعیدگاه‌های ممکنه سیاسی بود.

در تابستان سال ۱۹۱۴ جنگ امپریالیستی آغاز شد. احزاب انترناسیونال دوم به طور ننگ‌آوری به پرولتاریا خیانت کرده و به بورژوازی امپریالیستی گرویدند. فقط لنین و بلشویک‌ها به پرچم مبارز انترناسیونالیسم وفادار ماندند، فقط حزب بلشویک‌ها بود که فوراً و بلادرنگ پرچم مبارزه قطعی را علیه جنگ امپریالیستی بلند کرد. استالین که از دنیای خارج دور و رابطه‌اش با لنین و مراکز حزبی مقطوع بود، از رویه‌ی انترناسیونالیسم لنین در مسائل مربوط به جنگ، صلح و انقلاب پیروی می‌کند. وی نامه‌هایی به لنین نوشته، در جلسات

۲۹ - تألیفات و. ای. لنین، جلد ۱۷، ص ۱۱۶، چاپ سوم روسی.

بلشویک‌های تبعیدی قریه ماناستیرسکویه سخنرانی می‌کند (سال ۱۹۱۵) و در این سخنرانی‌ها به رفتار جبونانه و خیانت‌آمیز کامنف در جلسه‌ی محاکمه‌ی "پنج نفر" بلشویک - نمایندگان چهارمین دوما‌ی دولتی، داغ ننگ می‌زند. استالین در سال ۱۹۱۶ به اتفاق عده‌ای از بلشویک‌های تبعیدی انتشار مجله‌ی علنی بلشویکی "مسائل بیمه" را تهنیت گفته و متذکر می‌شود که وظیفه‌ی مجله اینست که:

« تمام مساعی و همت خود را در راه بیمه‌ی مسلکی طبقه‌ی کارگر کشور ما از مواعظ فاسدکننده و ضد پرولتری آقایان پوترسف‌ها، لویتسکی‌ها و پلخانف‌ها یعنی مواعظی که از بنیان خود مخالف اصول بین‌المللی است صرف کند. »

در دسامبر سال ۱۹۱۶ استالین که به ارتش فراخوانده شده بود، تحت‌الحفظ به شهر کراسنویارسک و سپس به شهر آچینسک اعزام می‌شود. در اینجا است که خبر انقلاب فوریه به گوش وی می‌رسد. ۸ مارس ۱۹۱۷ استالین از آچینسک حرکت کرده و در بین راه، تلگراف شادباشی برای لنین به سوئیس می‌فرستد. در تاریخ ۱۲ ماه مارس سال ۱۹۱۷ استالین پس از تحمل دلاورانه مصائب تبعید تورخانسک باز هم در شهر پترزبورگ - پایتخت انقلابی روسیه - است. کمیته‌ی مرکزی حزب، سرپرستی روزنامه‌ی "پراودا" را به او واگذار می‌کند. حزب بلشویک تازه از حالت مخفی خارج شده بود. بسیاری از برجسته‌ترین و فعال‌ترین اعضای حزب از تبعیدگاه و زندان‌های دوردست مراجعت می‌کردند. لنین در مهاجرت بود. حکومت موقت بورژوازی با وسائل گوناگون برای مراجعت وی اشکال تراشی می‌کرد. در چنین مرحله‌ی مسئولیت‌داری، استالین حزب را برای مبارزه در راه تبدیل انقلاب دموکراسی بورژوازی به انقلاب سوسیالیستی متحد می‌سازد. استالین به اتفاق مولوتف فعالیت کمیته‌ی مرکزی و کمیته‌ی پترزبورگ بلشویک‌ها را رهبری می‌نماید. بلشویک‌ها برای کارهای خود از مقالات استالین دستورهای اصولی و راهنمایی‌کننده‌ای اخذ می‌نمایند. استالین در همان نخستین مقاله‌ی خود تحت عنوان "درباره‌ی شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان"، راجع به وظیفه‌ی عمده‌ی حزب این طور نوشته است:

« باید این شوراها را استحکام بخشید، آنها را در همه جا بسط داد و تحت سرپرستی شورای مرکزی نمایندگان کارگران و سربازان که

ارگان حکومت انقلابی مردم است، آنها را با یک دیگر مربوط ساخت.»^{۳۰}

در مقاله‌ی "راجع به جنگ" استالین نشان داد که از افتادن قدرت به دست حکومت موقت ماهیت جنگ امپریالیستی تغییری نکرده است و جنگ ۱۹۱۷-۱۹۱۴ در زمان حکومت موقت بورژوازی نیز دارای همان جنبه‌ی غارتگرانه و غیرعادلانه است.

استالین، مولوتف و دیگران به اتفاق اکثریت حزب طرفدار سیاست عدم اعتماد به حکومت موقت امپریالیستی بودند و بر ضد سیاست دفاع منشویک‌ها و اس‌ارها و رویه‌ی نیمه منشویکی کامنف و اپورتونیست‌های دیگر که معتقد بودند حکومت موقت را به طور مشروط باید تقویت کرد، مبارزه می‌نمودند.

۵

در ۳ آوریل ۱۹۱۷ لنین پس از مدت مدیدی دوری از شهر و دیار به روسیه مراجعت نمود. خبر ورود پیشوای محبوب انقلاب از طرف کارگران پیشقدم پترزبورگ با شور و شغف استقبال گردید. رفیق استالین به اتفاق نمایندگان کارگران برای پیشواز لنین به ایستگاه بلواسترف شتافت. پیشواز لنین در ایستگاه فنلاند در پتروگراد، تبدیل به یک نمایش عظیم انقلابی گردید. لنین روز بعد از ورود تزه‌ای مشهور آوریل خود را ایراد نمود و در آن برای مبارزه در راه تبدیل انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی نقشه‌ی داهیان‌های به حزب داد. تزه‌ای لنین در شرایط نوین مبارزه پس از سرنگون کردن تزاریسیم خط حرکت تازه‌ای به حزب نشان داد.

۳۰ - تألیفات ی. و. استالین، جلد سوم، ص ۲، چاپ روسی.

در تاریخ ۲۴ آوریل سال ۱۹۱۷ کنفرانس هفتم (کنفرانس آوریل) بلشویک‌ها تشکیل و تزه‌های پیشنهادی لنین اساس کار آن قرار گرفت. کنفرانس آوریل حزب را به مجرای مبارزه در راه تبدیل انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی انداخت.

در کنفرانس استالین به طرزی قطعی از خط حرکت لنین به سوی انقلاب سوسیالیستی دفاع کرده، پرده از روی رویه‌ی اپورتونیستی و ضد لنینی کامنف، ویکوف و دیگر همفکران قلیل آنها برداشت. علاوه بر این استالین در کنفرانس راجع به مسئله‌ی ملی گزارش داد. استالین خط مشی پیوسته مارکسیست - لنینیستی را در مسئله‌ی ملی بسط داده سیاست ملی بلشویکی را مستدل ساخت و از حق ملل در حاکمیت بر سرنوشت خویش تا آنجائی که ملل حتی جدا شده، تشکیل دولت‌های مستقل بدهند، دفاع نمود. سیاست ملی لنین - استالین در انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر پشتیبانی ملل ستمکش را از حزب تأمین کرد.

در ماه مه ۱۹۱۷ پس از کنفرانس هیئت سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب تشکیل و استالین به عضویت هیئت سیاسی کمیته‌ی مرکزی انتخاب می‌شود.

حزب بر پایه‌ی تصمیمات کنفرانس آوریل به عملیات وسیعی برای جلب توده‌ها، پرورش پیکارجویی و سازمان دادن آنها دست می‌زند.

در چنین مرحله‌ی پیچیده‌ی انقلاب که جریان حوادث سریعاً پیش رفته و تاکتیک حزب می‌بایستی ماهرانه و قابل انعطاف باشد لنین - استالین مبارزه‌ی توده‌ها را رهبری می‌نمایند.

استالین می‌گوید:

« من سال ۱۹۱۷ را به خاطر می‌آورم که در آن پس از درگیری در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها بنا به اراده‌ی حزب به لنینگراد منتقل شدم. آنجا در محفل کارگران روس، در نزدیکی بلاواسطه‌ی معلم پرولتاریای جهان یعنی رفیق لنین، در گردباد زدوخوردهای عظیم میان پرولتاریا و بورژوازی در شرایط جنگ امپریالیستی، من برای اولین بار توانستم بفهمم که معنی یکی از رهبران حزب بزرگ طبقه‌ی کارگر بودن چیست. آنجا، در محفل کارگران روس یعنی آزادکنندگان ملل ستمکش و پیشاهنگ مبارزه‌ی پرولتری تمام کشورها و ملل، من سومین تعمیم جنگی انقلابی خود را دیدم. آنجا در روسیه تحت سرپرستی لنین من یکی از استادان انقلاب شدم. »^{۳۱}

۳۱ - "پراودا"، شماره ۱۳۶، مورخه ۱۶ ژوئن ۱۹۲۶.

استالین در کانون تمام کارهای عملی حزب قرار می‌گیرد. او به عنوان عضو کمیته‌ی مرکزی مستقیماً در رهبری کارهای کمیته‌ی پطروگراد حزب شرکت داشته، روزنامه‌ی "پراودا" را رهبری می‌کند. در روزنامه‌های "پراودا" و "سالداتسکایا پراودا" ("حقیقت سرباز") مقاله می‌نویسد و فعالیت بلشویک‌ها را در مبارزه‌ی انتخاباتی شهرداری پطروگراد هدایت می‌کند. استالین به اتفاق لنین در عملیات کنفرانس سازمان‌های نظامی سراسر روسیه حزب شرکت جسته در اینجا زیر عنوان "راجع به نهضت ملی و هنگ‌های ملی" گزارشی ایراد می‌نماید. استالین به اتفاق لنین نمایش تاریخی هیجدهم ژوئن را که تحت شعارهای حزب بلشویک جریان یافت، تشکیل داده از طرف کمیته‌ی مرکزی به کارگران و سربازان انقلابی پطروگراد پیام می‌فرستد. در ۲۰ ژوئن نخستین کنگره‌ی شوراهای سراسر روسیه، رفیق استالین را به عضویت کمیته‌ی اجرایی‌ی مرکزی انتخاب می‌کند.

پس از روزهای ژوئیه سال ۱۹۱۷ موقعی که لنین در معرض پیگرد و تعقیب حکومت ضد انقلابی قرار گرفته و در خفا بسر می‌برد، رهبری کمیته‌ی مرکزی، ارگان مرکزی حزب و روزنامه‌هایی که در آن زمان تحت عناوین مختلف منتشر می‌شد ("کارگر و سرباز"، "پرولتر"، "کارگر"، "راه کارگر") مستقیماً به عهده‌ی استالین بود. استالین جداً با حضور لنین در دادگاه ضد انقلابیون و با پیشنهادات خائنین یعنی کامنف، ریکوف، ترتسکی مبنی بر تسلیم لنین به دادگاه حکومت موقت ضد انقلابی مخالفت کرد و زندگی گرانبهای لنین را برای حزب، برای ملت ما و برای تمام بشر حفظ نمود.

درهم شکستن نمایش ماه ژوئیه در سیر تکامل انقلاب تحولی ایجاد کرد. به مقتضای شرایط جدید مبارزه، لنین تاکتیک نوینی برای حزب تنظیم می‌کند. استالین به همراهی اسوردلف کارهای ششمین کنگره‌ی حزب (ژوئیه - اوت سال ۱۹۱۷) را که مخفیانه تشکیل شده بود رهبری می‌کرد. در کنگره استالین عملیات کمیته‌ی مرکزی و اوضاع سیاسی را گزارش داد. در این گزارش‌ها رفیق استالین وظایف و تاکتیک حزب را در مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی دقیقاً تصریح کرد و به ترتسکیست‌ها که پیروزی سوسیالیسم را در روسیه غیر ممکن می‌شمردند، پاسخ دندان‌شکن داد.

در جواب ترتسکیست‌ها که می‌خواستند روش حزب را در انقلاب سوسیالیستی وابسته به انقلاب پرولتاریائی مغرب نمایند رفیق استالین گفت:

« هیچ استبعادی ندارد که بخصوص روسیه، کشوری باشد که راه سوسیالیسم را باز کند... باید تصورات پوسیده را دائر به این که فقط اروپا می‌تواند راه را به ما نشان دهد دور انداخت. مارکسیسمی

داریم که دگماتیک است و مارکسیسمی هم داریم که خلاق است. من به نوع اخیر مارکسیسم معتقد هستم.»^{۳۲}

کلمات استالین معجزه‌آسا بود، روسیه نخستین کشوری بود که راه را به سوی سوسیالیسم نشان داد.

کنگره در پیرامون استالین که از تعلیمات لنین راجع به امکان پیروزی سوسیالیسم در کشور ما پشتیبانی می‌کرد، گرد آمد. تحت رهبری استالین و به پیروی از دستورات لنین، ششمین کنگره‌ی حزب، کنگره‌ی تهیه‌ی قیام شد. هدفی که کنگره برای حزب معین کرد عبارت بود از قیام مسلحانه و به دست آوردن دیکتاتوری پرولتاریا.

در ماه اوت ۱۹۱۷ شورش ژنرال کورنیلف که در صدد احیای بساط تزاریسیم در روسیه بود شعله‌ور گشت. بلشویک‌ها توده‌های ملت را برای مبارزه با ماجراجوئی این ژنرال برانگیختند. قلع و قمع شورش کورنیلف دوران جدیدی در تاریخ انقلاب باز کرد، دوران تهیه‌ی یورش آغاز شد.

در ایامی که لنین مخفی بود استالین رابطه‌ی محکمی با معلم و دوست خود لنین برقرار نموده و با او مکاتبه می‌نماید. استالین دو بار از لنین در رازلیف دیدن می‌نماید.

لنین و استالین حزب و طبقه‌ی کارگر را با شهامت و اطمینان با رسوخ و احتیاط به طرف انقلاب سوسیالیستی و قیام مسلحانه هدایت می‌کردند. لنین و استالین الهام دهندگان و سازمان دهندگان پیروزی انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر بودند. استالین نزدیک ترین همکار لنین بود. او مستقیماً تمام امور مربوط به تهیه مقدمات قیام را رهبری می‌کرد. روزنامه‌های بلشویکی ایالات مقالات رهبری کننده‌ی استالین را اقتباس می‌کنند. استالین نمایندگان سازمان‌های ایالتی را نزد خود احضار می‌کند. به آنها دستور می‌دهد و وظایف جنگی هر یک از انسان‌ها را در مبارزه تعیین می‌کند. در تاریخ ۱۶ اکتبر کمیته‌ی مرکزی یک مرکز حزبی به ریاست رفیق استالین برای سرپرستی قیام انتخاب نمود. این مرکز حزبی هسته‌ی رهبری‌کننده‌ی کمیته‌ی جنگی انقلابی جنب شورای پطروگراد بود و تمام قیام را عملاً رهبری می‌کرد.

روز ۱۶ اکتبر رفیق استالین ضمن نطق خود در جلسه کمیته‌ی مرکزی حزب پیشنهادات تسلیم‌طلبانه خائنین یعنی زینویف و کامنف را که مخالف با قیام مسلحانه بودند رد کرد و اظهار نمود:

۳۲ - تألیفات ی. و. استالین، جلد سوم، ص ۱۸۷-۱۸۶، چاپ روسی.

« آن چه کامنف و زینویف پیشنهاد می‌کنند در واقع به ضد انقلاب امکان می‌دهد تا خود را آماده نموده و متشکل شود. ما بدون انتها عقب‌نشینی خواهیم کرد و انقلاب را خواهیم باخت. چرا ما نباید امکان تعیین روز و شرایط قیام را برای خود تأمین نمائیم و به ضد انقلاب اجازه بدهیم خود را متشکل سازد؟»^{۳۳}

صبح روز ۲۴ اکتبر کرنسکی فرمان بستن اداره روزنامه‌ی "رابوچی پوت"، ارگان مرکزی حزب را صادر و زرهپوش‌هایی به طرف بنای اداره و مطبعه‌ی "رابوچی پوت" فرستاد. ولی برای ساعت ۱۰ صبح بنا به دستور رفیق استالین نفرات گارد سرخ و سربازان انقلابی زرهپوش‌ها را عقب زده و مطبعه و اداره‌ی روزنامه را تحت محافظت نیرومندی قرار دادند. نزدیک ساعت یازده صبح روزنامه‌ی "رابوچی پوت" با سرمقاله‌ی استالین تحت عنوان "برای ما چه لازم است؟" که در آن توده‌ها را دعوت به برانداختن حکومت موقت بورژوازی می‌نمود، منتشر گشت. در عین حال بنا به دستور مرکز حزبی معجلاً دستجاتی از سربازان انقلابی و نفرات گارد سرخ به طرف کاخ اسمولنی اعزام شدند. ۲۴ اکتبر قیام شروع شد. عصر ۲۵ اکتبر کنگره‌ی دوم شوراهای گشایش یافت و تمام اقتدار را به دست شوراهای سپرد.

استالین در اولین شورای کمیسرهای ملی که پس از پیروزی انقلاب اکتبر در دومین کنگره‌ی شوراهای تمام روسیه به ریاست لنین انتخاب شد، وارد گردید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اوضاع را از بیخ و بن دگرگون ساخت. انقلاب اکتبر جهان را به دو سیستم منقسم نمود: سیستم سرمایه‌داری و سیستم سوسیالیسم. حزب بلشویک با شرایط نوینی روبرو شد و می‌بایستی مسائل عظیم نوینی را حل نماید. شکل مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر نیز اساساً تغییر یافت.

از همان نخستین روزهای موجودیت حکومت شوروی تا سال ۱۹۲۳ استالین مقام کمیسر ملی امور ملیت‌ها را دارا بود. در امر حل مسئله‌ی ملی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کلیه‌ی عملیات حزب و حکومت شوروی مستقیماً تحت اداره استالین بود. تحت رهبری لنین و استالین کارگران و دهقانان در محل مستعمرات تزاری شروع به تأسیس جمهوری‌های شوروی نمودند. هیچ جمهوری شوروی نیست که استالین در تشکیل آن سرپرستی و یا شرکت فعال ننموده باشد. رهبری مبارزه برای تشکیل جمهوری شوروی اوکرائین و تأسیس جمهوری شوروی بلوروسی و جمهوری‌های شوروی ماورای قفقاز و آسیای

میان‌ه با استالین بوده است. او به ملیت‌های کثیر کشور شوروی در برپا ساختن جمهوری‌ها و استان‌های خود مختار شوروی خویش یاری و کمک می‌کند. لنین و استالین الهام‌دهنده و موجد اتحاد کبیر شوروی هستند.

استالین به اتفاق اسوردلف در عمل ساختمان دولت شوروی نزدیک‌ترین یاور لنین بودند. استالین به اتفاق لنین علیه کامنف، زینویف، ریکف و سایر اعتصاب‌شکنان و فراریان انقلاب مبارزه می‌نماید. در تهیه وسایل قلع و قمع کرنسکی - کراسنوف، در امر درهم شکستن مأمورین و کارمندان ادارات، انحلال ستاد ضد انقلابی و هیئت ژنرال‌های تزاری، بستن مطبوعات بورژوازی، مبارزه علیه مجلس ضد انقلابی اوکرائین، پراکندن مجلس مؤسسان، طرح اولین قانون اساسی شوروی در سال ۱۹۱۸، در تمام این حوادث قطعی استالین شرکتی بس فعال و رهبری کننده داشته است.

استالین بنا به دستور کمیته‌ی مرکزی در ژانویه سال ۱۹۱۸ مجلس مشورتی از نمایندگان جناح انقلابی احزاب سوسیالیستی کشورهای مختلف اروپا و آمریکا تشکیل داد. این مجلس مشورت در مبارزه برای ایجاد انترناسیونال سوم کمونیست نقش مهمی بازی کرد.

در روزهای سخت صلح برست یعنی هنگامی که سرنوشت انقلاب حل می‌شد، استالین به اتفاق لنین در مقابل ترتسکی خائن و دستیار او بوخارین که به اتفاق امپریالیست‌های آنگلو-فرانسوی می‌خواستند جمهوری نوزاد و جوان شوروی را زیر ضربه امپریالیسم آلمان بیاندازند، استراتژی و تاکتیک بلشویکی را جداً حفظ می‌کرد.

ملاکین و سرمایه‌داران روسیه که انقلاب سوسیالیستی اکتبر کاخ اقتدارشان را سرنگون کرده بود، با سرمایه‌داران کشورهای دیگر وارد مذاکره شدند تا وسائل مداخله‌ی مسلحانه را علیه کشور شوراهای مهیا سازند. هدف آنها این بود که نیروی کارگران و دهقانان را تار و مار کنند، حکومت شوروی را براندازند و باز هم کشور ما را به قید اسارت درآورند. جنگ داخلی و مداخله‌ی اجانب شروع شد. حکومت شوروی میهن سوسیالیستی را در حالت خطر اعلام داشت و تمام ملت را دعوت به مبارزه نمود. حزب بلشویک کارگران و دهقانان را برای جنگ میهنی بر ضد اشغالگران خارجی و گارد سفید بورژوازی و ملاکین بسیج کرد.

در بهار سال ۱۹۱۸ امپریالیست‌های انگلیس - فرانسه سپاه چکسلواکی را که از اسیران اتریش و هنگری تشکیل شده و پس از صلح با آلمان از طریق سیبری عازم فرانسه بود، به شورش واداشتند.

شورش چکسلواک‌ها که طغیان گارد سفید و اسارها در ۲۳ شهر حوزه‌ی ولگا و طغیان اسارهای دست چپ در مسکو و پیاده شدن نیروی اعزامی انگلیس در شهر مورمانسک نیز با همان روز تطبیق داده شده بود، دست و پای تمام نیروهای ضد انقلابی را باز کرد. شورش چکسلواک‌ها در لحظه‌ی فوق‌العاده بحرانی به وقوع پیوست. کشور تازه از زیر فشار جنگ امپریالیستی خلاص شده بود. سیادت سرمایه‌داران و ملاکین کشور را به فلاکت کشانده بود. جیره‌ی نان کارگران پایتخت‌ها در روز از پنجاه گرم تجاوز نمی‌کرد. ورود غله از اوکراین و سیبری به جمهوری شوروی قطع شده بود. فقط یک منطقه‌ی وجود داشت که می‌شد از آنجا غله بدست آورد، آنهم جنوب خاوری، اطراف ولگا و شمال قفقاز بود که راهش از شهر تساریتسین و ولگا می‌گذشت.

نجات انقلاب فقط وابسته به تهیه‌ی نان بود. لنین خطاب به کارگران پتروگراد آنها را دعوت نمود که هیئت‌هایی به دهات برای کمک به دهقانان تهی دست علیه محتکرین نان، کولاک‌ها و عناصر طفیلی اعزام دارند. استالین به سمت رهبری بر کلیه‌ی امور خواربار جنوب روسیه، از طرف کمیته‌ی مرکزی حزب با اختیارات فوق‌العاده مأمور جنوب شد.

در تاریخ ششم ژوئن سال ۱۹۱۸ استالین با یک دسته از کارگران وارد شهر تساریتسین گردید. جمع بودن دوربینی پیشوای سیاسی، استعداد سردار جنگی در یک وجود، به استالین اجازه داد تا نقش تساریتسین را به منزله‌ی محل

ضربه‌ی اصلی ضد انقلاب دریابد. تصرف تساریتسین به سفیدها اجازه می‌داد جمهوری را از آخرین منابع غله و نفت باکو مجزا ساخته نیروی ضد انقلاب ناحیه‌ی دن را با کلچاک و ضد انقلابیون چکسلواک متحد نموده با جبهه‌ی واحدی به مسکو رو آورند. لازم بود به هر قیمتی باشد شهر تساریتسین را در تصرف حکومت شوروی نگه داشت. استالین پس از این که با دستی آهنین شهر را از توطئه‌چینان گارد سفید تصفیه نمود و مقدار زیادی خواربار برای پایتخت‌های گرسنه کشور تهیه و ارسال داشت، تمام هم خود را مصروف دفاع تساریتسین نمود. استالین مخالفت کارشناسان ضد انقلابی را که متکی به ترتسکی و از طرف وی اعزام شده بودند بدون امان در هم شکسته و با اقدامات سریع و قطعی کلیه‌ی دستجات پراکنده را تجدید سازمان داده و ورود واحدهای وروشیلف را از دنباس تسریع نمود. این واحدها هسته‌ی ارتش از نو تشکیل یافته‌ی دهم شدند. اراده‌ی آهنین و دوربینی داهیان‌هی استالین از سقوط شهر تساریتسین جلوگیری نمود و مانع رخنه کردن نیروی سفید به طرف مسکو گردید.

واقعه‌ی تاریخی و قهرمانانه‌ی دفاع تساریتسین با ورشکستگی امپریالیسم آلمان در اوکراین مصادف شد. در ماه نوامبر سال ۱۹۱۸ اخگر انقلاب در آلمان و اطریش - هنگری شعله‌ور گشت. استالین از طرف کمیته‌ی مرکزی مأمور تشکیل جبهه‌ی اوکرائین و رساندن کمک به کارگران و دهقانان اوکرائین می‌گردد. ۲۰ نفر از کارکنان مبرز حزبی از ارتش دهم تحت سرپرستی رفیق وروشیلف در اختیار استالین گذارده می‌شوند. در آخر ماه نوامبر نیروهای قیام کرده‌ی اوکرائین بر یتلورا و آلمان‌ها تاخته شهر مینسک آزاد گردید. استالین در راه آزادی نواحی باختری و ایجاد جمهوری بلوروسی فعالیت فراوانی نمود. در سه نوامبر سال ۱۹۱۸ به منظور رهبری کلیه‌ی عملیات دفاعی در جبهه و عقب جبهه و نیز بسیج صنایع و نقلیه و بسیج تمام منابع کشور، شورائی به نام شورای دفاع کارگران و دهقانان تحت ریاست لنین تشکیل شد. استالین از طرف کمیته‌ی اجرایی مرکزی سراسر روسیه به عنوان نماینده‌ی شورای دفاع شده و در حقیقت در آنجا جانشین لنین گشت.

در اواخر سال ۱۹۱۸ وضع فلاکت‌باری در جبهه‌ی خاور ایجاد شد. ارتش کلچاک عجله داشت تا به نیروهای انگلیس که از شمال پیشروی می‌کردند ملحق گردد. لنین به نام شورای دفاع طلب کرد که وضع پیرامون شهر پرم مستحکم شود و برای برطرف نمودن وضع فلاکت‌بار آنجا به کمیته‌ی مرکزی پیشنهاد کرد استالین و دزرژینسکی بدانجا اعزام گردند. استالین با سرعت و به طور قطعی وضع پیرامون پرم را بهبودی بخشید. در جنوب یعنی در پیرامون تساریتسین اراده‌ی نیرومند وی مانع این گشت که نیروهای ضد انقلابی دن،

اورال و ولگا به یک دیگر ملحق گردند. در شمال استالین اقدامات مداخله‌جویان را برای حصول ارتباط با چک‌ها و کلچاک عقیم گذارد. لشکریان سرخ شروع به قلع و قمع نیروهای کلچاک که هم در جنوب و هم در شمال ارتباط شان با متفقین قطع شده بود، نمودند.

استالین پس از مراجعت از جبهه‌ی خاور به امر تشکیل بازرسی دولتی می‌پردازد و بنا به پیشنهاد لنین در ماه مارس سال ۱۹۱۹ به مقام کمیسر ملی امور بازرسی دولتی که بعداً بدل به کمیساریای ملی بازرسی کارگران و دهقانان گردید، انتخاب می‌شود. استالین تا ماه آوریل سال ۱۹۲۲ در مقام کمیسر ملی بازرسی کارگران و دهقانان باقی می‌ماند. این امر در رشته‌ی جلب زحمتکشان به کار اداری کشور اهمیت عظیمی داشت.

در ماه مه سال ۱۹۱۹ ژنرال یودنیچ با پشتیبانی لشکریان فنلاندی‌های سفید و استونی به منظور منعطف ساختن لشکریان سرخ از جبهه‌ی کلچاک، به پتروگراد روآور می‌شود. تعرض یودنیچ از طرف ناو گروه انگلیس پشتیبانی می‌شد. در عقب جبهه‌ی ارتش سرخ، در دژهای کراسنایاگورکا و سرایالشاد قیام برپا شد. جبهه‌ی سرخ متزلزل گردید و دشمن به سوی خود پتروگراد روآور شد.

کمیته‌ی مرکزی برای تشکیل وسائل سرکوب نیروی سفید، استالین را به جبهه اعزام داشت. کمونیست‌ها رهسپار جبهه گشتند. استالین بی‌نظمی و سراسیمگی را سریعاً از جبهه برطرف و دشمنان و خائنین را بدون امان نابود ساخت. دژهای عاصیان با عملیات توأم پیاده نظام از خشکی و ناوها از دریا تصرف شده و لشکریان گارد سفید به عقب رانده شدند. پتروگراد از خطر بیرون جست و نقشه‌های آنتانت برای تصرف پتروگراد برهم زده شد. ارتش یودنیچ تارومار شد و بقایای آن به کشور استونی فرار کرد.

در تابستان سال ۱۹۱۹ استالین در جبهه‌ی باختر، در شهر اسمولنسک کار می‌کند و به تهیه‌ی وسائل جلوگیری از تعرض لهستانی‌ها مشغول می‌گردد.

آنتانت که در نخستین لشکرکشی شکست خورده بود پس از خفه کردن شوراها در باوار، هنگری، استونی و لتونی، در پائیز سال ۱۹۱۹ دومین لشکرکشی خود را آغاز و سوای گارد سفید و لشکریان خودی ارتش‌های کشورهای کوچک هم مرز با روسیه را نیز در این لشکرکشی وارد نمود. این لشکرکشی را چرچیل وزیر جنگ وقت انگلستان لاف زنان، لشکرکشی چهارده کشور نامید.

هنگامی که ارتش سرخ در خاور مشغول تار و مار ساختن کلچاک بود، دنیکین دنباس را اشغال و در جبهه‌ی پهناوری وارد اوکراین شد. تروتسکی شیرازه‌ی جبهه جنوب را خائنانه از هم پاشید. نیروهای سرخ همواره در

معرض شکست بودند. لهستانی‌های سفید به کمک دنیکن شتافته شهر مینسک را متصرف شدند. یودنیچ در پیرامون پتروگراد از نو به تعرض آغاز نمود و کلچاک هم در صدد برآمد تا در توبول متوقف شود. هیچگاه دشمن به این اندازه به پایتخت شوروی نزدیک نشده بود. سرمایه‌داران دنتس حتی برای اولین هنگ سفیدی که وارد مسکو گردد جایزه یک میلیونی تعیین کردند.

در پاسخ تعرض نیروی سفید، لنین به نام کمیته‌ی مرکزی پیام پرشوری به سازمان‌های حزبی فرستاد و دعوتش این بود:

« همه برای مبارزه با دنیکن! »

جبهه‌ی جنوب نیروهای تکمیلی زنده و مهمات بسیاری دریافت نمود. ولی یک نفر سرپرست لازم بود که بتواند صدها هزار سرباز را متحد کند و با اراده‌ی واحدی آنها را به یک‌دیگر جوش دهد و بر دشمن بتازد. کمیته‌ی مرکزی حزب برای فراهم ساختن موجبات پیروزی در جبهه‌ی جنوب استالین را اعزام می‌دارد.

سردار انقلاب وقتی به جبهه وارد شد که در آنجا آشفتگی و سراسیمگی حکمفرما بود و هیچ نوع نقشه‌ی سوق‌الجیشی وجود نداشت، استالین دست‌نشانندگان ترتسکی را از ستادها اخراج نمود و عدم دخالت کامل ترتسکی را در امور جبهه خواستار شد. نقشه‌ی خانانه‌ی سابق را راجع به شکافتن جبهه‌ی دنیکن از ولگا (تساریتسین) به طرف نوروسیسک دور انداخت و شخصاً نقشه‌ای برای مبارزه تنظیم نمود که مسائل را به طور داهیانه حل می‌کرد. استالین پیشنهاد کرد که ضربه‌ی عمده از ناحیه ورونژ از طریق خارکف - دنیاس - راستوف به دنیکن وارد شده و ارتش ضد انقلاب به دو قسمت منقسم گردید. این نقشه پیشروی سریع ارتش سرخ را در ناحیه‌ای تأمین می‌نمود که دارای مراکز پرولتاریائی بود و اهالی آن با تمایل علنی منتظر ارتش سرخ بودند در ناحیه‌ای که دارای شبکه‌ی وسیع راه‌های آهن بود و تجهیز ارتش را از هر حیث ممکن می‌ساخت. در عین حال این نقشه، حوزه‌ی دنتس، این منبع نیرومند ذغال را که موجب تأمین کشور از حیث سوخت و سرچشمه‌ی نیروهای انقلابی بود، آزاد می‌نمود.

نقشه‌ی استالین مورد قبول کمیته‌ی مرکزی واقع گردید.

استالین برای فراهم ساختن موجبات پیروزی، فعالیت عظیمی را آغاز کرد. او مراقب تمام عملیات بود. اشتباهات را در جریان عمل تصحیح می‌نمود، فرماندهان و کارکنان سیاسی خود را انتخاب کرده برای مبارزه به آنها الهام

می‌داد. تحت سرپرستی استالین در جبهه‌ی جنوب برای کمیسر هنگ دستوری تنظیم گشت که در آن وظیفه‌ی کمیسر با کلمات روشن زیر افاده می‌شد:

« کمیسر هنگ رهبر سیاسی و معنوی هنگ خود و نخستین مدافع منافع مادی و معنوی آنست. اگر فرماندهی هنگ سرکرده‌ی هنگ است کمیسر هنگ هم باید پدر و روان هنگ خود باشد. »^{۳۴}

عملی شدن نقشه‌ی استالین موجبات اضمحلال کامل دنیکین را فراهم ساخت. بنا به ابتکار رفیق استالین ارتش یکم سوار به ریاست بودیونی، وروشیلف و شچادنکو تشکیل گردید. ارتش افسانه‌ای سوار با پشتیبانی ارتش‌های جبهه‌ی جنوب، کار لشگریان دنیکین را یکسره ساخت. در فاصله‌ی تنفس کوتاه مدتی که کشور شوراها پس از تارو مار کردن دنیکین به دست آورد، استالین به دستور لنین رهبری احیای اقتصادیات اوکرائین را که در اثر جنگ ویران شده بود، به عهده می‌گیرد. در فوریه - مارس سال ۱۹۲۰ استالین در رأس شورای ارتش کار اوکرائین قرار گرفته و زحمتکشان را برای مبارزه در راه تحصیل ذغال بسیج می‌کند. در ماه مارس ۱۹۲۰ استالین، ضمن خطاب به ارتش کار متذکر می‌شود که:

« در لحظه‌ی کنونی ذغال سنگ برای روسیه همان قدر لازم است که پیروزی بر دنیکین. »^{۳۵}

تحت سرپرستی استالین بلشویک‌های اوکرائین موفقیت‌های جدی در رشته‌ی تأمین کشور از حیث سوخت و تنظیم حمل و نقل به دست می‌آورد. در ماه مه سال ۱۹۲۰ کمیته‌ی مرکزی، استالین را به جبهه‌ی جنوب باختری علیه‌ی پان‌های لهستان که علمدار سومین لشکرکشی آنتانت به جمهوری شوروی بودند، اعزام داشت. اینجا استالین در عمل شکافتن جبهه‌ی لهستان، آزاد نمودن شهر کیف و پیشروی لشکریان ما به سوی شهر لووف شرکت رهبری کننده دارد. در همان سال ۱۹۲۰ استالین برای دفاع جنوب اوکرائین از تعرض ویرانگلی فعالیت نموده و نقشه‌ی قلع و قمع ویرانگلی را طرح می‌نماید. مبنای نقشه‌ی عملیاتی فرونزه که موجب تار و مار شدن ویرانگلی گردید، همانا دستورات استالین بود.

۳۴ - "پراودا"، شماره ۳۴۴، ۱۴ دسامبر سال ۱۹۳۹. (سرمقاله زیر عنوان "کمیسرهای نظامی")

۳۵ - "انقلاب پرولتاریائی"، شماره ۳، سال ۱۹۴۰، ص ۱۶۴.

تمام سال‌های جنگ داخلی در زیر لوای همکاری نزدیک بین لنین و استالین گذشت. آنها دوش به دوش یک دیگر ارتش سرخ را سازمان می‌دهند و نیرومند می‌سازند. لنین در مهم‌ترین مسائل دولت شوروی، در مسائل استراتژی و تاکتیک نظامی با استالین مشورت می‌نماید. هنگامی که استالین در انتهای دیگر کشور شوروی بود و مهم‌ترین دستورات سیاسی و نظامی لنین را اجرا می‌نمود بین آنها مبادله تلگراف، نامه و یادداشت قطع نمی‌شد. استالین مرتباً لنین را از اوضاع جبهه مطلع می‌ساخت. استالین در نامه‌ها و تلگرافات خود وضعیت جنگی را استادانه تجزیه و تحلیل می‌نمود، هنگامی که وضعیت در جبهه بخصوص تهدیدآمیز می‌شد استالین برای تحصیل کمک و پشتیبانی پیوسته به لنین مراجعه می‌نمود. لنین به درخواست‌های استالین فوق‌العاده توجه داشت. لنین دائماً استالین را در جریان وقایع گذاشته و از نامزدهای سیاسی مطلعش می‌نمود. استالین در امر سازمان و اداره‌ی امور دفاعی کشور شوروی تکیه‌گاه عمده لنین بود.

در سال‌های جنگ داخلی کمیته‌ی مرکزی حزب و شخص لنین همیشه استالین را به مهم‌ترین و خطرناک‌ترین جبهات انقلابیون اعزام می‌داشتند. رفیق استالین عضو شورای انقلابی جنگ جمهوری بوده در عین حال عضویت شورای انقلابی جنگ جبهه‌ی باختر، جنوب و جنوب باختری را نیز دارا بود. هر جا که بنا به یک سلسله جهات خطر مهلکی برای ارتش سرخ تولید می‌شد، هر جا که پیشروی ارتش‌های ضد انقلاب و متجاوز حیات حکومت شوروی را در معرض خطر قرار می‌داد، استالین به آنجا اعزام می‌گردید. هر جایی که

«آشفته‌گی و سراسیمگی ممکن بود در هر آنی بدل به بیچارگی و فلاکت گردد، رفیق استالین در آنجا ظاهر می‌گردید.»^{۳۶}

استالین توده‌های حزبی و کارگری را متشکل ساخته و رهبری را در دست نیرومند خود می‌گرفت. او به اتکای توده‌ها، بدون امان، کارشکنی‌ها را درهم شکسته با دست آهنین خود توطئه‌ی خائنین و جاسوسان را در عقب جبهه و جبهه خاموش می‌ساخت. خود او همیشه سرمشق فداکاری در کار بود و با دوراندیشی انقلابی و روشن خود روحیه‌ی جنگی و احساسات انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان سرخ را تقویت می‌نمود، همیشه در اندک مدتی به تحصیل تحول اساسی و پیروزی ارتش سرخ نائل می‌گردید.

۳۶ - ک. ی. وروشیلوف، "استالین و ارتش سرخ"، سال ۱۹۴۰، ص ۷-۶.

او ماهرانه ترین و محیلانه ترین نقشه‌های سوق‌الجیشی دشمنان را حدس زده و خنثی می‌نمود و تمام "علم" جنگ و "صنعت" جنگ و تعلیمات آنها را واژگون می‌ساخت.

بنا به پیشنهاد لنین، کمیته‌ی اجرایی‌ی مرکزی سراسر روسیه در تصویب نامه‌ی مورخه ۲۷ نوامبر سال ۱۹۱۹ خدمات استالین را در جبهه‌های جنگ داخلی تقدیر و او را به اخذ نشان "پرچم سرخ" مفتخر ساخت.

ایجادکننده ارتش سرخ - نخستین ارتش سرخ جهان، ارتش کارگران و دهقانان آزاد شده، ارتش برادری ملل کشور ما، ارتشی که با روح بین‌المللی تربیت شده است، حزب بلشویک بود که در رأس آن لنین و استالین به اتفاق بهترین رجال حزب بلشویک، امور دفاعی کشور را اداره می‌کردند.

الهام‌بخشنده و سازمان‌دهنده‌ی مستقیم مهم‌ترین پیروزی‌های ارتش سرخ استالین بود، به هر نقطه‌ای که از جبهه که سرنوشت انقلاب به آنجا وابسته بود حزب، استالین را روانه می‌ساخت. وی موجد مهم‌ترین نقشه‌های سوق‌الجیشی است. آن عملیات جنگی که جنبه‌ی قطعی داشت تحت سرپرستی استالین انجام می‌شد. در پیرامون تساریتسین و پرم، در پیرامون پطروگراد و علییه‌ی دنیکیین، در باختر علییه‌ی پان‌های لهستان و در جنوب علییه‌ی ورانگل؛ در همه جا اراده‌ی آهنین و نبوغ سوق‌الجیشی استالین، مربی و سرپرست کمیسرهای جنگی بود و طبق تشخیص لنین، بدون وجود این کمیسرها ارتش سرخ وجود نمی‌داشت. پر افتخارترین پیروزی‌های ارتش سرخ با نام استالین توأم است.

حکومت شوروی پس از این که جنگ با متجاوزین خارجی را پیروزمندانه به پایان رسانید، به ساختمان اقتصادی زمان صلح پرداخت. جنگ چهار ساله امپریالیستی و جنگ سه ساله داخلی، کشور را ویران ساخته بود. دهقانان پس از پایان جنگ داخلی از مصادره‌ی کلیه‌ی اضافات، سیستم اخذ مازاد خواربار ابراز نارضایتی می‌کردند و خواستار آن بودند که از حیث کالا به مقدار کافی تأمین گردند. در اثر گرسنگی و خستگی، عدم رضایت بین یک قسمت از کارگران نیز بروز می‌کرد. دشمن طبقاتی در صدد بود وضع دشوار اقتصادی کشور را مورد سوءاستفاده قرار دهد.

در مقابل حزب این مسئله قرار گرفت که می‌بایستی در تمام مسائل مربوط به زندگی اقتصادی کشور تجدید نظر به عمل آید. برای کمیته مرکزی روشن بود که پس از برطرف گشتن جنگ و انتقال به ساختمان زمان صلح، عمر سیستم کمونیسم نظامی دیگر سپری می‌شود. احتیاج به اخذ مازاد خواربار از بین می‌رفت و لازم می‌آمد به دهقانان امکان داده شود مقدار زیادتری از محصول اضافی خود را مورد استفاده قرار دهند. چنین عملی اجازه می‌داد که کشاورزی و گردش کالا احیا شود، صنایع رشد نمایند، تأمین خواربار شهرها بهبودی یابد و برای اتحاد کارگران و دهاقین یک اساس نوین اقتصادی ایجاد گردد.

ولی دستجات ضد حزبی در صدد بودند مانع تجدید نظر در رویه‌ی حزب گردند. در اواخر سال ۱۹۲۰ این دستجات یک مباحثه‌ی کذائی را در اطراف اتحادیه‌های کارگری به حزب تحمیل کردند. وسعت دائره‌ی اهمیت این مباحثه در عمل از حدود مسائل مربوط به اتحادیه‌های کارگری خیلی بیشتر بود. در حقیقت امر مبارزه بر سر مسئله‌ی طرز رفتار نسبت به دهقانان، طرز رفتار حزب نسبت به توده‌ی کارگران غیر حزبی و عموماً نظر حزب نسبت به توده‌ها در شرایط نوین بود. ترسکیست‌ها "بیش از پیش محکم کردن پیچ و مهره" کمونیسم نظامی را پیشنهاد می‌کردند. آنها با سیاست خائنانه‌ی خود دائر به اجبار صرف و فرمانروائی نسبت به توده، در صدد بودند توده‌ی غیرحزبی کارگران را علیه‌ی حزب برانگیخته و موجودیت حکومت شوروی را به خطر بیاندازند. از پی ترسکیست‌ها، دستجات دیگری از "مخالفین کارگری"، "مرکزیون دموکرات" و "کمونیست‌های چپ".

استالین به اتفاق لنین پیوسته خط مشی حزب را تعقیب و پشتیبانی نموده تمام این دشمنان حزب را می‌کوبید. استالین در مرحله‌ی مباحثه راجع به اتحادیه‌ها، حزب را در اطراف زمینه‌ی مرامی لنین متحد ساخته به طرز متشکل مبارزه علیه‌ی دستجات ضد لنینی را اداره می‌کرد. کلیه‌ی اطلاعات مربوط به چگونگی مبارزه در راه خط مشی حزب از تمام نقاط به دست استالین می‌رسید. استالین این اطلاعات مربوط به چگونگی نتایج مباحثه در سازمان‌های محلی را که نشانه‌ی پیروزی حزب و شکست دستجات ضد لنینی بود به روزنامه‌ی "پراودا" ارسال می‌نمود.

مقاله‌ی استالین تحت عنوان "اختلافات ما" منتشره در روزنامه "پراودا" مورخه نوزدهم ژانویه سال ۱۹۲۱، برای پیروزی خط مشی حزب و متحد شدن حزب در پیرامون لنین و اکثریت لنینی کمیته‌ی مرکزی اهمیت شایانی داشت. استالین همراه با لنین وحدت حزب را در مقابل تمام حملات فراکسیون‌ها و دستجات ضد حزبی حفظ نمود.

کنگره‌ی دهم که می‌بایستی مسائل اساسی پیشروی پیروزمندانه‌ی آتی انقلاب را حل کند، حزب را در پیرامون خط مشی لنین متحد و یگانه یافت. کنگره‌ی دهم (مارس - آوریل سال ۱۹۲۱) نتایج مباحثه مربوط به اتحادیه‌های کارگری را جمع بندی نموده و به اکثریت هنگفت آراء، خط مشی لنین را تصویب کرد. کنگره تصمیم فوق‌العاده مهمی راجع به الغای اخذ مازاد خواربار و وضع مالیات جنسی و معمول ساختن سیاست اقتصادی نوین (نپ) که موجد و الهام‌دهنده‌ی آن لنین بود، گرفت. تصمیم کنگره‌ی دهم راجع به آغاز سیاست اقتصادی نوین، اتحاد محکم طبقه‌ی کارگر و دهقان را برای ساختمان سوسیالیسم تأمین می‌نمود.

تصمیم کنگره در موضوع مسئله‌ی ملی نیز همین منظور اساسی را تعقیب می‌کرد. گزارش راجع به "وظایف جاری حزب در مسئله‌ی ملی" را در کنگره، استالین داد.

در گزارش استالین و قطعنامه‌ی کنگره، وظیفه‌ی اساسی عملی در مسئله‌ی ملی به طور صریح و روشن افاده شده بود. استالین چنین گفت: ما ستم‌گری نسبت به ملت‌ها را از بین بردیم ولی این کافی نیست، باید میراث منحوس گذشته یعنی عقب‌ماندگی اقتصادی و سیاسی و مدنی ملت‌هایی را که سابقاً در معرض ظلم قرار گرفته بودند، از بین برده، به آنها کمک کرد که از این حیث خود را به روسیه مرکزی برسانند. استالین حزب را دعوت به مبارزه با احساسات شوونیستی و لیکاروسی کرده، این احساسات را خطر اساسی نامید و در عین حال دعوت نمود که با ناسیونالیسم محلی نیز مبارزه به عمل آید.

نخستین سال سیاست اقتصادی نوین سپری شد. حزب در کنگره‌ی یازدهم (مارس - آوریل سال ۱۹۲۲) به نتایج سال اول نپ رسیدگی نمود. به اتکای این نتایج لنین چنین اظهار داشت:

« یک سال ما عقب‌نشینی کردیم. اکنون باید به نام حزب بگوئیم - بس است! منظوری که این عقب‌نشینی تعقیب می‌نمود برآورده شده است، این مرحله در شرف پایان است و یا پایان پذیرفته است. اکنون منظور دیگری باید تعقیب شود که عبارت است از تغییر آرایش قوا. ^{۳۷}»

می‌بایستی وظایف تاریخی که لنین در کنگره طرح کرده بود به مورد عمل گذارده شود. جلسه‌ی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب در تاریخ ۳ آوریل ۱۹۲۲ بنا به پیشنهاد لنین، بهترین و وفادارترین شاگردان و هم‌زمان لنین یعنی استالین را به مقام دبیر اول کمیته‌ی مرکزی انتخاب نمود. از آن تاریخ به بعد استالین همواره در این پست خود باقی است.

زخمی شدن لنین در اثر سوءقصدی که در سال ۱۹۱۸ نسبت به وی شد و کار متمادی سخت، سلامتی مزاج او را متزلزل ساخت. از اواخر سال ۱۹۲۱ به بعد لنین مجبور بود اغلب کار خود را قطع کند، لذا کارهای اساسی مربوط به رهبری حزب را می‌بایستی استالین اجرا نماید.

طی این سال‌ها، استالین در رشته‌ی ایجاد جمهوری‌های ملی شوروی و سپس در قسمت متحد ساختن تمام جمهوری‌های شوروی در یک دولت متحد بنام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، فعالیت عظیمی ابراز داشت. در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲، در نخستین کنگره‌ی شوراهای کلیه‌ی جمهوری‌های شوروی، بنابر پیشنهاد لنین و استالین، تصمیم تاریخی راجع به اتحاد داوطلبانه‌ی دولتی ملل شوروی و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اخذ شد. استالین ضمن نطق خود در این کنگره چنین گفت:

« در تاریخ حکومت شوروی، امروز روز تحول است. این روز مرحله‌ی گذشته و پیموده شده را که در آن جمهوری‌های شوروی در عین اشتراک مساعی هر یک جداگانه راه می‌پیمودند و مقدم بر همه مشغول حل مسائل زندگی روزمره خود بودند، از مرحله‌ی جدیدی که آغاز می‌شود، جدا می‌نماید. در این مرحله‌ی نوین جمهوری‌های

۳۷ - از تألیفات لنین، جلد ۲۷، ص ۲۳۸، چاپ سوم روسی.

شوروی دیگر به طور جداگانه زندگی نکرده و همه‌ی آنها به منظور مبارزه‌ی موفقانه با خرابی‌های اقتصادی در یک سازمان دولتی متحد می‌شوند. فکر حکومت شوروی اکنون دیگر فقط محدود به زندگی داخلی شوروی نمی‌باشد، بلکه در عین حال متوجه‌ی اینست که رشد نموده و بدل به چنان نیروی بین‌المللی گردد که بتواند در اوضاع بین‌المللی تأثیر نموده و آن را به نفع زحمتکشان تغییر دهد»^{۳۸}

ایجاد اتحاد جماهیر سوسیالیستی پیروزی بزرگ سیاست ملی لنین - استالین بود. بنای اتحاد شوروی بر روی بنیان خلل‌ناپذیر اعتماد ملی که سابقاً در معرض ستم تزارسیم بودند، نسبت به ملت بزرگ روس و هم‌چنین بر روی اصل محکم دوستی ملل کشور شوروی گذارده شد.

در ماه آوریل سال ۱۹۲۳ کنگره‌ی دوازدهم حزب تشکیل شد. این کنگره پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر اولین کنگره‌ای بود که لنین به واسطه بیماری نتوانست در آن حضور یابد. کلیه دستوراتی که لنین در مقالات و مکاتب اخیر خود داده بود در قطعنامه‌های کنگره ملحوظ گردید. کنگره به کلیه‌ی اشخاصی که در صدد بودند سیاست اقتصادی نوین را به عنوان عقب‌نشینی از مواضع سوسیالیستی قلمداد کنند و یوغ اسارت سرمایه‌داران را برای ما حاضر کرده بودند، جواب دندان‌شکنی داد. کنگره به پیشنهادات خائنانه و تسلیم‌طلبانه ترسکیست‌ها و بوخارینست‌ها داغ باطله زد.

در این کنگره استالین دو گزارش داد: یکی گزارش تشکیلات راجع به فعالیت کمیته‌ی مرکزی و دیگری تحت عنوان "عوامل ملی در امور ساختمان حزبی و دولتی". در گزارش مربوط به فعالیت کمیته‌ی مرکزی، استالین منظره‌ی فعالیت حزب، رشد آن و استحکام رشته‌های ارتباطی حزب با توده (اتحادیه‌های کارگری، سازمان جوانان کمونیست، شوراها و غیره) را مبسوطاً روشن ساخت، نتایج دو ساله‌ی نپ را جمع‌بندی نمود و وظایف مربوط به پیشروی بعدی را متذکر گردید. استالین گزارش خود را با این سخنان پایان داد:

« حزب ما هم چنان متحد و بهم پیوسته باقی مانده است، حزب ما از عهده‌ی عظیم‌ترین تحولات برآمده و با پرچم افراشته به پیش می‌رود. »^{۳۹}

۳۸ - ی. و. استالین، "مارکسیسم و مسئله استعمار ملی"، سال ۱۹۳۹، ص ۱۲۶، چاپ روسی.

۳۹ - "تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی"، ص ۲۵۲، چاپ فارسی.

کنگره به مسئله‌ی ملی عطف توجه جدی نمود. استالین در گزارش خود راجع به مسئله‌ی ملی اهمیت عظیم بین‌المللی سیاست ملی ما را متذکر شد و خاطرنشان نمود که اتحاد شوروی در نظر ملت‌های ستمکش خاور و باختر نمونه‌ایست از چگونگی حل مسئله‌ی ملی. استالین نظر کنگره را معطوف داشت به این که باید برای از بین بردن عدم تساوی اقتصادی و مدنی ملل اتحاد شوروی فعالیت بزرگی ابراز گردد. استالین تمام حزب را دعوت به مبارزه‌ی قطعی با شوونیسم ولیکاری و نیز ناسیونالیسم محلی نمود که در نتیجه‌ی توسعه‌ی سرمایه‌داری قوت گرفته بود. استالین انحرافیون ناسیونالیست گرجی را که از طرف تروتسکیست‌ها پشتیبانی می‌شدند، رسوا نمود.

کنگره‌ی دوازدهم تازه به کار خود پایان داده بود که خطر جدی نوینی برای جمهوری شوروی در افق نمایان شد. مرتجع‌ترین و متجاوزترین عناصر بورژوازی که در انگلستان و فرانسه در آن موقع سرکار آمده بودند در صدد تشکیل لشکرکشی تازه‌ای علیه اتحاد جماهیر شوروی برآمدند. حزب تحت رهبری استالین، با سربلندی اشکالات را رفع کرد و در جبهه‌ی دیپلوماسی به پیروزی بزرگی نائل گردید. یک رشته از شناسائی‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف تمام کشورهای بزرگ سرمایه‌داری اروپا، در سال ۱۹۲۴ جانشین تهدیدات و اولتیماتوم‌ها شد. در این موضوع رفیق استالین چنین خاطرنشان کرده است:

« این حقیقت که ما توانستیم در آن موقع بدون این که زیانی به کارمان وارد شود از اشکالات بیرون بیاییم، بدون شک گواه بر اینست که شاگردان رفیق لنین اکنون دیگر چیزهائی از استاد خود آموخته‌اند. »^{۴۰}

در ماه ژانویه ۱۹۲۴ کنفرانس سیزدهم حزب تشکیل گردید. کنفرانس گزارش استالین را راجع به نتایج مباحثه استماع نمود. کنفرانس به طرز قطعی تروتسکیست‌ها را تقبیح نمود. تصمیمات کنفرانس از طرف کنگره‌ی سیزدهم حزب (ماه مه ۱۹۲۴) و کنگره‌ی پنجم کمینترن (تابستان ۱۹۲۴) تصویب گردید.

در تاریخ ۲۱ ژانویه سال ۱۹۲۴ لنین پیشوا و موجد حزب بلشویک، پیشوای رنجبران تمام جهان در شهر گورکی در پیرامون مسکو درگذشت. مبرزترین شاگردان لنین، بهترین فرزند حزب بلشویک و جانشین شایسته و پیرو

۴۰ - ی. و. استالین، "مقالات و نطق‌ها"، سال ۱۹۲۷-۱۹۲۱، راجع به مخالفین، ص ۷۴، چاپ روسی.

کبیر لنین یعنی استالین، پرچم لنین، پرچم حزب را برافراشته و از همان طریق به پیش برد.

در تاریخ ۲۱ ژانویه جلسه‌ی دوم کنگره‌ی شوراهای اتحاد شوروی به عنوان سوگواری تشکیل شد. استالین در این جلسه سخن راند و به نام حزب سوگند با عظمتی یاد کرد:

« ما کمونیست‌ها مردمانی از سرشت ویژه هستیم، ما از مصالح خاصی برش یافته‌ایم. ما کسانی هستیم که ارتش استراتژ بزرگ پرولتاریا، ارتش رفیق لنین را تشکیل می‌دهیم. هیچ افتخاری بالاتر از متعلق بودن به این ارتش نیست، هیچ افتخاری بالاتر از دارا بودن نام عضویت حزبی که مؤسس و رهبر آن رفیق لنین می‌باشد نیست... هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت کرد که نام بزرگ عضویت حزب را بلند و پاکیزه نگه داریم. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین که ما این وصیت تو را با شرافت انجام خواهیم داد!

هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت نمود که یگانگی حزب را مانند مردمک چشم حفظ کنید. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد. هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت کرد که دیکتاتوری پرولتاریا را حفظ کرده و مستحکم سازیم. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین که از نیروی خود دریغ نخواهیم داشت تا این وصیت تو را هم با شرافت انجام دهیم!

هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت کرد که با تمام قوا اتحاد کارگران و دهقانان را مستحکم سازیم. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد!

رفیق لنین به طور خستگی ناپذیری لزوم اتحاد برادرانه‌ی آنها را در دایره اتحاد جمهوری‌ها به ما گوشزد می‌نمود.

هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌نمود به ما وصیت کرد که اتحاد این جمهوری‌ها را مستحکم کنیم و بسط دهیم. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد! لنین بارها به ما خاطر نشان نموده است که تحکیم ارتش سرخ و بهبود وضع آن یکی از مهم‌ترین وظایف حزب ما می‌باشد... سوگند

یاد کنیم، رفقا که از نیروی خود دریغ نخواهیم داشت تا این که ارتش سرخ خود و نیروی دریائی سرخ خود را مستحکم سازیم... هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت کرد که به اصول بین‌الملل کمونیست وفادار باشیم. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین که ما از جان خود دریغ نخواهیم داشت تا این که اتحاد زحمتکشان همه جهان یعنی بین‌الملل کمونیست را مستحکم سازیم و بسط دهیم!»^{۴۱}

این بود سوگند حزب بلشویک به معلم و پیشوای خود لنین یعنی کسی که قرن‌ها زنده خواهد بود. این سوگند را حزب در تحت رهبری استالین با شرافت اجرا کرده و اجرا می‌کند. در روز اولین سالگرد مرگ لنین، استالین در نامه به هیئت تحریریهی "رابوچایاگازتا" ("روزنامه کارگر") نوشت:

« ایلچ معلم مان و پیشوای مان را به خاطر داشته، دوست بدارید و از گفته‌هایش تعلیم بگیرید. طبق روش ایلچ - مبارزه کنید، دشمنان داخلی و خارجی را مغلوب نمائید. طبق روش ایلچ زندگی نوین، هستی نوین و تمدن نوین برپا نمائید. هرگز از چیز کوچک در کار صرف نظر ننمائید چون از خرد است که کلان به وجود می‌آید، یکی از مهم‌ترین نصایح لنین در این است.»^{۴۲}

ملت شوروی بدون انحراف از این سخنان استالین پیروی کرده و می‌نماید. دشمنان سوسیالیسم بدو از بیماری و سپس از مرگ لنین استفاده نموده در صدد بودند حزب را از راه لنینی منحرف و بدین طریق شرایطی برای تجدید سرمایه‌داری در کشور ما فراهم سازند. مخصوصاً حملات ترسکی دشمن جانی لنینیسم و دستیاران وی نسبت به حزب شدید بود. ترسکیست‌ها به حزب مباحثه‌ی نوینی تحمیل نمودند. مبارزه جنبه‌ی شدیدی داشت. استالین ماهیت سیاسی اظهارات ترسکیست‌ها را فاش نمود، نشان داد که موضوع بر سر حیات

۴۱ - ی. و. استالین، "درباره‌ی لنین"، ۱۹۴۵، ص ۱۹-۱۶

۴۲ - "رابوچایاگازتا"، شماره ۱۷، ۲۱ ژانویه ۱۹۲۵.

و ممات حزب است، کادرهای حزبی را متحد ساخت و وسائل درهم شکستن ترتسکیسم را فراهم آورد.

استالین در نطق خود به نام «ترتسکیسم یا لنینیسم؟» که در ماه نوامبر سال ۱۹۲۴ در جلسه‌ی عمومی فراکسیون شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران اتحاد شوروی ایراد نمود متذکر شد که در مبارزه با ترتسکیسم در این مرحله "وظیفه حزب مدفون ساختن ترتسکیسم همچون یک جریان مسلکی است" استالین به حزب خاطر نشان نمود که در شرایط آن زمان ترتسکیسم خطر عمده بود.

استالین در این باره چنین گفت:

«در لحظه‌ی کنونی، پس از پیروزی اکتبر، در شرایط فعلی سیاست اقتصادی نوین، ترتسکیسم را باید از هر چیزی خطرناک تر دانست، زیرا ترتسکیسم سعی دارد نسبت به نیروی انقلاب، نسبت به اتحاد کارگران و دهقانان و نسبت به تبدیل روسیه (زمان نپ) به روسیه سوسیالیستی عدم اعتماد ایجاد نماید.»^{۴۳}

استالین ثابت نمود که درهم شکستن عقاید ترتسکیسم شرط لازم برای تأمین ادامه پیشروی پیروزمندانه‌ی بعدی به طرف سوسیالیسم می‌باشد. استالین چنین می‌گفت:

« بدون درهم شکستن ترتسکیسم ممکن نیست در شرایط سیاست اقتصادی نوین به پیروزی نائل آمد و روسیه فعلی را به روسیه سوسیالیستی تبدیل نمود.»^{۴۴}

استالین در مبارزه علیه ترتسکیسم، حزب را در اطراف کمیته‌ی مرکزی متحد نموده و آن را برای مبارزه آینده در راه پیروزی سوسیالیسم در کشور ما بسیج نمود.

اثر تئوریک استالین تحت عنوان "راجع به اصول لنینیسم" که در سال ۱۹۲۴ منتشر شد در کار شکست مسلکی ترتسکیسم و در کار دفاع، مستدل ساختن و بسط لنینیسم، منتهای اهمیت را داشت. این اثر تشریح استادانه و استدلال تئوریک عمیق لنینیسم می‌باشد. این اثر چه در آن موقع و چه اکنون

۴۳ - ی. و. استالین، "مسئله دهقانان"، مقالات و نطق‌ها، سال ۱۹۲۶، ص ۵۵.

۴۴ - همانجا ص ۵۵.

بلشویک‌ها را در تمام جهان به سلاح برنده‌ی تئوری مارکس - لنین مسلح نموده و می‌نماید.

در این اثر اصول لنینیسم یعنی آن چه که جنبه نو و ویژه دارد و با نام لنین وابسته است و لنین به وسیله‌ی وارد نمودن آن، تئوری مارکسیسم را بسط داده است، تشریح شده است. تنها خود همین موضوع، یعنی تلخیص مسائل لنینیسم و این که افکار و عقاید موروثی لنین جمع آوری شده و مطالب از نقطه نظر عصر نوین تاریخی بررسی گشته است، بخودی خود قدم بزرگی است که به جلو، به سوی تکامل علم مارکسیسم - لنینیسم برداشته شده است. کلیه مسائل تعلیمات لنین در این اثر به مدارج اصولی بسیار عالی ارتقا داده شده است. استالین در اثر خود، لنینیسم را به طور کلاسیک تعریف می‌نماید. استالین نشان می‌دهد که چگونه لنین مارکسیسم را در شرایط عصر جدید، یعنی عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریائی تکمیل نموده است.

کارهای مربوط به احیای اقتصاد ملی در شرف پایان بود. وضعیت بین‌المللی و داخلی اتحاد شوروی تغییر نمود. کشورهای سرمایه‌داری تا حدی ثبات موقتی یافت. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از حیث اقتصادیات به سطح قبل از جنگ رسید. لازم بود باز هم به پیش رفت. مسئله دورنمای ساختمان ما و سرنوشت سوسیالیسم در اتحاد شوروی با حدت هر چه تمام‌تر عرض وجود می‌کرد.

استالین با دوربینی نابغانه دورنمای آینده و طرق قطعی پیشرفت آتی انقلاب را معین می‌کند.

وی در سال ۱۹۲۴ می‌نویسد:

« آرزوی من نسبت به کارگران کارخانه‌ی "دینامو" و به طور کلی نسبت به کارگران تمام روسیه اینست که سطح صنایع ما بالا برود و در اندک مدتی عده‌ی پرولترها در روسیه به ۲۰-۳۰ میلیون نفر بالغ گردد، اقتصاد اشتراکی در دهات شگفته و مالکیت خصوصی را مطیع خود کند، صنایع عالی و اقتصاد اشتراکی در روستا کار متحد ساختن پرولترهای کارخانه‌ها و زحمتکشان دهات را در ارتش واحد سوسیالیستی پایان دهد، پیروزی در روسیه منجر به پیروزی در تمام جهان گردد. »^{۴۰}

۴۰ - گ. ک. اورجونیکیدزه، مقالات و نطق‌های منتخبه ۱۹۱۱-۱۹۳۷، چاپ سال ۱۹۳۹، ص ۴۵.

با تخلص تئوریک تجربیات انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تجربیات نخستین سال‌های ساختمان سوسیالیستی در احاطه‌ی سرمایه‌داری، استالین روی تعلیمات لنین راجع به پیروزی سوسیالیسم در یک کشور ایستادگی نمود و آن را بسط داد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۲۴ امر مشهور استالین، تحت عنوان "انقلاب اکتبر و تاکتیک کمونیست‌های روس" منتشر گردید. استالین در این اثر خود تز لنین را راجع به پیروزی سوسیالیسم در یک کشور مستدل ساخته و نشان داده است که در این مسئله باید دو جنبه از یک دیگر تفکیک شود. جنبه‌ی داخلی و بین‌المللی. جنبه‌ی داخلی عبارت است از روابط طبقات در داخل کشوری که مشغول ساختمان سوسیالیسم می‌باشد، جنبه‌ی بین‌المللی عبارت است از روابط اتحاد جماهیر شوروی، که هنوز یگانه کشور سوسیالیسم است با کشورهای سرمایه‌داری که آن را احاطه کرده‌اند. کارگران و دهقانان اتحاد شوروی خود از عهده‌ی دشواری‌های داخلی به خوبی می‌توانند برآیند، آنها کاملاً قادر خواهند بود از لحاظ اقتصادی، از عهده‌ی سرمایه‌داران خودی برآمده و جامعه سوسیالیستی کاملی را برقرار نمایند. ولی تا زمانی که احاطه‌ی سرمایه‌داری وجود دارد، خطر تجاوز سرمایه‌داری علیه اتحاد شوروی و بازگشت سرمایه‌داری نیز هم چنان باقیست. برای این که بتوان این خطر را برطرف نمود باید خود احاطه‌ی سرمایه‌داری را نابود کرد و این هم موقعی میسر خواهد شد که انقلاب پرولتاریائی اقل در چند کشور پیروز گردد. فقط در آن هنگام است که پیروزی سوسیالیسم را در اتحاد جماهیر شوروی میتوان کامل و قطعی شمرد.

این ترزهای استالین بنیان قطعنامه‌ی تاریخی چهاردهمین کنفرانس حزب (ماه آوریل سال ۱۹۲۵) را تشکیل داد. کنفرانس مشی لنین - استالین را در موضوع پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی به منزله‌ی قانون حزب و قانونی که برای تمام اعضای حزب حتمی‌الاجرا است، تصویب نمود.

ضمن گزارش در جلسه‌ی فعالین سازمان حزبی مسکو زیر عنوان "نسبت به نتایج عملیات کنفرانس چهاردهم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه" استالین توجه مخصوصی به جلب دهقانان میانه حال به کار ساختمان سوسیالیسم نموده چنین اظهار کرد:

«اکنون مهم‌ترین وظیفه‌ی ما اینست که دهقانان میانه حال را گرد پرولتاریا متحد نموده، آنها را مجدداً تسخیر نمائیم.

اکنون مهم‌ترین وظیفه‌ی ما اینست که با توده‌ی اصلی دهقانان در صف واحدی جمع شویم، سطح مادی و فرهنگی آنها را بالا ببریم و به اتفاق این توده‌ی اصلی به طرف سوسیالیسم پیش برویم. مهم‌ترین

وظیفه‌ی ما اینست که سوسیالیسم را به اتفاق دهقانان بنا نماییم، حتماً به اتفاق دهقانان و حتماً در تحت رهبری کارگر، زیرا رهبری طبقه‌ی کارگر تضمین اساسی است بر این که این ساختمان به مجرای سوسیالیستی بیفتد»^{۴۶}

در دسامبر سال ۱۹۲۵ چهاردهمین کنگره‌ی حزب افتتاح شد. در گزارش سیاسی کمیته‌ی مرکزی، استالین به وجهی روشن، رشد نیروی سیاسی و اقتصادی اتحاد شوروی را شرح داد. ولی اظهار داشت که ما نمی‌توانیم به اتکای این موفقیت‌ها آسوده خاطر بنشینیم، زیرا کشور ما هم‌چنان یک کشور عقب مانده‌ی کشاورزی باقی می‌ماند. برای تأمین استقلال اقتصادی کشور ما و تقویت استعداد دفاعی آن برای ایجاد پایه‌ی لازمه اقتصادی جهت پیروزی سوسیالیسم، باید کشور ما را از کشور کشاورزی به کشور صنعتی بدل نمود. پیشوای حزب از پشت کرسی خطابه‌ی چهاردهمین کنگره چنین گفت:

« ماهیت و اساس خط مشی عمومی ما، تبدیل کشور ما از کشور کشاورزی به یک کشور صنعتی است، که بتواند با نیروی خود آلات و ادوات لازمه را تهیه کند. »^{۴۷}

تسلیم‌طلبان، یعنی زینویف و کامنف، در مقابل نقشه‌ی استالین دائر به صنعتی ساختن سوسیالیستی سعی می‌کردند نقشه‌ی خود را قرار دهند که طبق آن اتحاد شوروی می‌بایستی هم‌چنان کشور کشاورزی باقی بماند. این نقشه، نقشه‌ی خائنانه‌ای بود که می‌بایستی زنجیر اسارت را به گردن اتحاد شوروی انداخته و آن را دست و پا بسته طعمه‌ی درندگان امپریالیستی نماید. استالین پرده از رخ این تسلیم‌طلبان منفور برانداخت و ماهیت ترسکیستی و منشویکی آنها را هویدا ساخت.

در کنگره‌ی چهاردهم حزب، استالین تأکید نمود که مهم‌ترین وظیفه‌ی حزب عبارت است از اتحاد محکم طبقه‌ی کارگر و دهقان میانه حال در امر ساختمان سوسیالیسم.

کنگره‌ی چهاردهم حزب اجزای عمل صنعتی ساختن سوسیالیستی و مبارزه در راه پیروزی سوسیالیسم را در اتحاد شوروی به عنوان وظیفه‌ی اساسی حزب تصویب کرد.

۴۶ - ی. و. استالین، "مسائل لنینیسم" چاپ نهم، ص ۱۲۸-۱۲۷، چاپ روسی.

۴۷ - "چهاردهمین کنگره‌ی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی"، گزارش تندنویسی شده سال ۱۹۲۶، ص ۴۸۸.

پس از کنگره در اوایل سال ۱۹۲۶، اثر استالین تحت عنوان "درباره‌ی مسائل لنینیسم" منتشر شد. استالین در این اثر تاریخی خود بنیان فلسفه‌ی انحلال‌طلبی و تسلیم‌طلبی زینویف‌ها را مسلکاً درهم شکسته، صحت خط مشی کنگره‌ی چهاردهم حزب و لزوم صنعتی نمودن سوسیالیستی کشور و ساختن جامعه‌ی سوسیالیستی را مستدل و ثابت نمود. استالین حزب و طبقه‌ی کارگر را با ایمان تزلزل‌ناپذیر نسبت به پیروزی ساختمان سوسیالیستی مسلح ساخت. حزب بلشویک، پس از تجمع نیرو و وسائل و دور انداختن تسلیم‌طلبان و سست اعتقادان کشور را به مرحله‌ی تاریخی نوین یا مرحله‌ی صنعتی نمودن سوسیالیستی رسانید.

در این مبارزه با سست اعتقادان، تسلیم‌طلبان، ترسکیست‌ها، طرفداران زینویف، بوخارین‌ها و کامنف‌ها، پس از خروج لنین از صف، آن هسته‌ی رهبری‌کننده‌ی حزب ما که پرچم بزرگ لنین را صیانت نمود و حزب را در اطراف وصایای لنین متحد ساخت و ملت شوروی را به شاهراه صنعتی کردن کشور و اشتراکی نمودن اقتصاد روستائی هدایت کرد تشکیل شد. این هسته عبارت بود از استالین، مولوتف، کالینین، وروشیلف، کوی بیشف، فرونزه، دزرژینسکی، کاگانویچ، اورجونیکیدزه، کیروف، یاروسلاوسکی، میکویان، آندره یف، شورنیک، ژدانف، اشکیریاتف و دیگران. رهبر این هسته و نیروی هدایت‌کننده‌ی حزب و دولت، رفیق استالین بود.

استالین استادانه وظایف پیشوائی حزب و ملت را اجرا نموده از پشتیبانی کامل تمام ملت شوروی برخوردار بود. لیکن ضمن فعالیت خود سایه‌ی خودپسندی و خودخواهی را نیز به خود راه نمی‌داد. استالین ضمن مصاحبه‌ی خود با لودویگ نویسنده‌ی آلمانی نقش عظیم لنین نابغه را در امر تغییر سازمان کشور ما خاطر نشان نموده به طرزی ساده درباره‌ی خود اظهار می‌نماید:

« و اما آن چه که مربوط به من است، من فقط شاگرد لنین می‌باشم و هدف من اینست که شاگرد شایسته‌ی او باشم. »^{۴۸}

۴۸ - ی. و. استالین، مصاحبه با امیل لودویگ نویسنده آلمانی، سال ۱۹۳۸، ص ۳.

صنعتی کردن کشوری به این پهناوری و در عین حال از حیث اقتصادی عقب‌مانده مانند کشور آن زمان اتحاد جماهیر شوروی، در کوتاه‌ترین مدت‌های ممکنه‌ی تاریخی، اشکالات عظیمی در برداشت می‌بایستی رشته‌هایی از صناعت را که اثری از آنها در روسیه‌ی تزاری قدیم نبود، از نو ایجاد نمود. می‌بایستی صنایع دفاعی نوینی که روسیه‌ی سابق فاقد آن بود، برقرار ساخت. می‌بایستی برای ماشین‌های کشاورزی که دهات سابق اطلاعی از آن نداشتند، کارخانه‌های معاصر برپا ساخت. برای این منظور وجوه هنگفتی لازم بود. دولت‌های سرمایه‌داری این وجوه را به وسیله‌ی استثمار بیرحمانه‌ی ملت، جنگ‌های غاصبانه و غارت‌های خونین مستعمرات و کشورهای تحت‌الحمایه و وام‌های خارجی به دست می‌آوردند. ولی کشور شوروی نمی‌توانست از چنین سرچشمه‌های پلید استفاده نماید و در وام‌های خارجی هم از طرف سرمایه‌داری به رویش بسته شده بود. بنابراین یگانه منبع تهیه این وجوه همان داخله‌ی کشور شوروی بود.

با اتکا به دستورات لنین، استالین اصلی برای صنعتی ساختن سوسیالیستی کشور ما تنظیم نمود و نشان داد که:

۱- موضوع اصلی صنعتی ساختن کشور فقط رشد عادی صنایع نبوده بلکه عبارت از بسط صنایع سنگین و قبل از هر چیزی عبارت از ماشین‌سازی است که مغز صنایع سنگین می‌باشد، زیرا فقط ایجاد صنایع سنگین و ماشین‌سازی خودی است که پایه‌ی مادی سوسیالیسم را تأمین نموده و کشور سوسیالیسم را از جهان سرمایه‌داری بی‌نیاز می‌سازد.

۲- سلب مالکیت از ملاکین و سرمایه‌داران در کشور ما در نتیجه‌ی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، الغای مالکیت خصوصی بر زمین، فابریک‌ها و کارخانه‌ها، بانک‌ها و غیره و واگذاری آنها به بیت‌المال مردم، سرچشمه‌ی نیرومند تجمع سوسیالیستی را برای توسعه صنایع ایجاد نمود.

۳- صنعتی ساختن سوسیالیستی اساساً با صنعتی ساختن سرمایه‌داری متمایز است. صنایع سرمایه‌داری از طریق غصب مستعمرات و یغمای آنها، منکوب نمودن در جنگ، وام‌های اسارت‌آور و استثمار بیرحم توده‌های کارگر و ملل مستعمرات عملی می‌شود در صورتی که صنعتی ساختن سوسیالیستی متکی به مالکیت اجتماعی آلات تولید و تجمع و حفظ ثروت‌هایی است که در اثر

زحمت کارگران و دهقانان ایجاد می‌شود. صنعتی ساختن سوسیالیستی به طور جدائی‌ناپذیری با بهبود روزافزون وضع مادی توده‌های زحمتکش بستگی دارد.

۴- لذا در مبارزه برای صنعتی کردن، وظیفه‌ی اساسی عبارتست از ترقی دادن قوه‌ی مولده کار، تقلیل ارزش تمام شده‌ی کالاها، مبارزه در راه انضباط کار، رژیم صرفه‌جوئی و غیره.

۵- شرایط ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی شور و حرارت برای کار در طبقه‌ی کارگر، اجرای آهنگ‌های سریع لازم برای صنعتی ساختن را ممکن می‌سازد.

۶- تغییر سوسیالیستی وضع کشاورزی باید از طریق صنعتی ساختن کشور به عمل آید که این هم به نوبه‌ی خود باید پایه‌ی فنی آن تغییرات را فراهم سازد. زحمتکشان اتحاد شوروی که با چنین برنامه‌ی روشن و صریحی مسلح شده بودند دست به صنعتی ساختن سوسیالیستی کشور زدند.

امپریالیست‌ها که از این موفقیت‌های ساختمان سوسیالیستی هراسان شده بودند، کوشش نمودند عمل صنعتی نمودن را به وسیله‌ی قطع مناسبات دیپلوماسی و بازرگانی خود با اتحاد شوروی (انگلستان)، به وسیله‌ی کشتن سفرای شوروی (لهستان)، به وسیله‌ی تقویت عملیات جاسوسی و خرابکاری برهم زده و یا اقل از سرعت آن بکاهند. در داخل کشور هم ترسکیست‌ها و طرفداران زینویف و بقایای دستجات ضد حزبی که سابقاً شکست خورده بودند، در ائتلاف خائنانه‌ای متحد شده، به حملاتی سبعانه علیه حزب آغاز نمودند. چنان چه در آن موقع رفیق استالین متذکر شد "از چمبرلین گرفته تا ترسکی یک نوع جبهه‌ی واحدی دارد تشکیل می‌شود"، بدون وارد نمودن شکست مسلکی و تشکیلاتی به ائتلاف ترسکیستی - زینویویستی، نیل به پیروزی در رشته‌ی صنعتی کردن سوسیالیستی غیر ممکن بود. حزب تحت رهبری استالین ائتلاف ترسکیستی - زینویویستی را درهم شکست. گزارش استالین را در پانزدهمین کنفرانس حزب زیر عنوان راجع به انحراف سوسیال دموکراتیک در حزب ما (نوامبر سال ۱۹۲۶) و گزارش وی در هفتمین جلسه‌ی عمومی کمیته‌ی اجرایی کمیترین تحت عنوان "باز هم راجع به انحراف سوسیال دموکراتیک در حزب ما" (دسامبر سال ۱۹۲۶) از لحاظ ایده، حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی و کمیترین را مسلح کرده یگانگی و اتحاد حزبی را تأمین نمود.

جلسه‌ی عمومی وسیع کمیته‌ی اجرایی کمیترین در تصمیمات طرفداران خود، طرفداران ائتلاف ترسکی - زینویف را انشعاب طلبانی دانست که به مواضع منشویکی سقوط کرده اند.

بلشویک‌ها پس از درهم شکستن و طرد تسلیم‌طلبان و مدافعین سرمایه‌داری، فعالیت خود را در قسمت صنعتی کردن سوسیالیستی کشور ما ادامه دادند.

هیچ یک از رشته‌ها، هیچ یک از مسائل صنعتی ساختن کشور از مدنظر استالین دور نمی‌ماند. استالین - مبتکر ایجاد رشته‌های نوین صنایع، توسعه و تجدید ساختمان رشته‌های عقب‌مانده‌ی سابق است.

استالین - الهام‌دهنده‌ی ایجاد دومین پایگاه استخراج ذغال و فلزسازی در کشور ما، یعنی ساختمان حوزه‌ی کورباس است. استالین - موجد و رهبر ساختمان‌های سوسیالیستی است. ساختمان کارخانه‌ی تراکتورسازی استالین‌گراد (استالین‌گراسکی تراکتورستروی)، ساختمان استاسیون الکتریک دنپر (دنپرستروی)، ساختمان کومبینای فلزسازی ماگنیتوگورسک (ماگنیتوستروی)، ساختمان ماشین‌سازی سنگین اورال (اورال ماش ستروی)، ساختمان کارخانه‌ی ماشین‌های کشاورزی راستوف (راستوسکی سلماش ستروی)، ساختمان کارخانه‌ی فلزسازی کوزنتسک (کوزنتسکستروی)، راه آهن ترکستان - سبیری (تورکسیب)، ساختمان کمباین‌سازی راستف (ساراتفسکی کمباین ستروی)، ساختمان‌های کارخانه‌های اتومبیل‌سازی در شهرهای مسکو و گورکی و یک سلسله از ساختمان‌های دیگر، تمام اینها با نام استالین بستگی دارد.

منظره‌ی با عظمت بنای با شکوه سوسیالیسم که در اتحاد شوروی برپا می‌شد، بین کارگران کشورهای سرمایه‌داری تأثیر عمیقی می‌نمود. زیارت به تمام معنی به کشور اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد. ده‌ها و صدها هیئت نمایندگی کارگری می‌آمدند و با علاقه‌ی عظیم و آمیخته با هیجانی با این حقیقت که چگونه خود کارگران پس از طرد استثمارکنندگان خود، جامعه‌ی سوسیالیستی نوینی برپا می‌سازند آشنائی حاصل می‌کردند. تمام جریانات کشور ما توجه آنها را به خود جلب می‌نمودند، آنها می‌خواستند از همه چیز مطلع گردند. در تاریخ ۵ نوامبر سال ۱۹۲۷ مصاحبه‌ی ممتدی بین استالین و نمایندگان کارگران آلمان، فرانسه، اتریش، چکسلواکی، چین، بلژیک و کشورهای دیگر روی داد.

از همان اواخر سال ۱۹۲۷ موفقیت‌های قطعی سیاست صنعتی ساختن سوسیالیستی نمایان شد. پانزدهمین کنگره‌ی حزب که در ماه دسامبر سال ۱۹۲۷ تشکیل شد، به اولین نتایج رسیدگی نمود. استالین ضمن گزارشی که در قسمت بیان عملیات داد، منظره‌ی روشن موفقیت‌های صنعتی ساختن سوسیالیستی را تشریح نمود و لزوم بسط و تحکیم آتی رشته‌های حیاتی سوسیالیستی را خواه در شهرها و خواه در دهات خاطر نشان ساخت و خط مشی حزب را متوجه از میان برداشتن عناصر سرمایه‌دار در اقتصاد ملی نمود.

در پانزدهمین کنگره، استالین عقب ماندن اقتصاد روستائی را از صنایع تذکر داده و طریق برطرف نمودن این وضعیت را که تمام اقتصادیات کشور را تهدید می‌کرد تعیین نمود.
استالین گفت:

« راه نجات در تبدیل اقتصادیات خرده و پراکنده روستائی به اقتصادیات بزرگ و متحد بر پایه‌ی زراعت اجتماعی و در انتقال به زراعت دستجمعی بر اساس تکنیک نوین درجه اول می‌باشد. راه نجات در آنست که اقتصادیات خرده و خرده‌تر روستائی را آهسته آهسته ولی به طور مداوم، نه از طریق فشار بلکه از طریق ارشاد و اقناع بر پایه‌ی زراعت اجتماعی دستجمعی و اشتراکی متحد ساخت و به اقتصادیات بزرگی مبدل نمود که در آن ماشین‌های کشاورزی و تراکتورها و اصول علمی برای افزایش حاصلخیزی زمین به کار برده شود. راه نجات دیگری نیست.»^{۴۹}

چه شد که کشور ما طریق ساختمان کلخوزی را پیش گرفت؟
در آغاز تشکیل پانزدهمین کنگره‌ی حزب دیگر عقب‌ماندگی کشاورزی و مخصوصاً بهره‌برداری غله به طور روزافزونی محسوس بود. مقدار کلی محصول غله تقریباً به سطح قبل از جنگ نزدیک می‌شد ولی قسمت کالای محصول غله که برای تأمین شهرها و ارتش به فروش می‌رسید، فقط اندکی بیش از یک سوم (سی و هفت درصد) میزان قبل از جنگ بود. در دهات تقریباً بیست و پنج میلیون اقتصاد روستائی کوچک و بسیار کوچک وجود داشت. و اما اقتصاد کوچک روستائی بنا بر طبیعت خود دارای جنبه‌ی اقتصاد نیمه مبادله‌ای بوده و فقط می‌تواند حداقل غله کالا را تأمین کند و قادر به توسعه‌ی تولید و استعمال تراکتور و ماشین و بالابردن حاصلخیزی نیستند. پراکندگی اقتصاد روستائی و تنزل مقدار غله کالا ادامه داشت.

« شبهه‌ای نبود که با این وضع غله‌کاری، ارتش و شهرهای اتحاد شوروی می‌بایستی دچار گرسنگی مزمن گردند.»^{۵۰}

۴۹ - "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی"، ص ۴۶۹-۴۶۸، چاپ فارسی.
۵۰ - همانجا ص ۴۶۶.

در مقابل کشور دو راه موجود بود برای این که بتواند اقتصادهای بزرگی در روستا به وجود آورد که قدرت به کار انداختن تراکتور و ماشین‌های کشاورزی و چند برابر بالا بردن مقدار غله کالا را داشته باشند. راه اول، مبادرت به تولید بزرگ سرمایه‌داری در روستا که در نتیجه‌ی آن می‌بایستی توده‌های دهقانی ورشکست شوند، بیکاری در شهرها شدت یابد، اتحاد طبقه‌ی کارگر و دهقان نابود گردد، کولاک‌ها قوت گیرند و سوسیالیسم شکست بخورد. خائنین و تسلیم‌طلبان دست راست حزب را به شدت به این راه مهلک سوق می‌دادند.

راه دوم، متحد ساختن دهقانان خرده پا در اقتصاد ملی بزرگ سوسیالیستی، یعنی در کلخوزها که قادرند وسیعاً از تراکتور و سایر ماشین‌های معاصر برای صعود سریع بهره‌برداری غله کالا استفاده نمایند. بدیهی است که حزب بلشویک و دولت شوروی فقط می‌توانستند راه دوم یعنی بسط اقتصادیات روستائی از طریق کلخوزی را انتخاب نمایند.

مبنای این خط مشی حزب بلشویک دستورات مدیرانه‌ی لنین بود که لازم می‌دانست اقتصادیات کوچک روستائی به زراعت بزرگ اشتراکی ماشینی که یگانه وسیله‌ای بود که می‌توانست دهها میلیون اقتصاد دهقانی را از احتیاجی که قرن‌ها حکمفرما بود بیرون آورد، بدل شود. لنین خاطر نشان می‌نمود که:

« با اقتصاد کوچک نمی‌توان از احتیاج بیرون آمد. »^{۵۱}

حیاتی‌ترین نیازمندی‌های اقتصادی یعنی احتیاج مردم ایجاب می‌کرد که اصول کشاورزی اشتراکی برقرار شود. و حزب بلشویک نیز تحت رهبری استالین به این احتیاج اقتصادی به درستی پی برد و توانست میلیون‌ها توده‌ی دهقانی را به مجرای کشاورزی اشتراکی بیاندازد.

طبق قطعنامه‌ی پانزدهمین کنگره‌ی حزب می‌بایستی با تمام وسائل به بسط کشاورزی اشتراکی اقدام شود. در عین حال کنگره دستور داد که اولین نقشه‌ی پنجساله‌ی اقتصاد ملی تنظیم گردد. بدین طریق در گیر و دار ایجاد صنایع سوسیالیستی استالین یک وظیفه‌ی عظیم جدید یعنی اشتراکی کردن کشاورزی را مطرح کرد. اجرای چنین وظیفه‌ی تاریخی یک تهیه‌ی فوق‌العاده دقیق لازم داشت که از حیث عمق و بسط کاملاً می‌توان آن را در ردیف تهیه‌ی انقلاب سوسیالیستی اکتبر قرار داد. استراتژ نابغه‌ی انقلاب پرولتاریا با شهامت و بدون

۵۱ - از تألیفات و. ای. لنین، جلد ۲۴، ص ۵۴۰، چاپ دوم روسی.

انحراف با دقت و احتیاط حزب را به جلو هدایت می‌نمود، کلیه‌ی موانعی را که در راه مقصود قرار داشت درهم می‌شکست و در ضمن دقیقاً مواظب مانور و حرکات دشمن طبقاتی بود، عملیات دشمن را در اسرع اوقات به طور درخشانی پیش‌بینی می‌نمود، در همان جریان پیشروی استادانه به نیروی خود تغییر آرایش می‌داد، مواضع متصرفی را مستحکم می‌کرد و نیروهای ذخیره را برای توسعه‌ی موفقیت مورد استفاده قرار می‌داد.

حزب کلیه‌ی شرایط مادی لازم را برای داخل شدن توده‌ای دهقانان به کلخوزها فراهم ساخت. یک پایگاه صنعتی برای تأمین دهات از لحاظ ماشین و تراکتور و هم چنین پایگاهی برای تولید سلاح کشاورزی ایجاد گردید. وجوه کافی برای دادن اعتبار ساختمان کلخوزها و سوخوزها گردآوری شد و بهترین افراد حزب و طبقه‌ی کارگر برای انجام این ساختمان مأمور گشتند. کلخوزهای اولیه که نمونه‌ای از چگونگی کشاورزی اشتراکی را به دهقانان منفرد نشان می‌دادند، بر روی پایه‌ی محکمی استوار شدند. استاسیون‌های ماشین تراکتور و سوخوزهایی برای کمک به دهقانان جهت بهبود اوضاع اقتصادی آنها ایجاد شد. کولاک‌ها که فنای خود را به رأی‌العین می‌دیدند شروع به مقاومت کرده به وسیله‌ی "اعتصاب در تحویل غله" می‌خواستند حزب را مجبور به تسلیم یا اقلأ عقب‌نشینی بنمایند. در همان سال ۱۹۲۸ بدو در ناحیه‌ی شاختی در حوزه‌ی دنتس و سپس در نواحی دیگر، تشکیلات بزرگی از متخصصین بورژوازی کشف گردید که به زیان کاری اشتغال داشتند. این زیان‌کاران با کشورهای امپریالیستی نیز مربوط بودند.

حزب تحت رهبری استالین اقدامات فوق‌العاده‌ای علیه‌ی کولاک‌ها به کار برد و آنان را درهم شکست و زیان‌کاران شدیداً مجازات شدند. رفیق استالین حزب را دعوت نمود که از قضیه‌ی شاختی درس عبرت بگیرد و مقدم بر همه خود بلشویک‌های مأمور کارهای اقتصادی، استاد و متخصص فنی بشوند و در تهیه‌ی کادرهای فنی از بین کارگران تسریع به عمل آید.

پس از این که حزب علیه‌ی کولاک‌ها آغاز تعرض نمود، در سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۲۸ به جای ترسکیست‌ها و زینویویست‌های شکست خورده بوخارین، ریکف، تومسکی و تمام گروه ضد حزبی آنها یعنی تسلیم‌طلبان دست راست و طرفداران بازگشت سرمایه‌داری پا به میدان گذاردند. در همان موقع امپریالیست‌ها با اتکا به عملیات تسلیم‌طلبان دست راست حزب، مجدداً در صدد بر می‌آیند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را به جنگ بکشانند. در ستادهای کل ارتش انگلیس و فرانسه نقشه‌ی تجاوز جدیدی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۹ تهیه می‌شود.

همان طوری که پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی در ماه اکتبر سال ۱۹۱۷ بدون درهم شکستن تسلیم طلبان و اعتصاب‌شکن‌ها، منشویک‌ها و اس‌ارها میسر نبود، همان طور هم در سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۲۹ پیروزی سوسیالیسم در دهات بدون درهم شکستن تسلیم طلبان دست راست غیرممکن بود. مخصوصاً نطق‌های استالین تحت عنوان "درباره‌ی خطر راست در حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی" (در جلسه‌ی عمومی کمیته‌ی مسکو و کمیسیون تفتیش مسکو در ماه اکتبر سال ۱۹۲۸) و تحت عنوان "درباره‌ی انحراف راست در حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی" (در جلسه‌ی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی در ماه آوریل سال ۱۹۲۹) برای پیروزی بر دسته‌ی ضد حزبی بوخارین - ریکف حائز اهمیت بزرگی بود.

در این نطق‌های استالین سیمای دست راستی‌ها افشا شده و نشان داده شده است که آنها دشمن لنینیسم و عامل کولاک در داخل حزب هستند. در مبارزه علیه‌ی دست راست، استالین تمام حزب را متحد ساخته و به کمک آن بر ضد آخرین کانون استعمار سرمایه‌داری در کشور ما یورش برد. نبوغ استالین، اراده‌ی تزلزل ناپذیر و دوربینی مدبرانه‌ی وی انقلاب را به مدارج عالی تری ارتقاء داد. استالین در مقاله‌ی تاریخی خود تحت عنوان "سال تحول عظیم" در سال ۱۹۲۹ به مناسبت جشن دوازدهمین سال اکتبر نوشته است:

« سال سپری شده در تمام جبهه‌های ساختمان سوسیالیستی سال تحول عظیم بود. این تحول در زیر لوای حمله‌ی سوسیالیسم به عناصر سرمایه‌داری شهرها و دهات انجام گرفته و می‌گیرد. خصوصیت قابل توجه این حمله این است که ما در نتیجه‌ی آن هم اکنون در مهم‌ترین رشته‌های تجدید ساختمان (رکونستروکسیون)، سوسیالیستی اقتصاد ملی خود، به یک رشته موفقیت‌های قطعی نایل آمده ایم. »^{۵۲}

حزب در قسمت بازدهی کار، به یک تحول قطعی نائل گردید. یکی از سخت‌ترین مسائل مربوط به صنعتی ساختن سوسیالیستی یعنی موضوع تهیه‌ی وجوه لازم برای ساختمان صنایع سنگین را، اساساً می‌شد حل شده دانست. در قسمت توسعه‌ی زراعت و بهبود اوضاع دهقانان، حزب موفق به تحول اساسی گردید. نهضت کلخوزی به سرعت هر چه تمامتر رو به توسعه نهاد و از حیث

۵۲ - ی. و. استالین، "مسائل لنینیسم"، ص ۲۲۴، چاپ ۱۱.

سرعت رشد خود حتی صنایع بزرگ را نیز عقب گذاشت. این آغاز نهضت توده‌ای کلخوزی بود.
استالین در این باره نوشته است:

« موضوعی که در نهضت کنونی کلخوزی تازگی داشته می‌توان آن را قطعی دانست، اینست که اکنون دیگر کشاورزان مانند سابق با دستجات جداگانه‌ای وارد کلخوزها نشده بلکه قصبات، دهستان‌ها، نواحی بزرگ و حتی شهرستان‌ها یک جا در آن وارد می‌شوند. اما این چه معنی می‌دهد؟ معنی آن اینست که دهقان میانه حال به کلخوز وارد می‌شود. این است اساس آن تحول اساسی در تکامل اقتصادیات روستائی که آن را می‌توان مهم‌ترین موفقیت حکومت شوروی دانست.....»^{۵۳}

بدین طریق تحت رهبری استالین این تحول تاریخی، یعنی تبدیل سیاست محدود نمودن و بیرون راندن عناصر کولاک به سیاست اضمحلال کولاک هم چون یک طبقه‌ی خاص بر اساس اشتراکی شدن سرتاسری کشاورزی تهیه گردید.

یکی از خدمات بزرگ استالین را باید این به شمار آورد که در این مرحله یعنی نخستین مرحله‌ی چرخش به سوی صنعتی ساختن و اشتراکی نمودن کشاورزی هنگامی که لازم بود تمام نیروی کار خلق را برای انجام وظایف خطیر بسیج کرد، او موضوع مربوط به زنان، وضع زنان، کار زنان، مهم‌ترین نقش زن، یعنی زنان کارگر و دهقان را در زندگی اقتصادی و حیات سیاسی و اجتماعی جامعه با تمام اهمیت آن مطرح نمود و این مسئله را به اوج لازم خود ارتقا داد و آن را صحیحاً حل نمود.
استالین می‌گوید:

« هیچ یک از جنبش‌های عظیم ستمکشان تاریخ بشر بدون شرکت زنان زحمتکش در آن انجام نیافته است. زنان زحمتکش که از تمام ستمکشان ستمدیده‌ترند، هیچ گاه از شاهراه جنبش آزادی‌طلبانه برکنار نمانده و نمی‌توانستند برکنار بمانند. به طوری که می‌دانیم نهضت آزادی‌طلبانه‌ی بردگان صدها و هزارها قربانی و قهرمان بزرگ زن به بار آورد. در صفوف مبارزین راه آزادی از قید سرواژ

۵۳ - ی. و. استالین، "مسئله لنینیسم"، ص ۲۷۲، چاپ ۱۱.

ده‌ها هزار زن رنجبر قرار داشت. تعجب‌آور نیست که جنبش انقلابی طبقه‌ی کارگر که نیرومندترین جنبش‌های آزادی‌طلبانه‌ی توده‌های ستمکش است میلیون‌ها زن رنجبر را زیر لوای خود گرد آورد.^۴

استالین سپس می‌گوید:

« زنان زحمتکش یعنی کارگران و دهقانان زن، بزرگ‌ترین ذخیره‌ی طبقه‌ی کارگر می‌باشند. این ذخیره درست نصف جمعیت را تشکیل می‌دهد. این مسئله که ذخیره با طبقه‌ی کارگر خواهد بود یا علیه آن، موضوعی است که سرنوشت جنبش پرولتاریا، فتح یا شکست انقلاب پرولتاریا، پیروزی یا شکست حکومت پرولتاریا وابسته به آنست. به این سبب اولین وظیفه‌ی پرولتاریا و دسته‌ی پیشاهنگ آن یعنی حزب کمونیست این است که برای خلاصی زنان کارگر و دهقان از زیر نفوذ بورژوازی و دادن تعلیمات سیاسی به آنها در زیر پرچم پرولتاریا جداً مبارزه نماید.»^۵

استالین باز هم ادامه می‌دهد:

« ولی زنان زحمتکش تنها ذخیره نمی‌باشند آنها می‌توانند و - در صورت اجرای سیاست صحیح از طرف طبقه‌ی کارگر - باید ارتش واقعی طبقه‌ی کارگر بشوند که علیه‌ی بورژوازی عمل می‌نماید. از زنان کارگر و دهقان که ذخیره‌ی کار هستند، ارتشی به وجود آورد که دوش بدوش ارتش کبیر پرولتاریا عمل کند، دومین وظیفه‌ی قطعی طبقه‌ی کارگر می‌باشد.»^۶

و اما درباره‌ی نقش و اهمیت زن در کلخوزها استالین ضمن نطق خود در اولین کنگره‌ی کلخوزی‌های پیش قدم‌چنین می‌گوید:

« رفقا موضوع زنان در کلخوزها موضع بزرگی است. من می‌دانم که عده‌ی زیادی از شما به زن‌ها ارزش لازم نداده و حتی به آنها پوزخند هم می‌زنید، اما رفقا این اشتباه است و اشتباهی جدی

۵۴ - "پراودا"، شماره ۵۶، ۸ مارس سال ۱۹۲۵.

۵۵ - همانجا.

۵۶ - همانجا.

است. اینجا مسئله تنها در این نیست که زن‌ها فقط نصف جمعیت را تشکیل می‌دهند، مسئله قبل از همه در این است که نهضت کلخوزی عده‌ی زیادی از زنان برازنده و قابل را به مقام رهبری رسانده است. نظری به کنگره و اعضای آن بیفکنید، می‌بینید که مدت‌هاست زن‌ها از حال عقب‌ماندگی به مقام پیشروان رسیده‌اند. زن‌ها در کلخوزها نیروی بزرگی هستند. عاطل گذاردن این نیرو جنایت است. وظیفه‌ی ما عبارت از این است که زنان را در کلخوزها پیش انداخته این نیرو را عملاً به کار اندازیم.^{۵۷}»

استالین ادامه می‌دهد:

« و اما آن چه به خود زنان کلخوزی مربوط است این است که آنها باید نیرو و اهمیت کلخوز را برای زن به خاطر داشته باشند. باید به خاطر داشته باشند که فقط کلخوز است که آنها امکان دارند با مردان برابر بشوند. بدون کلخوز، عدم تساوی و در کلخوز، برابری حقوق. بگذار رفقای کلخوزی زن این موضوع را به خاطر داشته باشند و از رژیم کلخوزی زن مانند مردمک چشم محافظت نمایند.»^{۵۸}

جلب وسیع‌ترین توده‌های مردم کشور ما، از آن جمله زحمتکشان ملل ستمکش و عقب‌مانده‌ی سابق به کار ساختمان سوسیالیسم، عبارت بود از بزرگ‌ترین پیروزی ایدئولوژی شوروی که توده‌ها را ایجاد کننده‌ی واقعی تاریخ می‌شمارد. بر ایدئولوژی بورژوازی که از انتشار هیچ‌گونه اباطیلی درباره‌ی این که توده‌ها برای کار خلاقه‌ی مستقل در هیچ یک از شئون زندگی استعداد ندارند، فروگذار نمی‌کند. رفیق استالین پرده از ماهیت ارتجاعی این "تئوری" که ادعا می‌کند استثنای شونده‌گان بدون وجود استثنایکنندگان نمی‌توانند زیست نمایند برداشت. در این خصوص رفیق استالین چنین نوشته است:

« یکی از مهم‌ترین نتایج انقلاب اکتبر این واقعیت است که به این "تئوری" قلبی ضربه‌ی نابودکننده‌ای وارد آورد.»^{۵۹}

۵۷ - ی. و. استالین، "مسائل لنینیسم"، ص ۴۲۰-۴۱۹، چاپ ۱۱ روسی.

۵۸ - همانجا.

۵۹ - همانجا ص ۱۷۷.

رفیق استالین از روی این افسانه ارتجاعی هم که مدعی بود ملت‌ها به نژادهای عالی و پست تقسیم می‌شوند پرده برداشته چنین گفت:

« سابقاً این فکر "معمول بود" که جهان از قدیم الایام به نژادهای دانی و عالی، به سیاه و سفید تقسیم شده است که اولی‌ها مستعد تمدن نبوده و باید مورد استثمار قرار گیرند ولی دومی‌ها یگانه آورندگان تمدن بوده برای استثمار اولی‌ها دعوت شده‌اند. این افسانه را اکنون باید شکست خورده و دورافتاده دانست. یکی از مهم‌ترین نتایج انقلاب اکتبر این واقعیت است که به این افسانه ضربه‌ی مرگباری وارد آورد و عملاً نشان داد که ملل آزاد شده‌ی غیر اروپایی که به مسیر ترقی و تکامل شوروی کشیده شده‌اند، شایستگی‌شان در پیش بردن فرهنگ مترقی حقیقی و تمدن پیشرو حقیقی از ملل اروپایی کمتر نیست. »^{۶۰}

۹

در ۲۷ دسامبر سال ۱۹۲۹ استالین در کنفرانس مارکسیست‌های متخصص کشاورزی نطقی ایراد نمود. رفیق استالین در نطق خود پرده از روی تئوری "توازن" رشته‌های مختلف اقتصاد ملی برداشته، تئوری ضد مارکسیستی "خودرو" بودن ساختمان سوسیالیستی و تئوری ضد مارکسیستی "ثبات" اقتصاد کوچک دهقانی را درهم شکست. رفیق استالین پس از درهم شکستن تمام این تئوری‌های بورژوازی، ضد مارکسیستی و اپورتونیستی دست راست، ماهیت کلخوزها را که شکل سوسیالیستی اقتصاد کشاورزی می‌باشند، عمیقانه تجزیه و تحلیل نمود و لزوم آغاز سیاست اشتراکی کردن کشاورزی در سرتاسر کشور و محو کولاک‌ها بر اساس این سیاست را مستدل ساخت.

۶۰ - همانجا ص ۱۷۸.

هنوز کنگره‌ی یازدهم حزب بود که لنین از نبرد نهائی و قطعی با سرمایه‌داری روس که سرچشمه‌ی رشدش اقتصاد کوچک دهقانی است سخن می‌راند، ولی در آن موقع نمی‌شد دقیقاً معین کرد که این نبرد چه وقت رخ خواهد داد. رفیق استالین با دوربینی داهیانہ‌ی ذاتی خود از روی دلایل علمی ثابت کرد که موعد این نبرد نهائی و قطعی با سرمایه‌داری داخلی هم اکنون فرارسیده است. استالین که یک نفر دانشمند بزرگ دیالکتیک است، نشان داد که از میان بردن کولاک‌ها به منزله‌ی طبقه‌ی معین عبارت از تعقیب سیاست سابق یعنی محدود ساختن یا کنار زدن آنها نبوده بلکه یک تحول ناگهانی است که در سیاست حزب داده می‌شود.

در قرارهای کنگره‌ی شانزدهم حزب نوشته شده است:

« اگر ضبط اراضی ملاکین را اولین قدم انقلاب اکتبر در روستا بدانیم، در این صورت تأسیس کلخوزها دومین قدم و در عین حال آن قدم قطعی است که شاخص مهم‌ترین مراحل پایه‌گذاری جامعه‌ی سوسیالیستی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می‌باشد. »^{۶۱}

توسل روستاها به اقتصاد سوسیالیستی در نتیجه‌ی این بود که ضرورت اقتصادی انتقال به مرحله‌ی اقتصاد بزرگ تشکیل آرتل و زراعت اشتراکی و زراعت به وسیله‌ی ماشین را ایجاب می‌نمود. حزب بلشویک‌ها و دولت شوروی سنوات متوالی در دهات مشغول ایجاد نیروهای مولده‌ی نوین، نشاء تکنیک جدید یعنی تراکتور، کمباین و غیره بودند و برای کشاورزی سوسیالیستی، کادر یعنی میلیون‌ها نفر متخصص تکنیک معاصر تهیه می‌نمودند.

رفیق استالین در شادباش تاریخی خود در روز گشایش کارخانه‌ی تراکتورسازی استالینگراد (۱۷ ژوین ۱۹۳۰) خطاب به کارگران نامبرده نوشت:

« به مناسبت این پیروزی به کارگران و هیئت رهبری اولین کارخانه‌ی عظیم تراکتورسازی، دارنده‌ی پرچم سرخ در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شادباش و تبریک می‌گویم. پنجاه هزار تراکتوری که شما باید در هر سال به کشور بدهید پنجاه هزار گلوله‌ایست که جهان قدیم بورژوازی را منفجر ساخته و برای سازمان

۶۱ - مجموعه "قطعنامه‌ها و قراردادهای کنگره و کنفرانس‌ها و جلسات عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست بلشویک اتحاد شوروی"، قسمت ۲، چاپ ششم سال ۱۹۴۱، ص ۴۲۸.

نوین سوسیالیستی در دهات راه باز می‌کند. موفقیت شما را در اجرای برنامه تان خواستارم.»^{۶۲}

نیروهای مولدهی نوینی که در دهات ایجاد شده بود ناگزیر روابط نوین سوسیالیستی بین مردم تولید می‌کرد.

استالین تئوری مارکس و لنین را در باره‌ی سوسیالیسم به طور جامع الاطرافی تصریح نموده، نشان داد که انتقال به مرحله‌ی اشتراکی کردن کشاورزی از طریق ورود ساده و آرام دهاقین در کلخوزها ممکن نبوده بلکه از طریق مبارزه‌ی دستجمعی دهاقین بر ضد کولاک‌ها امکان‌پذیر است. لازم بود که کولاک‌ها را در نبرد علنی، جلوی چشم تمام دهقانان شکست داد تا توده‌های دهقانی به ضعف عناصر سرمایه‌داری پی ببرند. لذا لازمه‌ی اشتراکی نمودن سرتاسر کشاورزی این بود که کولاک به عنوان طبقه‌ی خاص از بین برود.

دستورات رفیق استالین دائر به لزوم تغییر سیاست حزب از محدود ساختن تمایلات استثمارگری کولاک‌ها به از میان بردن کولاک‌ها به عنوان طبقه‌ی خاص اساس تصمیمات مورخه پنجم ژانویه ۱۹۳۰ کمیته مرکزی را "درباره‌ی آهنگ اشتراکی نمودن کشاورزی و اقدامات دولت برای کمک به ساختمان کلخوزها" تشکیل داد.

دشمنان حزب به انحای مختلف سعی داشتند خط مشی حزب را در قسمت اشتراکی ساختن کشاورزی کشور عقیم گذارند. این کوشش‌های خصمانه نه فقط عبارت از اقدامات مستقیم از طرف تسلیم‌طلبان دست راست علیه اشتراکی کردن کشاورزی بود، بلکه علاوه بر آن عبارت بود از "چپ روی"های منحرف‌کننده از خط مشی حزب، نقض مقرراتی که در قسمت آهنگ اشتراکی کردن کشاورزی از طرف حزب معین شده بود، نقض اصل لنین - استالین مبنی بر رعایت داوطلبی در امر ساختمان کلخوز، جهش نابخردانه‌ای از آرئل به کمون، اشتراکی نمودن جبری ساختمان‌های مسکونی، اغنام، مرغ‌های خانگی و غیره.

دشمنان داخلی و خارجی، متجاوزین و عمال آنها امیدوار بودند که این عمل «چپ روی» و یا در پاره‌ای اوقات پرووکاسیون عمدی، موجب تفاق بین دهقانان و حکومت شوروی خواهد شد. در ستادهای کشورهای امپریالیست، دیگر مشغول تعیین موعد تجاوز جدید به کشور شوروی بودند. ولی پیشوای حزب به موقع متوجه این خطر جدید گشت.

۶۲ - "پراودا"، شماره ۱۶۶، مورخه ۱۸ ژوئن سال ۱۹۳۰.

در تاریخ ۲ مارس سال ۱۹۳۰ طبق تصمیم کمیته‌ی مرکزی، مقاله‌ی استالین تحت عنوان "سرگیجه از موفقیت" منتشر گردید. استالین در این مقاله خود به افراط کاری‌های "چپ" که جنبش کلخوزی را به نابودی تهدید می‌کرد جواب دندان‌شکن داد.

« در مقاله اصل داوطلبی در ساختمان کلخوزی با شدت هر چه تمامتر تأکید می‌شد و خاطر نشان می‌گردید که ضمن تعیین نمودن سرعت و شیوه‌ی کار در امر اشتراکی کردن کشاورزی، باید مختلف بودن شرایط را در نقاط گوناگون اتحاد شوروی نیز در نظر گرفت. رفیق استالین یادآوری می‌کرد که حلقه‌ی اصلی در جنبش کلخوزی آرتل کشاورزی می‌باشد....

مقاله‌ی رفیق استالین بزرگ‌ترین اهمیت سیاسی را در برداشت. این مقاله به سازمان‌های حزبی در امر اصلاح اشتباهات خود یاری نمود و به دشمنان حکومت شوروی که امیدوار بودند که در سایه‌ی این افراط‌کاری‌ها موفق خواهند شد دهقانان را بر ضد حکومت شوروی برانگیزند، ضربه سختی وارد آورد. »^{۶۳}

رفیق استالین پس از این که به "چپ روی"های منحرف‌کننده، ضربه‌ی طاقت فرسائی وارد ساخت و با این عمل امیدهای متجاوزین خارجی را ناامید ساخت هم چون معلم توده‌های میلیونی چگونگی فن رهبری را به کادرهای حزبی و غیر حزبی توضیح می‌داد. استالین می‌نویسد:

« فن رهبری کاریست جدی. از جنبش نباید عقب ماند، زیرا عقب ماندن از جنبش یعنی برکنار ماندن از توده‌ها. ولی از آن جلو هم نباید زد، زیرا جلو زدن یعنی قطع رابطه با توده‌ها. کسی که بخواهد جنبش را رهبری نموده در عین حال رابطه‌ی خود را هم با توده‌های میلیونی مقطوع نسازد باید در دو جبهه مبارزه کند، هم علیه‌ی عقب‌ماندگان و هم بر ضد جلو دوندگان. »^{۶۴}

۶۳ - "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی"، ص ۵۰۳-۵۰۲، چاپ فارسی.

۶۴ - ی. و. استالین، "مسائل لنینیسم"، ص ۳۰۴، چاپ ۱۱ روسی.

در مقاله‌ای که متعاقب همین مقاله تحت عنوان "پاسخ به رفقای کلخوزی" خطاب به میلیون‌ها نفر از کلخوزی‌ها در تاریخ سوم آوریل سال ۱۹۳۰ منتشر شد، استالین ریشه‌ی اشتباهاتی را که در مسئله‌ی دهقانان شده و اشتباهات عمده‌ای را که در جنبش کلخوزی رخ داده بود، نشان داده و با منطق فوق‌العاده نیرومندی ماهیت قوانین تعرض در جبهه مبارزه‌ی طبقاتی را تشریح کرده است. رفیق استالین متذکر می‌شود که قبل از محکم ساختن مواضع متصرفی و تغییر آرایش قوا و قبل از تأمین جبهه از حیث نیروی ذخیره و تنظیم عقب جبهه نمیتوان به تعرض ادامه داد. اپورتونیست‌ها به ماهیت طبقاتی تعرض پی نمی‌بردند یعنی نمی‌فهمند به چه طبقه‌ای باید تعرض نمود و با کدام طبقه باید اتحاد بست. استالین می‌گفت که آنچه مورد احتیاج ما است تعرض به معنای عمومی این کلمه نیست بلکه تعرض نسبت به کولاک در اتحاد با دهقانان میانه حال است.

در سایه‌ی رهبری استالینی و در نتیجه‌ی تصحیح افراط‌کاری‌ها، شالوده‌ی محکمی برای رشد نوین و نیرومند جنبش کلخوزی ریخته شد. حزب تحت سرپرستی رفیق استالین مسئله‌ی انتقال اقتصادهای کوچک دهقانی به مجرای سوسیالیستی و از بین بردن وسیع‌تر طبقات استثمارکننده یعنی کولاک‌ها را که پس از به دست آوردن حکومت سخت‌ترین مسائل انقلاب پرولتاریا بود، حل کرد.

« این عمیق‌ترین تحول انقلابی و جهشی از وضعیت کیفی پیشین جامعه به وضعیت کیفی نوین بود و از حیث عواقب خود با تحول انقلابی اکتبر سال ۱۹۱۷ برابری می‌نمود. خصوصیت این انقلاب در آن بود که از بالا و به ابتکار مقامات دولتی انجام شد در حالی که از پائین به وسیله‌ی توده‌های میلیونی دهقانان که بر ضد اسارت کولاک‌ها برای زندگی آزاد کلخوزی مبارزه می‌کردند، مستقیماً پشتیبانی می‌شد. »^{۶۵}

استالین با اتکا به دستورات لنین راجع به لزوم تبدیل اقتصادهای کوچک دهقانی به اقتصاد بزرگ آرتلی اشتراکی و با اتکا به نقشه‌ی کنوپراتیوی لنینی تئوری اشتراکی کردن کشاورزی را طرح و تنظیم نمود و به موقع اجرا گذارد. موضوع نوینی که استالین در این رشته وارد کرد عبارت بود از این که:

۶۵ - "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی"، ص ۴۹۷-۴۹۶، چاپ فارسی.

۱- مسئله‌ی شکل کلخوزی اقتصاد سوسیالیستی را در ده به طرز جامع‌الطرافی طرح و تنظیم نمود.

۲- نشان داد که حلقه‌ی اصلی و عمده در سلسله ساختمان کلخوزی در این مرحله عبارت است از آرتل کشاورزی یعنی صحیح‌ترین شکلی که برای دهاقین قابل درک است، شکلی که امکان می‌دهد منافع شخصی کلخوزی‌ها با منافع اجتماعی توأم شود، منافع شخصی آنها با منافع اجتماعی مطابقت یابد.

۳- تبدیل سیاست محدود نمودن و یا کنار زدن کولاک‌ها را به سیاست از میان بردن این طبقه بر اساس اشتراکی کردن کامل کشاورزی مستدل نمود.

۴- اهمیت استاسیون‌های ماشین و تراکتور را که در راه تغییر سازمان کشاورزی و انداختن آن به مجرای سوسیالیستی و برای کمک به کشاورزی و دهقانان از طرف دولت سوسیالیستی جنبه‌ی تکیه‌گاه را دارند، عیان ساخت.

در ماه فوریه سال ۱۹۳۰ بنا به درخواست‌های بیشمار یک رشته از سازمان‌ها و جلسات عمومی کارگران و دهقانان و سربازان سرخ، کمیته‌ی اجرایی‌ی مرکزی اتحاد شوروی تصمیم گرفت به پاس خدمات فوق‌العاده‌ی استالین در جبهه‌ی ساختمان سوسیالیستی، وی را به اخذ دومین نشان پرچم سرخ مفتخر سازد.

کنگره‌ی شانزدهم حزب (۲۶ ماه ژوئن الی ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۳۰)، به عنوان کنگره‌ی تعرض عمومی سوسیالیسم در سرتاسر جبهه وارد صفحات تاریخ گردید. استالین پس از این که ماهیت تعرض عمومی سوسیالیسم را علیه‌ی عناصر سرمایه‌داری در سرتاسر جبهه شرح داد، این موضوع را در گزارش خود محرز نمود که کشور ما دیگر پا به مرحله‌ی سوسیالیسم گذارده است.

استالین ضمن گزارش خود در موضوع موفقیت‌های مربوط به صنعتی کردن کشور و اشتراکی کردن کشاورزی نشان داد که این مرحله‌ی نوین تکامل چه مسائلی را در مقابل ما قرار می‌دهد و متذکر گشت که گو این که ما از حیث رشد به کشورهای سرمایه‌داری رسیده و از آنها گذشته‌ایم ولی از حیث سطح تولید صنعتی و عقب‌ماندگی ما از کشورهای مترقی سرمایه‌داری خیلی زیاد است. لذا وظیفه‌ی ما اینست که باز هم به آهنگ پیشروی افزوده و از حیث سطح تولید صنعتی نیز به کشورهای سرمایه‌داری برسیم و بر آنها سبقت جوئیم. در گزارش خود رفیق استالین وظایف حزب را در رشته‌ی عملی ساختن نقشه‌ی پنج ساله در چهار سال خاطر نشان ساخت:

زحمتکشان تمام کشور با شور و شعف به عملی کردن وظایف عظیم که کنگره برای آنها معین کرده بود پرداختند. مسابقه‌ی سوسیالیستی و کوشش برای پیشقدم شدن در کار، وسیعاً بسط پیدا کرد. در حین تشکیل شدن کنگره‌ی پانزدهم

حداقل دو میلیون کارگر در مسابقه‌ی سوسیالیستی شرکت داشتند و بیش از یک میلیون نفر کارگر در دسته‌های کارگران پیشقدم وارد شده بودند.
رفیق استالین در کنگره‌ی شانزدهم متذکر شد که:

« قابل توجه‌تر از همه در مسابقه این است که نظر اشخاص را نسبت به کار و زحمت اساساً تغییر می‌دهد زیرا کار را که سابقاً بار سنگین و خجالت‌آوری می‌دانستند بدل به امری می‌کند که مایه‌ی افتخار، سربلندی، شهامت و قهرمانی است. چنین چیزی در کشورهای سرمایه‌داری وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد.»^{۶۶}

برای انجام نخستین برنامه‌ی پنج ساله لازم بود تمام رشته‌های اقتصاد ملی بر پایه‌ی تکنیک نوین معاصر تجدید بنا گردد. تکنیک دارای اهمیت قطعی می‌گردید. از این رو پیشوای حزب در تاریخ ۴ فوریه سال ۱۹۳۱ در سخنرانی خود در نخستین کنفرانس کارکنان صنایع سوسیالیستی شوروی "درباره وظایف کارکنان اقتصادی" شعار نوینی را پیش کشید:

« بلشویک‌ها باید به تکنیک فایق آیند »
« در مرحله‌ی تجدید ساختمان، تکنیک حلال تمام مشکلات است. »

در دوره‌ی کارهای مشکلی که حزب در قسمت ساختمان سوسیالیسم با آن مواجه بود، تربیت اعضا و نامزدهای حزب و فرا گرفتن تجربیات تاریخی حزب بلشویک و مبارزه با جعل کنندگان تاریخ حزب اهمیت روزافزونی به خود می‌گرفت.

در ماه نوامبر سال ۱۹۳۱ استالین نامه‌ی مشهور خود را به هیئت تحریریه مجله "انقلاب پرولتاریائی" که در متحد ساختن افکار و صفوف حزب نقش فوق‌العاده‌ای بازی کرد، منتشر ساخت. در این نامه استالین ماهیت جعل‌کنندگان ترسکیستی تاریخ بلشویسم را افشا نموده و نشان داد که لنینیسم در گیر و دار مبارزه‌ی بی‌امان با انواع اپورتونیسم به وجود آمده، نمو یافته و قوام گرفته است و بلشویک‌ها در تمام جهان یگانه سازمان انقلابی هستند که اپورتونیست‌ها و مرکزپون را تماماً خورد کرده و آنها را از صفوف حزب بیرون ریخته‌اند. استالین در این نامه به تمام معنی نشان داد که ترسکیسم دسته پیشاهنگ بورژوازی ضد انقلابی است که علیه‌ی کمونیسم و علیه‌ی حکومت شوروی و

۶۶ - ی. و. استالین، "مسائل لنینیسم"، ص ۳۹۳، چاپ ۱۱ روسی.

علیهی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی، علم مبارزه برافراشته است.

نخستین نقشه‌ی پنج ساله قبل از موعد مقرر اجرا و تا آغاز سال ۱۹۳۳ پایان یافت. در ماه ژانویه سال ۱۹۳۳ استالین در جلسه‌ی عمومی کمیته‌ی مرکزی و کمیته‌ی تفتیش مرکزی تحت عنوان "نتایج نخستین نقشه‌ی پنج ساله" گزارش داده و ضمن این گزارش متذکر شد که کشور ما از کشور کشاورزی به صنعتی و از کشور دهقانی خرده پا به بزرگ‌ترین و مترقی‌ترین کشور کشاورزی سوسیالیستی بدل گشته است. طبقات استثمارکننده در رشته‌های تولیدی از مواضع خود بیرون رانده شدند، بقایای آنها در سرتاسر کشور پراکنده شده و در خفا به مبارزه پرداختند. لذا بایستی هوشیاری را مضاعف نمود و برای حفظ مالکیت سوسیالیستی و مبانی رژیم شوروی به مبارزه پرداخت و با تمام وسائل، دیکتاتوری پرولتاریا را استحکام بخشید.

استالین در سخنرانی دیگر خود در جلسه‌ی عمومی کمیته‌ی مرکزی تحت عنوان "درباره‌ی کار در روستا" نواقص کار حزب را در روستا عمیقانه تجزیه نمود و برنامه‌ی کاملی برای امر تحکیم رژیم کلخوزی معین کرد.

در مقابل حزب وظیفه‌ی نوینی قرار گرفت و آن عبارت از مبارزه برای تحکیم کلخوزها، تنظیم کار در کلخوزها، بلشویکی نمودن کلخوزها و تصفیه‌ی کلخوزها از عناصر دشمن یعنی کولاک‌ها و زیانکاران. برای این منظور رفیق استالین پیشنهاد کرد که در استاسیون‌های ماشین و تراکتور و در سوخوزها شعب سیاسی تأسیس گردد. شعب سیاسی استاسیون‌های ماشین و تراکتور طی دو سال (۱۹۳۴-۱۹۳۳) در رشته‌ی تحکیم کلخوزها کارهای بزرگی انجام دادند. در اولین کنگره‌ی کلخوزی‌های پیشقدم سراسر اتحاد شوروی در تاریخ ۱۹ فوریه سال ۱۹۳۳ شعار زیر از طرف استالین پیشنهاد و مستدل گشت: باید کلخوزها را بلشویکی و کلخوزیان را مرفه ساخت. استالین می‌گفت:

« برای رفاه مادی کلخوزیان اکنون فقط یک چیز لازم است و آن صداقت در کار کلخوز، استفاده از تراکتور و ماشین، استفاده‌ی صحیح از حیوانات کاری، کشت با اصول صحیح و حفظ دارائی کلخوز می‌باشد.»^{۶۷}

سخنان استالین از طرف میلیون‌ها کلخوزی درک شده و بدل به برنامه‌ی عملی و مبارز کلخوزها گردید.
رفیق استالین ضمن تلخیص آزمایش ساختمان سوسیالیستی، مسئله‌ی تجارت شوروی را که شکلی از توزیع و مبادله‌ی محصول کار در شرایط سوسیالیسم است، طرح و تنظیم نمود.
رفیق استالین گفت:

«بازرگانی شوروی بازرگانی بدون شرکت سرمایه‌داران اعم از کوچک و بزرگ و بدون سفته‌بازان اعم از کوچک و بزرگ است. این نوع مخصوصی از بازرگانی است که تاریخ تا به حال از آن اطلاعی نداشت و فقط ما بلشویک‌ها هستیم که آن را در شرایط تکامل شوروی به کار می‌بریم.»^{۶۸}

رفیق استالین در دنباله می‌گوید:

«برای این که چشمه‌ی حیات اقتصادی کشور به فوران آید و صنایع و کشاورزی محرکی برای رشد آینده‌ی محصول خود داشته باشند باید شرط دیگری را هم دارا بود که عبارت است از گردش دامنه‌دار کالا میان شهر و ده، میان شهرستان‌ها و استان‌ها و میان رشته‌های مختلف اقتصاد ملی.»^{۶۹}

رفیق استالین اشخاصی را که ارزش کافی برای تجارت شوروی قائل نبوده و یا این که نسبت به آن بی‌اعتنا بودند، به سختی مورد انتقاد قرار داده در این باره چنین می‌گوید:

«در صفوف قسمتی از کمونیست‌ها هنوز یک رویه‌ی بی‌اعتناء و حقارت‌آمیزی نسبت به تجارت عموماً و نسبت به تجارت شوروی خصوصاً حکمفرما است. این اشخاص به اصطلاح کمونیست تجارت شوروی را مانند یک امر درجه دوم و بی‌ارزش و کارکنان آن را اشخاص مفلوکی تلقی می‌نمایند... این اشخاص نمی‌فهمند که تجارت شوروی کار بلشویکی خودی ما است و کارکنان آن منجمله

۶۸ - همانجا ص ۳۹۰.

۶۹ - همانجا ص ۴۶۱.

فروشنندگان فقط در صورتی که درست و شرافتمندانه کار کنند، مروجین کار انقلابی و بلشویکی ما هستند.»^{۷۰}

این دستورات رفیق استالین اهمیت بزرگی برای تحکیم بازرگانی شوروی و بسط دامنه‌ی گردش کالا در کشور ما داشت. سرگی میرونوویچ کیروف نطاق هیجان‌آور انقلاب و محبوب حزب در گزارش خود راجع به فعالیت کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی که در شرف تشکیل هفدهمین کنگره‌ی حزب در لنینگراد ایراد نمود، سازمان‌دهنده‌ی بزرگ پیروزی‌های سوسیالیستی طبقه کارگر را چنین توصیف می‌نماید:

« رفقا! وقتی که از خدمات و موفقیت‌های حزب ما صحبت می‌شود نمی‌توان درباره‌ی سازمان‌دهنده‌ی بزرگ آن پیروزی‌های عظیمی که نصیب ما شده است سکوت اختیار کرد. منظور من رفیق استالین است.

من باید بگویم که این شخص واقعاً از هر حیث و به طور اکمل پیرو و ادامه‌دهنده‌ی آن چیز است که موجد عظیم‌الشان حزب ما که ده سال پیش وی را از دست داده‌ایم، برای ما باقی گذارده است. مجسم ساختن شخصیت عظیمی مانند استالین مشکل است. در سال‌های اخیر یعنی از آن روزی که ما بدون لنین کار می‌کنیم هیچ تحولی در کار ما، هیچ ابتکار کم و بیش مهم، هیچ شعار یا خط حرکتی در سیاست ما نیست که زاده‌ی فکر کس دیگری غیر از استالین باشد. حزب باید بداند که تمام کارهای اساسی طبق دستورات و بر حسب ابتکار و در تحت سرپرستی رفیق استالین انجام می‌شود. بزرگ‌ترین مسائل سیاست بین‌المللی طبق دستور استالین حل می‌شود و این موضوع تنها منحصر به مسائل بزرگ نیست، بلکه مسائلی هم که ممکن است درجه سوم یا حتی درجه دهم به شمار آید در صورت داشتن ارتباط با کارگران و دهقانان و کلیه زحمتکشان کشور ما، توجه او را جلب می‌نماید.

من باید بگویم که این موضوع نه تنها مربوط به ساختمان کلی سوسیالیسم است بلکه شامل مسائل جداگانه‌ی کار ما نیز می‌باشد. مثلاً اگر موضوع دفاع کشور ما را در نظر بگیریم باید با تأکید هر چه

تمامتر متذکر شویم که در کلیه‌ی موفقیت‌هایی که هم اکنون من از آنها سخن راندم ما کلاً و تمام و کمال مرهون استالین هستیم. اراده‌ی نیرومند و استعداد عظیم این شخص در امر تشکیلاتی، اجرای به‌مورد تحولات بزرگ تاریخی را که با ساختمان پیروزمندانه‌ی سوسیالیسم بستگی دارد، تأمین می‌کند. مثلاً شعارهای رفیق استالین: "باید کلخوزیان را مسطیع کرد"، "باید کلخوزها را بلشویکی کرد"، "باید بر تکنیک فایق آمد"، شش شرط تاریخی رفیق استالین تمام آن چه که در این مرحله از کار ما، هادی ساختمان سوسیالیسم می‌باشد ناشی از این شخص و آن چه که ما در دوره‌ی پنج‌ساله‌ی اول به دست آورده ایم، بر اساس دستورات وی بوده است. ^{۷۱}»

در اوایل سال ۱۹۳۴ فعالیت کنگره‌ی هفدهم حزب که به عنوان کنگره‌ی پیروزمندان وارد صفحات تاریخ شد، تحت نظر استالین جریان یافت. رفیق استالین ضمن گزارشی که در این کنگره درباره‌ی عملیات کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی داد، نتایج تاریخی پیروزمندی‌های حزب و مظفری‌های سوسیالیسم را در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جمع بندی نمود.

سیاست صنعتی کردن کشور، اشتراکی کردن سرتاسر کشاورزی و از میان بردن کولاک‌ها به عنوان طبقه‌ی خاص پیروزمند گردید. تعلیمات مربوط به امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور فاتح گردید. اصول سازمان سوسیالیستی در تمام اقتصادیات کشور یگانه نیروی حاکم شد و تمام اصول دیگر سازمانی در آن غرق گردید. کلخوزها به طور قطع و برای همیشه فاتح گردیدند.

ولی استالین گوشزد کرد که هنوز خیلی مانده است تا مبارزه پایان یابد. گو این که دشمنان مغلوب شده‌اند ولی بقایای ایدئولوژی آنها هنوز زنده است و غالباً اظهار وجود می‌نماید. احاطه‌ی سرمایه‌داری باقی است و بقایای سرمایه‌داری را در اذهان مردم احیا نموده و مورد استفاده قرار می‌دهد.

رفیق استالین به این موضوع اشاره کرد که بقایای سرمایه‌داری در رشته‌ی مسائل ملی بیش از سایر رشته‌ها در اذهان مردم باقی می‌ماند. وقتی که از رفیق استالین سؤال کردند که آیا کدام انحراف خطرناک تر است؟ - انحراف به سوی

۷۱ - س. م. کیروف، مقالات و نطق‌های منتخبه سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۱۲، سال ۱۹۳۹ ص ۶۱۰-۶۰۹، چاپ روسی.

ناسیونالیسم ولیکاروس یا انحراف به سوی ناسیونالیسم محلی؟ - رفیق استالین
جواب داد که در شرایط کنونی:

« مهم ترین خطر را انحرافی در بر دارد که مبارزه علیه آن قطع
گردیده و بدین طریق به آن امکان داده شده است که بزرگ شده و بدل
به خطری برای دولت بشود. »^{۷۲}

باید دائماً برای غلبه بر بقایای ایدئولوژی سرمایه‌داری در اذهان اشخاص
کار کرد، باید دائماً ایدئولوژی تمام جریانات مخالف لنینیسم را مورد انتقاد قرار
داد، باید به طور خستگی‌ناپذیری لنینیسم را تبلیغ نمود و سطح ایدئولوژی
اعضای حزب را بالا برد و زحمتکشان را طبق روح بین‌المللی تربیت کرد.
استالین با جدیت مخصوصی بالا بردن هوشیاری حزب را تاکید نموده اظهار
داشت:

« برای حزب نباید لالائی خواند، بلکه باید به هوشیاری آن
افزود. حزب را نباید خواب کرد، بلکه باید همیشه آن را حاضر به
جنگ نگه داشت. حزب را نباید خلع سلاح نمود، بلکه باید مسلح
ساخت. حزب را نمیتوان از حالت بسیج بیرون آورد بلکه باید برای
عملی ساختن دومین نقشه‌ی پنج ساله آن را مجهز نگه داشت. »^{۷۳}

در گزارش استالین برنامه‌ی صریحی برای کارهای آتی در رشته‌ی صنایع
کشاورزی، تجارت، حمل و نقل و برنامه‌ای برای کارهای تشکیلاتی (کادرها،
رسیدگی و بازرسی اجرا) داده شده بود، وظیفه‌ای تعیین گشت حاکی از "بالا
بردن سطح رهبری تشکیلاتی و رساندن آن به سطح رهبری سیاسی." در
گزارش استالین برنامه‌ای برای کار در رشته‌های معلمی، علوم، فرهنگ و
مبارزه‌ی ایدئولوژیک داده شده بود.

رفیق استالین ضمن گزارش خود راجع به سیاست خارجی اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی گفت که در جهان سرمایه‌داری بحران اقتصادی خروشان
است و یک عده از کشورها، مخصوصاً آلمان که فاشیست‌ها در آن به حکومت
رسیده‌اند، گرم آماده شدن برای جنگ هستند. در محیط این تشنجات اقتصادی و
اوضاع فلاکت بار نظامی و سیاسی، اتحاد شوروی همواره محکم و بدون تزلزل

۷۲ - ی. و. استالین، "مسائل لنینیسم"، ص ۴۷۴، چاپ ۱۱ روسی.

۷۳ - همانجا ص ۴۸۴.

در مواضع صلح جویانه‌ی خود ایستاده و با خطر جنگ مبارزه می‌کند و با پافشاری سیاست صلح را اجرا می‌نماید.
رفیق استالین گفت:

« سیاست خارجی ما روشن است و آن عبارت از حفظ صلح و تقویت مناسبات تجارتي با تمام کشورهاست. اتحاد جماهیر شوروی خیال تهدید کسی و به طریق اولی حمله به کسی را ندارد. ما خواهان صلح هستیم و از آن دفاع می‌نمائیم. ولی ما از تهدید هم هراسی نداریم و حاضریم به ضربه‌ی آتش افروزان جنگ، با ضربه جواب دهیم... و اما آنهایی که در صدد حمله به کشور ما برآیند، چنان ضربه در هم شکننده‌ای دریافت خواهند نمود که منبسط جسارت نکنند پوزه‌ی کثیف خود را به پستان شوروی ما فرو برند. »^{۷۴}

کنگره‌ی هفدهم، بنا به پیشنهاد س. م. کیروف گزارش رفیق استالین را به عنوان تصمیم کنگره و مانند قانون حزب و برنامه‌ی کار حزب در نزدیک‌ترین مرحله‌ی آتی پذیرفت. دومین نقشه‌ی پنج‌ساله‌ی بسط اقتصاد ملی نیز در کنگره تصویب شد.

۱۰

در نتیجه‌ی موفقیت‌هایی که خط مشی عمومی حزب احراز نمود صنایع و کشاورزی در کشور همواره رشد می‌نمود. دومین نقشه‌ی پنج‌ساله‌ی استالین در رشته‌ی صنایع برای ماه آوریل سال ۱۹۳۷، یعنی قبل از موعد مقرر در ظرف چهار سال و سه ماه انجام شد. پایان تجدید ساختمان صنایع و کشاورزی موجب شد که اقتصاد ملی ما با مترقی‌ترین تکنیک جهان تأمین گردد. صنایع ما دارای

۷۴ - ی. استالین، "مسائل لنینیسم"، چاپ ۱۱ روسی ص ۴۳۸.

مقدار هنگفتی ماشین و انواع دستگاه‌ها و ابزار تولید دیگر گردید. تراکتورها، کمباین‌ها و ماشین‌های مرکب درجه اول دیگر کشاورزی ساخت شوروی در دسترس اقتصاد روستائی ما گذارده شد. حمل و نقل دارای اتومبیل‌ها، لکوموتیوها، کشتی‌ها و هواپیماهای درجه اول گردید. ارتش سرخ با عالی‌ترین سلاح‌های فنی توپخانه، تانک، هواپیما و ناو جنگی مسلح گردید.

تمام این کار عظیم در رشته‌ی تجدید سلاح فنی اقتصاد ملی ما تحت سرپرستی مستقیم رفیق استالین انجام می‌شود. انواع ماشین‌های نوین، اکتشافات یا اختراعات بزرگ در تکنیک طبق دستورات مستقیم رفیق استالین در زندگی تعمیم داده شده و می‌شود. خود شخصاً در کلیه‌ی جزئیات کار تجدید ساختمان و صنایع و اقتصاد روستائی وارد بوده، کارگران و مهندسین، رؤسای بنگاه‌ها، شعبات و مخترعین و سازندگان را تشویق و تهییج می‌نماید. دقت مخصوص و آمیخته به عشق رفیق استالین متوجهی اشباع نمودن ارتش سرخ، نیروی دریائی و نیروی هوائی ما از لحاظ تکنیک می‌باشد که در نتیجه‌ی آن ارتش سرخ برای دشمنان سوسیالیسم بدل به نیروی مدهشی شد.

یکی از مهم‌ترین مسائل ساختمان سوسیالیسم که حزب با آن مواجه شد، این مسئله بود که جامعه‌ی شوروی کادرهائی از میان خود پرورش دهد و ملت شوروی و مقدم بر همه طبقه‌ی کارگر از خود دانشورانی به وجود آورد. رفیق استالین با استناد به دستورات لنین حاکی از این که انقلاب سوسیالیستی شرط اساسی ارتقای نیرومند فرهنگ توده‌های مردم است، برای مسئله نیروهای فرهنگی طبقه‌ی کارگر به منزله‌ی یکی از قاطع‌ترین مسائل ساختمان سوسیالیستی ارزش قائل شده، چنین می‌گوید:

« از بین تمام طبقات حاکمه‌ای که تا کنون وجود داشته‌اند طبقه‌ی کارگر به عنوان طبقه‌ی حاکمه در تاریخ وضعیت تا اندازه‌ای خاصی دارد که کاملاً هم وضع مساعدی نیست. کلیه‌ی طبقاتی که تا کنون حکمفرمائی کرده‌اند، یعنی برده‌داران، مالکین، سرمایه‌داران که علاوه بر حکمفرمائی‌شان طبقات ثروتمند نیز بوده‌اند، امکان داشتند به پسران خود معلومات و آداب و رسوم لازم را برای کشورداری بیاموزند. از جمله فرقی که طبقه‌ی کارگر با آنها دارد اینست که طبقه‌ی غیر ثروتمندی است و سابقاً امکان آن را نداشت به پسران خود معلومات و آداب و رسوم کشورداری را تعلیم دهد و چنین امکانی را

فقط حالا پس از رسیدن به حکومت به دست آورده است. حدت مسئله‌ی انقلاب فرهنگی در کشور ما ضمناً ناشی از این است.»^{۷۵}

مسئله‌ی کادرهای خودی زحمتکشان هنگامی برای ما دارای اهمیت مخصوص گردید که کشور ما از لحاظ تکنیک جدید به حد وفور اشباع شده و احتیاج مبرمی به وجود متخصصین فنی و افراد قابل‌ی که بتوانند به حد کافی برای سعادت کشور ما، از آن تکنیک استفاده نمایند، پیدا شد. تکنیک توانای نوین به اشخاصی احتیاج داشت که بتوانند بر آن مسلط شده بالاترین استفاده‌ی ممکنه را از آن بنمایند. می‌بایستی توجه کادرهای ما را جداً به سوی فرا گرفتن تکنیک نوین و به کار بردن تمام مساعی در امر پرورش کادرهای کثیری که بتوانند از این تکنیک حداکثر ثمر را به دست آورند منعطف نمود. در این زمینه سخنرانی استالین در جشن فارغ‌التحصیلان دانشگاه جنگ ارتش سرخ در ماه مه سال ۱۹۳۵ اهمیت شایانی داشت. رفیق استالین چنین گفت:

« برای آن که بتوان تکنیک را به حرکت آورد و تا آخرین نقطه‌ی امکان، مورد استفاده قرار داد، افرادی لازمند که به تکنیک تسلط یافته باشند، کادرهائی لازمند که بتوانند این تکنیک را فرا گیرند و با نهایت مهارت از آن استفاده نمایند. تکنیک بدون وجود اشخاصی که به آن مسلط شده باشند مرده‌ای بیش نیست. تکنیکی که در رأس آن اشخاصی مسلط قرار گرفته باشند می‌تواند و باید هم اعجاز کند. اگر در کارخانه‌ها و بنگاه‌های درجه اول ما، در سوخوزها و کلخوزی‌های ما، در نقلیه‌ی ما و در ارتش سرخ ما به حد کافی کادرهائی باشند که بتوانند به تکنیک مسلط گردند، ثمری که کشور ما از این تکنیک خواهد برد سه یا چهار برابر فعلی خواهد بود... بالاخره باید به این موضوع پی برد که از تمام سرمایه‌های ذیقیمت جهان ذیقیمت‌ترین و قطعی‌ترین سرمایه همانا افراد یعنی کادرها هستند. باید متوجه این نکته شد که در شرایط فعلی ما "کادرها حلال تمام مشکلاتند". اگر در صنایع، کشاورزی، حمل و نقل و ارتش ما عده زیادی کادر خوب

۷۵ - ی. و. استالین، "درباره‌ی کارهای پلنوم مشترک کمیته‌ی مرکزی و کمیسیون تفتیش مرکزی در ماه آوریل.

باشند کشور ما شکست ناپذیر خواهد بود ولی اگر چنین کادرهائی نباشند از دو پالنگ خواهیم بود.^{۷۶}»

بیانات رفیق استالین تکان شدیدی بود برای حل یکی از مهم ترین مسائل ساختمان سوسیالیستی یعنی موضوع کادرها. نیروی خلاقیت این دستورات پیشوای حزب فقط در این نبود که توجه تمام سازمان های حزبی و شوروی را متوجهی موضوع کادرها کرد، نیروی آن در این بود که انعکاس وسیعی بین توده ها یافت و شوق تازه ای برای کار برانگیخت.

بنا به ابتکار کارگران پیشرو نهضت استاخانی از اعماق توده ی کارگری عرض اندام نمود. این نهضت که در حوضه ی دنتس، در معادن ذغال سنگ آغاز شد، با سرعت عجیبی تمام کشور، تمام رشته های اقتصاد ملی را فرا گرفت. ده ها و صدها هزار نفر قهرمان برجسته ی کار، نمونه های نشان دادند از این که چگونه باید بر تکنیک مسلط شد و نیروی مولده ی کار سوسیالیستی را در صناعت حمل و نقل و اقتصاد روستائی بالا برد.

رفیق استالین در مقابل حزب و تمام کشور اهمیت عظیم تاریخی این نهضت نوین را روشن ساخت. رفیق استالین ضمن سخنرانی خود در ماه نوامبر ۱۹۳۵ در نخستین جلسه ی مشاوره ی استاخانوفیست های اتحاد شوروی اظهار داشت که این نهضت:

« نماینده ی رونق جدیدی در مسابقه ی سوسیالیستی است... اهمیت نهضت استاخانی در این است که آن چنان نهضتی است که میزان سابقه ی فنی تولید را به منزله ی میزان غیر مکفی در هم شکسته و در یک رشته از موارد، بازده کار را از کشورهای مترقی سرمایه داری بالاتر می برد و بدین طریق امکان عملی تحکیم آتی سوسیالیسم را در کشور ما و امکان بدل گشتن کشور ما را به یکی از مستطیع ترین کشورها فراهم می سازد.»^{۷۷}

رفیق استالین نشان داد که نهضت استاخانی راه را به طرف کمونیسم می گشاید و در این نهضت هسته ی آن غلیان فرهنگی - تکنیکی نهفته است که به محو تضاد بین کار فکری و جسمی می گردد.

۷۶ - گزارش در جلسه ی نمایندگان تشکیلات حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی در مسکو ۱۳ آوریل ۱۹۲۸ ص ۱۵ چاپ روسی. وی. و. استالین، «مسائل لنینیسم»، ص ۴۹۱-۴۹۰، چاپ ۱۱ روسی.

۷۷ - وی. و. استالین، «مسائل لنینیسم»، ص ۴۵۳-۴۹۴-۴۹۵، چاپ ۱۱ روسی.

رفیق استالین ضمن صحبت درباره‌ی آینده‌ی نهضت استاخانی نیروی عظیم و شکست‌ناپذیر ما را هویدا ساخته و چنین گفت:

« انقلاب ما یگانه انقلابی است که نه تنها زنجیرهای سرمایه‌داری را درهم شکسته و به ملت آزادی بخشید بلکه علاوه بر آن موفق شد موجبات رفاه مادی ملت را فراهم سازد. نیرو و شکست‌ناپذیر بودن انقلاب ما در همین است. »^{۷۸}

استالین مستقیماً کار جلسه‌ی مشاوره شرکت استاخانوفیست‌های اتحاد شوروی و سایر جلسات مشاوره‌ی پیشقدمان صنایع، حمل و نقل و کشاورزی را در کرمل رهبری می‌نمود. استالین به اتفاق استاخانوفیست‌های صنایع و نقلیه و رانندگان تراکتور و کمباین، شیردوشان و زنان قهرمان چغندرکار، جزئیات مسائل مربوط به تکنیک و تولید را در رشته‌های گوناگون اقتصاد ملی مورد مطالعه قرار می‌داد.

استالین در کرمل به اتفاق اعضای کمیته‌ی مرکزی و حکومت از عده زیادی نمایندگان جمهوری‌های سوسیالیستی برادر پذیرائی نمود. این پذیرائی نمایش درخشانی بود از دوستی سترگ ملت‌های شوروی که در سایه‌ی پیروی از سیاست ملی‌لنین - استالین به دست آمده است. استالین و هم‌زمانش به اتفاق کارگران و کلخوزی‌های پیشقدم بهترین تصمیمات را درباره‌ی بزرگ‌ترین مسائل ساختمان سوسیالیستی مورد بحث قرار می‌داد.

رفیق استالین ضمن سخنرانی خود در مجلس مشاوره استاخانوفیست‌ها گفت:

« لنین تعلیم می‌داد که فقط رهبرانی می‌توانند رهبر واقعی بلشویکی باشند که قادرند نه تنها به کارگران و دهقانان تعلیم بدهند، بلکه از آنها تعلیم نیز بگیرند. »

خود او از همان نخستین گام‌های فعالیت انقلابیش بهترین نمونه‌ی چنین ارتباطی را با توده‌ها نشان داد.

تجدید ساختمان سوسیالیستی کلیه‌ی اقتصاد ملی موجب تغییر اساسی در مناسبات طبقاتی کشور گردید. این موضوع ایجاب می‌کرد که در قانون اساسی مصوبه سال ۱۹۲۴ تغییراتی به عمل آید. بنا به ابتکار رفیق استالین کمیته‌ی

مرکزی حزب در هفتمین کنگره‌ی شوراهای اتحاد شوروی پیشنهاد نمود که قانون اساسی تغییر یابد.

کمیسیون مخصوص تنظیم قانون اساسی تحت ریاست رفیق استالین طرحی برای قانون اساسی جدید ریخت. این طرح طی پنج ماه و نیم در معرض مشاوره‌ی تمام ملت گذارده شد. در کشور ما گوشه‌ای نبود که زحمتکشان این بزرگ‌ترین سند تاریخی بشریت را مورد مطالعه و مشاوره قرار نداده باشند. تمام مردم شوروی با مسرت و سربلندی فوق‌العاده‌ای طرح قانون اساسی را تهنیت گفته و تأیید می‌نمودند.

رفیق استالین ضمن گزارشی که در کنگره‌ی فوق‌العاده هشتم شوراهای تاریخ ۲۵ نوامبر سال ۱۹۳۶ راجع به طرح قانون اساسی جدید ایراد نمود، لزوم این طرح را عمیقانه مستدل نمود و دگرگونی‌های عظیمی را که از زمان تصویب قانون اساسی سال ۱۹۲۴ در کشور ما رخ داده بود، مورد تشریح قرار داد. پیروزی سوسیالیسم امکان می‌داد که سیستم انتخابات بیش از پیش دموکراتیک شده و انتخابات همگانی، متساوی و مستقیم با رأی مخفی معمول گردد.

در قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کلیه‌ی پیروزی‌های سوسیالیسم تحکیم شده است. طبق این قانون اساسی جامعه‌ی شوروی عبارت است از دو طبقه‌ی دوست یعنی کارگران و دهقانان. شالوده‌ی سیاسی اتحاد شوروی را شوراهای نمایندگان زحمتکشان تشکیل می‌دهند. شالوده‌ی اقتصادی اتحاد شوروی، مالکیت سوسیالیستی بر وسایل تولید است. حق کار، استراحت، تحصیل، تأمین مادی در سن پیری و یا در صورت بیماری و یا از دست دادن توانائی کار برای تمام اتباع شوروی تأمین می‌شود. تساوی حقوق اتباع شوروی، بدون توجه به ملیت، نژاد و اعم از زن و مرد، حکم قانون تخلف‌ناپذیری را دارد. قانون اساسی به منظور تحکیم جامعه‌ی سوسیالیستی، آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات و میتینگ، حق متشکل شدن در سازمان‌های اجتماعی، مصونیت شخصی، مصونیت منازل و حفظ اسرار مکاتبه و حق پناهنده شدن اتباع خارجی را که به جرم دفاع از منافع رنجبران و یا فعالیت علمی و یا مبارزه در راه آزادی ملی مورد تعقیب قرار گرفته باشند، تضمین می‌کند. این حقوق و آزادی‌های عظیم زحمتکشان که در تاریخ نظیر ندارد، از لحاظ مادی و اقتصادی به وسیله‌ی تمام دستگاه اقتصاد سوسیالیستی که بحران، هرج و مرج و بیکاری در آن وجود ندارد، تأمین شده است.

این قانون اساسی در عین حال وظایف مهمی را نیز بر عهده‌ی کلیه اتباع می‌گذارد: رعایت قوانین، انضباط در کار، رویه‌ی شرافتمندانه نسبت به وظایف

اجتماعی، محترم شمردن قواعد زندگی اجتماعی سوسیالیستی و دفاع از میهن سوسیالیستی.

آنچه را که بهترین و پیشروترین عقلای بشر طی صدها سال آرزویش را داشتند، قانون اساسی اتحاد شوروی یعنی قانون اساسی سوسیالیسم فاتح و دموکراسی پر دامنه‌ی سوسیالیستی از جمله قوانین مسلم گردانید.

این قانون اساسی در هشتمین کنگره‌ی شوراهای مورخه پنجم دسامبر سال ۱۹۳۶ تأیید و تصویب گردید. ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یکدل و یک جهت قانون اساسی جدید را به افتخار موجودش، قانون اساسی استالینی نامیدند. این قانون برای زحمتکشان اتحاد شوروی نتیجه‌ی مبارزه‌ها و پیروزی‌ها و برای رنجبران تمام کشورهای سرمایه‌داری، برنامه سترگ مبارزه است. قانون اساسی این واقعیت تاریخی جهانی را که اتحاد شوروی پا به مرحله‌ی نوین تکامل و انجام ساختمان جامعه سوسیالیستی و انتقال تدریجی به مرحله کمونیسم گذارده است، مسلم ساخت. این قانون رنجبران تمام جهان را از حیث معنوی و سیاسی برای مبارزه با ارتجاع بورژوازی مسلح می‌سازد. این قانون نشان می‌دهد که آنچه در اتحاد جماهیر شوروی عملی شده است در سایر کشورها نیز می‌تواند عملی گردد.

استالین ضمن توصیف اهمیت بین‌المللی قانون اساسی اتحاد شوروی گفت:

« اکنون که موج گل‌آلود فاشیسم نهضت سوسیالیستی طبقه‌ی کارگر را لجن‌مال می‌کند و مساعی دموکراتیک بهترین افراد جهان متمدن را به گل می‌کشد، قانون اساسی جدید اتحاد شوروی ادعای خود را خواهد بود بر ضد فاشیسم حاکی از این که سوسیالیسم و دموکراسی مغلوب نشدنی است. قانون اساسی نوین اتحاد شوروی برای تمام آنهایی که بر ضد بربریت فاشیسم مبارزه می‌نمایند کمک معنوی و تکیه‌گاه واقعی خواهد بود. »^{۷۹}

پیروزی‌های سوسیالیسم که حزب به آن نائل شده، بیش از پیش موجبات هاری دشمنان ملت را فراهم می‌ساخت. در سال ۱۹۳۷ مدارک نوینی درباره‌ی جنایت پیشگان منتسب به دسته‌ی جاسوسان، زیان‌کاران و آدمکشان بوخارین - ترترسکی که در خدمت اداره‌ی جاسوسی کشورهای سرمایه‌داری بودند، کشف شد. جریان دادرسی ثابت کرد که این بدخواهان ضد بشر از همان نخستین روزهای انقلاب اکتبر، علیه‌ی لنین که در صدد بازداشتش بودند و علیه‌ی حزب و

۷۹ - همانجا ص ۵۳۴-۵۳۳.

دولت شوروی توطئه چیده بودند، آنها اراده‌ی ولی‌نعمت‌های امپریالیست خود را اجرا نموده و منظورشان انهدام حزب و دولت شوروی، لطمه زدن به دفاع کشور، تسهیل تجاوز مسلحانه از خارج، تهیه‌ی موجبات شکست ارتش سرخ، تجزیه‌ی اتحاد شوروی، تبدیل این کشور به مستعمره‌ی امپریالیسم و احیای بردگی سرمایه‌داری در اتحاد شوروی بود. حزب و حکومت شوروی این گزدم لانه‌ی دشمنان ملت را داغان نمودند. استالین در گزارش مورخه ماه مارس سال ۱۹۳۷ خود در جلسه‌ی عمومی کمیته‌ی مرکزی تحت عنوان "درباره‌ی نواقص کارهای حزبی" برنامه‌ی صریحی در قسمت تحکیم ارگان‌های حزبی و شوروی و اقدام برای بالا بردن هوشیاری سیاسی معین نمود و شعار داد که "باید بلشویسم را فرا گرفت". استالین حزب را برای مبارزه با دشمنان ملت مسلح ساخت و آموخت که چگونه باید نقاب از چهره‌ی آنان برداشت.

دادگاه شوروی تبهکاری‌های آنان را فاش و جنایت پیشگان دسته‌ی ترسکی و بوخارین را محکوم به اعدام نمود. ملت شوروی عمل قلع و قمع این دسته‌ی جنایت‌پیشه را تأیید نموده و به امور جاریه‌ی کشور یعنی به تهیه‌ی انتخابات شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پرداخت.

حزب، تحت رهبری کمیته‌ی مرکزی و رفیق استالین کارهای مقدماتی انتخابات را با وسعت تمام آغاز نمود. وضع قانون اساسی نوین موجب تحول زندگی سیاسی کشور شد و زندگی سیاسی بیش از پیش جنبه‌ی دموکراتیک به خود گرفت. سیستم جدید انتخابات باعث قوت یافتن فعالیت سیاسی و نظارت توده‌ها نسبت به مقامات حاکمه‌ی شوروی و افزایش مسئولیت این مقامات در پیشگاه مردم گردید. حزب تحت رهبری کمیته‌ی مرکزی و استالین، بر حسب وظایف نوین، شکل کار خود را تغییر داده و آن را با روح بسط دموکراسی در داخل حزب، تحکیم اصول مرکزیت دموکراتیک، بسط انتقاد و انتقاد از خود، افزایش مسئولیت مقامات حزبی در پیشگاه توده‌های حزبی مطابقت داد. ایده‌ی استالین راجع به ائتلاف کمونیست‌ها و غیره حزبی‌ها اساس فعالیت قبل از انتخابات حزبی قرار گرفت.

در یازدهم دسامبر سال ۱۹۳۷ یعنی در شرف آغاز انتخابات، استالین در حوزه‌ی انتخابیه به نام استالین در شهر مسکو نطقی ایراد کرد و ضمن آن فرق اساسی بین انتخابات اتحاد شوروی را که واقعاً دموکراتیک است با انتخابات کشورهای سرمایه‌داری که مردم در آن تحت فشار طبقات استثمارکننده قرار گرفته‌اند، تشریح نمود. در کشور ما یعنی اتحاد شوروی طبقات استثمارکننده از بین رفته، سوسیالیسم دیگر وارد زندگی شده و انتخابات بر روی این اساس به عمل می‌آید. سپس استالین توضیح داد که منتخبین مردم یعنی نمایندگان شورای عالی از چه نوع رجال سیاسی باید باشند. مردم باید بخواهند که این رجال

سیاسی از تیپ لنینی بوده و مانند لنین روشن و با صراحت و در مبارزات بیباک و از هر چیز که شبیه به سراسیمگی باشد دور باشند، نسبت به دشمنان خلق بی‌امان، در حل مسائل پیچیده‌ی سیاسی که باید اطراف و جوانب آن سنجیده شود با تدبیر و بدون شتاب و نسبت به خلق خود همان‌گونه دارای محبت و صداقت باشند که لنین بود.

تمام کشور سخنرانی پیشوای خردمند و نابغ‌های خود را استماع نمود. کلمات وی در اعماق قلوب زحمتکشان جای گرفت. نطق استالین اصول فعالیت منتخبین ملت را تعیین، مردم را تشویق و ائتلاف بین کمونیست‌ها و غیر حزبی‌ها را محکم نمود.

در تاریخ دوازدهم دسامبر انتخابات شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به عمل آمد. این انتخابات بدل به جشن عمومی و عید با شکوه مردم شوروی گشت. از نودوچهار میلیون نفر انتخاب‌کننده، نود و یک میلیون و اندی در رای دادن شرکت نمودند (۹۶/۸)، نود میلیون نفر با رأی یک دل و یک جهت خود به نفع نامزدهای ائتلاف کمونیست‌ها و غیر حزبی‌ها پیروزی سوسیالیسم را تأیید کردند. این پیروزی درخشان ائتلاف استالینی کمونیست‌ها و غیر حزبی‌ها مظفریت حزب لنین - استالین، مظفریت رهبری لنینی - استالینی بود.

در اینجا وحدت معنوی و سیاسی ملت شوروی به طور درخشان تأیید گردید. استالین نخستین منتخب ملت، اولین نماینده‌ی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است.

رشد فوق‌العاده فعالیت توده‌ها و وظایف عظیمی که در رشته‌ی ادامه ساختن سوسیالیستی در پیش بود، مسئله‌ی آبدیده کردن کادرهای ما را از حیث مسلکی و سیاسی بر زمینه تازه‌ای قرار داد.

رفیق استالین در یک سلسله از سخنرانی‌های خود موضوع فرا گرفتن بلشویسم را با قاطعیت هر چه تمامتر به عنوان وظیفه در مقابل ما قرار داد. رفیق استالین متذکر شد که ما برای حاضر نمودن کادرهای خود از حیث ایدئولوژی و آبدیده کردن آنها از حیث سیاسی تمام امکان‌ها و وسایل لازم را در دست داریم و نه دهم حل تمام وظایف عملی ما وابسته به همین موضوع است.

در سال ۱۹۳۸ کتاب "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی" که به خامه‌ی رفیق استالین نوشته شده و از طرف کمیسیون مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی تصویب گشته بود، منتشر شد.

انتشار این کتاب در زندگی مسلکی حزب بلشویک یکی از وقایع مهم بود. حزب، اسلحه‌ی نیرومند مسلکی جدید بلشویسم و در واقع دائرةالمعارفی از معلومات لازمه‌ی اساسی در رشته‌ی مارکسیسم - لنینیسم به دست آورد. در این

کتاب با روشنی و عمقی که مخصوص استالین است، تجربه‌ی تاریخی عظیم حزب کمونیست که هیچ یک از احزاب جهان نظیر آن را دارا نبوده و نیست بیان و تلخیص شده است. در "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی" ادامه‌ی انکشاف مارکسیسم در شرایط نوین مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا، مارکسیسم دوران امپریالیسم و انقلاب‌های پرولتاریائی یا مارکسیسم دوران پیروزی سوسیالیسم در یک ششم کره زمین نمایش داده شده است. طی مدت قلیلی نسخ بیشماری از این کتاب به مصرف رسید. رفیق آ. آ. ژدانف در کنگره‌ی هجدهم حزب اظهار نمود:

« باید آشکار گفت که طی تمام مدت موجودیت مارکسیسم این اولین کتاب مارکسیستی است که چنین انتشار وسیعی داشته است. »

در "تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی" در بخش "راجع به ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی" اصول ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی در کمال وضوح و فشردگی به طرز داهیهانه بیان شده است. در این اثر رفیق استالین آن چه را که مارکس، انگلس و لنین در تعلیمات مربوط به شیوه‌ی دیالکتیک و تئوری ماتریالیستی وارد کرده‌اند، خلاصه نموده و سپس این تعلیمات مربوط به ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی را بر روی بنیان تازه‌ترین اطلاعات دانش و عمل انقلابی بسط می‌دهد. رفیق استالین ماتریالیسم دیالکتیک را به منزله‌ی بنیان تئوری کمونیسم و جهان‌بینی حزب مارکسیستی - لنینی که طبقه‌ی کارگر را در مبارزه برای به دست آوردن دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان کمونیسم به اسلحه‌ی مسلکی مسلح می‌نمایند، بسط می‌دهد. در این اثر ارتباط داخلی موجود بین فلسفه‌ی مارکسیسم - لنینیسم و فعالیت عملی انقلابی حزب بلشویک با نیروی خاصی نشان داده شده است. استالین تعلیم می‌دهد که برای این که در سیاست اشتباه نشود باید اصول شیوه‌ی دیالکتیک مارکسیستی را رهنمون عمل قرار داد و به قوانین تکامل تاریخ واقف نمود.

اثر ی. و. استالین «راجع به ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی» یعنی اثری که به خامه‌ی استاد بی‌همتای شیوه‌ی دیالکتیک مارکسیستی نوشته شده و تجربه‌ی عظیم علمی و تئوریک بلشویسم را خلاصه می‌کند، ماتریالیسم دیالکتیک را به مدارج عالی نوینی ارتقا داده و نقطه‌ی واقعی اوج اندیشه‌ی فلسفه‌ی مارکسیست - لنینیست می‌باشد.

در ماه مارس سال ۱۹۳۹، استالین از فعالیت کنگره‌ی هجدهم حزب سرپرستی می‌کند. این کنگره نمایش عظیمی بود از اتفاق و یگانگی بی‌نظیر حزب که در اطراف کمیته‌ی مرکزی لنینی - استالینی متحد شده بود.

استالین در گزارش خود وضع بین‌المللی اتحاد شوروی را عمیقانه مورد تجزیه قرار داده و از روی نقشه‌های آتش‌افروزان جنگ و دخالت مسلحانه علیه اتحاد شوروی پرده برافکند. پنج سال از موقع تشکیل کنگره هجدهم حزب گذشته بود. برای کشورهای سرمایه‌داری این دوران خواه در رشته‌ی اقتصادی و خواه در رشته‌ی سیاسی، دوران دشواری‌های مهمی بود. از پس بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۲۹ و کساد نوع خاص، از نیمه دوم سال ۱۹۳۷ بحران اقتصادی نوینی روی داد که کشورهای متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و یک سلسله از کشورهای سرمایه‌داری دیگر را فرا گرفت. وخامت اوضاع بین‌المللی به منتهای درجه رسید، سیستم قراردادهای صلح بعد از جنگ دچار شکست شد و جنگ نوین یعنی دومین جنگ امپریالیستی آغاز گردید.

جنگ جدید را دو دولت عمده متجاوز امپریالیستی یعنی آلمان و ژاپن آغاز کردند. رفیق استالین خاطرنشان نمود که این جنگ متجاوز از ۵۰۰ میلیون نفوس را در مدار خود کشیده، حوزه‌ی عمل خود را در سرزمین‌های عظیمی از تیان تسین، شانگهای و کانتن تا حبشه و جبل‌الطارق بسط داده است. جنگ بیش از پیش به منافع کشورهای غیر متجاوز و قبل از همه انگلیس و فرانسه و ممالک متحده آمریکا لطمه وارد می‌نمود. ولی حکومت‌های این کشورها آن طوری که باید در مقابل متجاوزین مقاومت نشان نمی‌دادند. آنها از سیاست امنیت مشترک امتناع نمودند و موقعیت "بیطرفی"، موقعیت عدم مداخله را اختیار کردند. معنی سیاست عدم مداخله، چشم‌پوشی در مقابل تجاوز بود و جنگ را توسعه می‌داد. سلسله جنبانات "موافقتنامه‌ی مونیخ" کذائی یعنی زمامداران انگلیس و فرانسه، چمبرلن و دلایه می‌خواستند تجاوز فاشیزم آلمان را به طرف شرق بر ضد اتحاد شوروی متوجه سازند.

رفیق استالین از دسائس آتش‌افروزان جنگ علیه اتحاد شوروی که اظهار می‌کردند گویا گذشت‌هایی که در مونیخ به متجاوزان شده و موافقت‌نامه‌ی مونیخ درباره‌ی عدم مداخله، عصر جدید "صلح و مسالمتی" را آغاز می‌کند، پرده برانداخت و اخطار نمود که:

« بازی بزرگ و خطرناک سیاسی که توسط طرفداران سیاست
عدم مداخله شروع شده ممکن است به ناکامی جدی خود آنها پایان
یابد. »^{۸۰}

رفیق استالین با دوراندیشی فوق‌العاده‌ای تمام معضلات و وخامت اوضاع
بین‌المللی آن زمان را در پیشگاه حزب و ملت شوروی روشن ساخت و اصول
سیاست خارجی اتحاد شوروی را تعیین نمود. وی گفت:

« وظایف حزب در رشته‌ی سیاست خارجی از این قرار است:

- ۱- در آتیه نیز همواره سیاست صلح را تعقیب و مناسبات عملی
خود را با تمام کشورها تحکیم نماید.
- ۲- احتیاط را مراعات نموده و به پرووکاتورهای جنگ که
عادت کرده‌اند دیگران را آتش بیار خود کنند، امکان ندهد که کشور ما
را وارد این تصادمات نماید.
- ۳- با تمام وسائل نیروی جنگی ارتش سرخ و ناوگان سرخ ما را
تقویت نماید.
- ۳- روابط بین‌المللی مودت را با رنجبران تمام کشورها که
علاقمند به صلح و دوستی بین‌المللی می‌باشند، استوار سازد.^{۸۱}

رفیق استالین پس از این که پیشرفت‌ها و موفقیت‌های سوسیالیسم، رشد
اقتصاد سوسیالیستی، بالا رفتن سطح زندگی مادی و مدنی مردم و استقرار
روزافزون رژیم شوروی را تشریح کرد، وظیفه‌ی عظیم تاریخی نوینی در مقابل
حزب و تمام مردم قرار داد. باید تا ۱۵-۱۰ سال دیگر از حیث اقتصادیات، یعنی
از حیث تولید محصول سرانه به کشورهای عمده‌ی سرمایه‌داری رسید و بر آنها
سبقت جست.
رفیق استالین گفت:

« از حیث فن تولید و آهنگ رشد صنایع، ما از کشورهای
عمده‌ی سرمایه‌داری جلو افتاده‌ایم. البته این خیلی خوب است. ولی این
کافی نیست، باید از حیث اقتصادی نیز از آنها جلو بیافتیم. این کار را

۸۰ - همانجا ص ۵۷۲.

۸۱ - همانجا ص ۵۷۵-۵۷۴.

ما می‌توانیم بکنیم، فقط در صورتی که ما از حیث اقتصادی از کشورهای عمده‌ی سرمایه‌داری جلو بیفتیم. می‌توانیم امیدوار باشیم که کشور ما از کالاهای مصرفی کاملاً اشباع شده و ما فوراً محصول خواهیم داشت و امکان می‌یابیم که از نخستین مرحله‌ی کمونیسم به مرحله‌ی دوم آن قدم گذاریم.^{۸۲}»

یکی از مهمترین وظایفی که رفیق استالین ضمن گزارش خود در مرکز دقت حزب قرار داد عبارت بود از برنامه‌ی مکمل بلشویکی راجع به پرورش، تعلیم، انتخاب، به کار گماشتن و بررسی کادرهای مستدل به اصول علمی بود. ضمن توصیف راهی که حزب در مدت بین هفدهمین و هجدهمین کنگره پیموده است رفیق استالین اظهار داشت:

« نتیجه عمده‌ای که به دست آمد عبارت از این است که طبقه‌ی کارگر کشور ما پس از نابود ساختن استثمار فرد از فرد و تأیید رژیم سوسیالیستی، حقانیت کار خود را به تمام جهان ثابت کرد. این نتیجه‌ی عمده است زیرا اعتماد به نیروی طبقه‌ی کارگر و ناگزیر بودن پیروزی نهائی آن را محکم می‌کند.^{۸۳}»

گزارش استالین در کنگره‌ی هجدهم حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی، جنبه‌ی سند برنامه‌ای کمونیسم را به خود گرفت و قدم دیگری بود که در قسمت انکشاف تئوری مارکس - لنین به پیش برداشته می‌شد. استالین تئوری انقلاب سوسیالیستی لنین را باز هم بسط داد و تئوری امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور را تصریح نموده و به این نتیجه رسید که ساختمان کمونیسم در کشور ما حتی در صورتی که احاطه‌ی سرمایه‌داری باقی بماند ممکن است. این استنتاج رفیق استالین لنینیسم را غنی‌تر می‌کند، اسلحه‌ی مسلکی نوینی به دست طبقه‌ی کارگر می‌دهد، دورنمای وسیعی را برای مبارزه در راه پیروزی کمونیسم جلوی حزب باز می‌کند و تئوری مارکسیستی و لنینی را به جلو سوق می‌دهد.

لنین اثر مشهور خود "دولت و انقلاب" را در ماه اوت سال ۱۹۱۷ یعنی چند ماه قبل از انقلاب اکتبر و ایجاد دولت شوروی نوشت. لنین در این کتاب خود تعلیمات مارکس و انگلس را درباره‌ی دولت از تحریفات و آرایش‌های اپورتونیست‌ها مصون داشت. لنین در صدد بود قسمت دوم کتاب "دولت و

۸۲ - همانجا ص ۵۷۹-۵۷۸.

۸۳ - همانجا ص ۶۱۰.

انقلاب" را بنویسد و در آنجا نتایج عمده‌ای را که از تجربه‌ی انقلاب سال ۱۹۰۵ و سال ۱۹۱۷ بدست آمده است خلاصه کند. ولی مرگ مانع انجام این مقصود گردید. اما آن چه را که لنین درباره‌ی مسائل مربوط به تئوری دولت فرصت انجامش را نیافت، استالین به انجام رساند!

رفیق استالین با اتکا به تجربه‌ی عظیمی که در نتیجه‌ی بیش از بیست سال عمر دولت شوروی سوسیالیستی در شرایط احاطه‌ی سرمایه‌داری به دست آمده بود، تعلیمات جامع و کاملی راجع به تکامل دولت سوسیالیستی و تغییر یافتن وظایف آن را به مناسبت تغییر در اوضاع و احوال مبسوطاً تحت تجزیه و تحلیل درآورده، تمام تجربه‌ی ساختمان دولت شوروی را تلخیص کرده، به این نتیجه می‌رسد که در مرحله‌ی کمونیسم هم چنان چه احاطه‌ی سرمایه‌داری باز وجود داشته باشد، دولت باید حفظ شود.

استالین جداً خاطر نشان نمود که چه اهمیت و معنی عظیمی باید برای کار تبلیغاتی حزبی و پرورش مارکسیستی - لنینیستی کارکنان دستگاه حزبی، کارکنان کومسومول، اتحادیه‌های کارگری، کنوپراتیوهای بازرگانی، سازمان‌های اقتصادی، شوروی، فرهنگی، نظامی و سازمان‌های دیگر قائل بود. وی گفت:

« اگر کار پرورش مارکسیستی - لنینی کادرهای ما، رو به نقصان گذارد، اگر کار ما در قسمت بالا بردن سطح معلومات سیاسی و تئوریک این کادرها سست شود و بدین سبب خود کادرها هم علاقمندی خود را نسبت به دورنمای پیشرفت نهضت ما از دست بدهند، برحق بودن کار ما را درک نکنند و بدل به کارچاق‌کن‌های بی‌هدفی بشوند که کورکورانه و مانند ماشین دستورات مافوق را اجرا نمایند، آن وقت به طور حتم تمام کارهای دولتی و حزبی ما نقصان خواهد یافت. باید این را به عنوان یک قاعده‌ی مسلم قبول کرد که هر قدر سطح معلومات سیاسی و آگاهی مارکسیستی - لنینی کارکنان در رشته‌های مختلف کارهای دولتی و حزبی بالاتر باشد، همان قدر خود آن کار عالی‌تر و پرثمرتر و نتیجه‌ی آن موثرتر خواهد بود و برعکس هر قدر سطح معلومات سیاسی و آگاهی مارکسیستی - لنینی کارمندان پایین‌تر باشد، همان قدر احتمال اختلال و عدم موفقیت در کار، احتمال کوچک شدن و انحطاط خود کارمندان تا مقام کارچاق‌کنان ریزه خوار و احتمال قلب ماهیت آنها بیشتر خواهد بود. با اطمینان میتوان گفت که اگر ما می‌توانستیم آمادگی ایدئولوژیک کادرهای مان را در تمام رشته‌های کار تأمین نمائیم و آنها را آن اندازه از حیث سیاسی آبدیده

کنیم که به آسانی بتوانند از اوضاع داخلی و بین‌المللی سر در بیاورند و اگر ما می‌توانستیم آنها را به مارکسیست - لنینیست‌های کاملاً رسیده‌ای بدل نمائیم که توانائی داشته باشند بدون اشتباهات جدی مسائل مربوط به اداره‌ی امور کشور را حل کنند، آن وقت ما به اتکا مدارک کامل می‌توانستیم نه دهم تمام مسائل خود را حل شده بدانیم و این وظیفه را هم ما بدون شک می‌توانیم عملی کنیم، زیرا تمام وسایل و امکان‌های لازم برای حل آن را در دست داریم.^{۸۴}»

استالین سپس گفت:

« یک رشته‌ی از علم وجود دارد که تحصیل آن برای بلشویک‌های تمام رشته‌های علوم باید حتمی باشد و آن علم مارکسیستی - لنینیستی راجع به قوانین اجتماع، تکامل اجتماع، قوانین تکامل انقلاب پرولتاریائی، قوانین تکامل ساختمان سوسیالیستی و پیروزی کمونیسم است، زیرا ممکن نیست شخصی که نام خود را لنینیست گذارده، در تخصص خود مثلاً در ریاضی، نبات‌شناسی یا شیمی محدود مانده باشد و هیچ چیز را دورتر از حدود تخصص خود نبیند، لنینیست حقیقی نامید. لنینیست نمی‌تواند فقط متخصص علم مورد علاقه‌ی خود باشد، او علاوه بر تخصص خود باید مرد سیاسی و اجتماعی باشد، به سرنوشت کشور خود جداً علاقه داشته باشد، از قوانین تکامل اجتماع مطلع باشد، بتواند از این قوانین استفاده کند و کوشش داشته باشد که در اداره‌ی امور سیاسی کشور فعالانه شرکت کند. البته این یک سر بار اضافی برای بلشویک‌های متخصص خواهد بود. ولی سر باری خواهد بود که اجرش با سود اضافی پرداخت می‌شود.

وظیفه‌ی تبلیغات حزبی، وظیفه‌ی پرورش مارکسیستی - لنینیستی کادرها عبارت از اینست که به کادرهای خود در تمام رشته‌های کار کمک کنیم تا علم مارکسیستی - لنینیستی را در موضوع قوانین تکامل اجتماع فرا گیرند^{۸۵}»

گزارش رفیق استالین در کنگره‌ی هجدهم حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی، برنامه‌ی پایان دادن به ساختمان جامعه‌ی بدون طبقات

۸۴ - همانجا ص ۵۹۸.

۸۵ - همانجا ص ۵۹۸-۵۹۹.

سوسیالیستی و انتقال تدریجی از مرحله‌ی سوسیالیسم به مرحله‌ی کمونیسم است. کنگره‌ی بلشویک‌ها به اتفاق آراء، این گزارش پیشوای خود را تأیید و گزارش نامبرده را به عنوان دستور و قانون که فعالیت حزب می‌بایستی مبتنی به آن گردد، تصویب نمود.

گزارش رفیق استالین در کنگره‌ی هجدهم حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی نمونه‌ی درخشانی است از پیش‌بینی علمی مارکسیستی - لنینیستی در رشته‌ی مناسبات بین‌المللی. دستورات مدبرانه استالین راجع به وظایف سیاست خارجی ما و مهارت استالین در امر رهبری، پیروزی‌های عظیم سیاست خارجی اتحاد شوروی را تأمین نمود و به اهمیت اتحاد شوروی به منزله‌ی یک نیروی جدی بین‌المللی که میتواند در چگونگی اوضاع بین‌المللی تأثیر داشته و آن را به نفع زحمتکشان تغییر دهد، بیش از پیش افزود. حکومت شوروی با پیروی از دستورات رفیق استالین، نقشه‌های محیلانه‌ی آتش‌افروزان جنگ را که دوست دارند دیگران آتش بیار آنها باشند برهم زده و فعالیت مسالمت‌آمیز ملل اتحاد شوروی را تأمین نمود. اتحاد شوروی با انعقاد قرارداد راجع به کمک متقابل با کشورهای کرانه‌ی بالتیک، استحکام بین‌المللی خود را بی‌اندازه افزایش داد.

دولت شوروی می‌کوشید تا از وسعت بعدی دامنه‌ی جنگ جلوگیری نماید و برای اجرای سیاست امنیت دستجمعی مبارزه می‌نمود. ولی این سیاست از طرف محافل حاکمه‌ی انگلیس و فرانسه پشتیبانی نشد. سیاست عدم مداخله‌ی مونیخ برای ملل کشورهای غیرمتجاوز گران تمام شد. در همان ماه مارس ۱۹۳۹ آلمان هیتلری با استفاده از اغماض دیپلوماسی انگلیس و فرانسه کشور چکسلواکی را اشغال نمود. به زودی تعرض متجاوزین آلمانی به کشورهای اروپای خاوری آغاز گردید. ژاپن امپریالیستی، متفق آلمان در خاور دور نیز به فعالیت افتاد. در ماه مه ۱۹۳۹ ژاپن در مرز جمهوری ملی مغولستان به عملیات تحریک‌آمیز چندی پرداخت ولی در ناحیه خالچین گُل لشکریان ژاپن و منچوری توسط قسمت‌های ارتش سرخ شکست خوردند.

دیپلوماسی انگلیس و فرانسه نسبت به اتحاد شوروی سیاست ناشرافتمندانه‌ای را تعقیب نموده، به وسائل گوناگون مذاکرات با اتحاد شوروی را درباره‌ی تشکیل مقاومت دستجمعی در مقابل متجاوز احتمالی به درازا کشانده، برای انعقاد قرارداد شرایطی را به اتحاد شوروی پیشنهاد می‌نمودند که آشکارا غیرقابل قبول بود.

وقتی حکومت شوروی عدم تمایل حکومت‌های انگلیس و فرانسه را به همکاری با خود در مبارزه برای صلح دید، مجبور شد برای تأمین امنیت ما اقدام نماید.

در ماه اوت ۱۹۳۹ دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با آلمان معاهده‌ی عدم تجاوز بست. این معاهده همان طور که رفیق استالین بعداً به آن اشاره کرد، نه بطور مستقیم و نه بطور غیر مستقیم به تمامیت کشور و استقلال و شرافت دولت ما لطمه وارد نمی‌نمود، ولی صلح را برای کشور شوروی در زمان بلافاصله نزدیک تأمین می‌نمود و امکان می‌داد که اتحاد شوروی در صورتی که مورد حمله قرار گیرد قوای خود را برای مقاومت آماده کرده باشد. طبق دستورات رفیق استالین راجع به لزوم نگهداری کشور در حالت بسیج و آمادگی در صورت حمله مسلحانه از خارج، حزب بلشویک در عرض مدت مدیدی دایماً و بدون تعلل تهیه و تدارک همه جانبه‌ای برای دفاع جدی اتحاد شوروی می‌دید. در نتیجه‌ی اجرای سیاست صنعتی ساختن کشور و اشتراکی کردن کشاورزی در سال‌های نقشه‌های پنج ساله‌ی استالینی پایه‌ی اقتصادی نیرومند ایجاد شده بود که می‌توانست برای دفاع جدی کشور ما مورد استفاده قرار گیرد.

این سیاست حزب، امکان داد که در کشور به اندازه‌ی کافی فلز برای ساختن تسلیحات، ساز و برگ و ماشین‌آلات جهت بنگاه‌ها، سوخت برای تأمین کار بنگاه‌های صنعتی و حمل و نقل، پنبه برای تهیه پوشاک نظامی و نان برای مصرف ارتش تولید گردد.

در نتیجه‌ی سیاست صنعتی کردن کشور و اشتراکی کردن کشاورزی مقدار تولید در اتحاد شوروی طی سال ۱۹۴۰ عبارت بود از پانزده میلیون تن چدن، یعنی تقریباً ۴ برابر تولید چدن در روسیه تزاری سال ۱۹۱۳، هجده میلیون و سیصد هزار تن فولاد یعنی ۴٫۵ برابر تولید سال ۱۹۱۳، ۱۶۶ میلیون تن زغال سنگ یعنی ۵٫۵ برابر تولید سال ۱۹۱۳، ۳۱ میلیون تن نفت یعنی ۳٫۵ برابر تولید سال ۱۹۱۳، ۳۸ میلیون و ۳۰۰ هزار تن غله کالا یعنی ۱۷ میلیون تن بیش از سال ۱۹۱۳، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن پنبه خام یعنی ۳٫۵ برابر بیش از سال ۱۹۱۳.

رفیق استالین می‌گوید:

«چنین رشد بی‌سابقه‌ی تولید را نمیتوان یک رشد ساده و معمولی کشور از حالت عقب‌ماندگی به حالت پیشروی محسوب نمود. این جهشی بود که به کمک آن میهن ما از کشور عقب‌مانده به کشور مترقی یعنی از کشاورزی به صنعتی بدل شد.»^{۸۶}

۸۶ - ی. و. استالین، نطق در جلسه‌ی پیش از انتخاباتی انتخاب‌کنندگان حوزه‌ی انتخابیه استالین در شهر مسکو، مورخه ۹ فوریه سال ۱۹۴۶، ص ۱۵.

در پائیز سال ۱۹۳۹ بنا به ابتکار رفیق استالین برادران همخون ما، ملل اوکرائین غربی، بلوروسی غربی از زیر یوغ ملاکین لهستان آزاد شدند و این ملل نیز خانواده‌ی متحد و برادر ملل آزاد اتحاد شوروی گردیدند. کمی بعد جمهوری‌های شوروی ساحل بالتیک لیتوانی لتونی، استونی به جرگه جمهوری‌های اتحاد شوروی عودت داده شدند.

۲۰ دسامبر سال ۱۹۳۹، بنا به فرمان هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به رفیق استالین به مناسبت شصتمین سال تولد و به پاس خدمات فوق‌العاده‌ی وی در کار سازمان دادن حزب بلشویک و ایجاد دولت شوروی در راه ساختمان جامعه‌ی سوسیالیستی در اتحاد شوروی و تحکیم دوستی بین ملل اتحاد شوروی لقب قهرمان کار سوسیالیستی داده شد.

۲۲ دسامبر ۱۹۳۹ رفیق استالین به عضویت افتخاری فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی انتخاب گردید.

۲۰-۱۵ فوریه سال ۱۹۴۱ هجدهمین کنفرانس همگانی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی تشکیل شد. کنفرانس مسائل راجع به وظایف سازمان‌های حزبی را در رشته‌ی صنایع و حمل و نقل و نتایج اقتصادی سال ۱۹۴۰ و نقشه‌ی تکامل اقتصاد ملی اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۱ و هم چنین مسائل تشکیلاتی را مورد بررسی قرار داد.

کنفرانس با پیروی از دستورات رفیق استالین، جریان خود را زیر شعار روزافزون قدرت دفاعی شوروی طی نمود.

بنا به ابتکار رفیق استالین، کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی و حکومت شوروی بر طبق تصمیمات کنگره‌ی هجدهم حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی به کمیسیون تهیه‌ی نقشه‌های دولتی دستور دادند که به تنظیم نقشه‌ی کل اقتصادی اتحاد شوروی برای ۱۵ سال بپردازد. این نقشه برای حل مسئله‌ی سبقت اقتصادیات کشور بر کشورهای عمده‌ی سرمایه‌داری یعنی ازدیاد تولید سرانه‌ی چدن، فولاد، سوخت، انرژی برق، ماشین و دیگر وسایل تولیدی و اشیای مورد مصرف حساب شده بود.

۶ ماه مه ۱۹۴۱ ی. استالین بنا به فرمان هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی به ریاست شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی تعیین شد.

مردم شوروی در تحت راهنمایی استالین کبیر به طرف پیروزی‌های جدید، به طرف کمونیسم پیش می‌رفتند، ولی کار خلاقه و آرام ملت شوروی را جنگی که در نتیجه‌ی حمله‌ی آلمان به اتحاد جماهیر شوروی در ماه ژوئن سال ۱۹۴۱ آغاز گردید، بهم زد.

۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ آلمان امپریالیستی هیتلری وقیحانه پیمان عدم تجاوز را نقض و به طور ناگهانی و عهد شکنانه به اتحاد شوروی حمله نمود. جنگ در تکامل کشور شوروی به منزله‌ی نقطه‌ی برگشتی شد. دوران ساختمان آرام به پایان رسید. دوران جنگ آزادیبخش میهنی ملت شوروی بر ضد غاصبین آلمانی آغاز گردید.

هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی و شورای کمیسرها‌ی ملی اتحاد شوروی در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۴۱ به منظور بسیج سریع تمام نیروهای ملل اتحاد شوروی برای دفع دشمن، تصمیم به ایجاد یک کمیته‌ی دولتی دفاع گرفتند که کلیه اقتدار در کشور در دست آن متمرکز می‌گشت. یوسف ویساریونویچ استالین به ریاست کمیته‌ی دولتی دفاع منصوب شد.

پیشوا و معلم زحمتکشان رفیق استالین در رأس نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار گرفت و مبارزه‌ی مردم شوروی را علیه دشمن جانی و مکار یعنی فاشیسم آلمان تحت سرپرستی خود گرفت.

آلمان هیتلری جنگ غارتگرانه و غاصبانه‌ی خود را علیه اتحاد شوروی در شرایط مساعدی برای خود شروع نمود. ارتش آلمان در این موقع دیگر به طور کامل بسیج شده و اجد تجربیات جنگی در اروپای غربی بود. ۱۷۰ لشکر آلمانی مجهز با هزاران تانک و هواپیما به مرزهای اتحاد جماهیر شوروی نزدیک شده و غفلتاً به کشور شوراها حمله‌ور شدند. نیروهای مسلح اتحاد شوروی صلح دوست در اوایل جنگ با وضعیت نا مساعدی روبرو بودند. ارتش شوروی تحت فشار نیرو و برتری تکنیک دشمن که از مزیت غافلگیری حمله‌ی خود استفاده کرده بود مجبور بود رزمکنان به عمق کشور عقب‌نشینی نماید.

نیروهای هیتلری در عرض ده روز اول جنگ موفق شدند لیتوانی، قسمت عمده لتونی، قسمت غربی بلوروسی، قسمتی از اوکراین باختری را اشغال نمایند. اتحاد شوروی در معرض خطر جدی قرار گرفت.

در سوم ژوئیه سال ۱۹۴۱ رفیق استالین به وسیله‌ی رادیو خطاب به ملت شوروی، جنگ آوران ارتش سرخ و ناوگان دریائی نظامی نطقی ایراد نمود. در این نطق تاریخی رفیق استالین حوادث جاریه را عمیقاً تجزیه نموده و وظایف ارتش و مردم را در دفاع از میهن‌پرستی سوسیالیستی معین نمود.

رفیق استالین حوادث ناگوار اوضاع جنگ را تشریح کرده مردم شوروی را دعوت نمود به خطر عظیمی که میهن را تهدید می‌نماید پی برند و وضع روحی مخصوص به ساختمان دوره صلح را دور افکنند. رفیق استالین گوشزد نمود که در بین مردم شوروی آرامش خاطر، لایبالی‌گری و ترس در مبارزه نباید وجود داشته باشد. و نباید جایی برای نق‌نق‌کنندگان، دهشت‌اندازان و فراریان وجود داشته باشد.

رفیق استالین منظور جنگی را که توسط آلمان هیتلری بر ضد اتحاد جماهیر شوروی برپا شده بود چنین تشریح کرد:

« دشمن شقی و بی‌رحم است. هدف وی غصب زمین‌های ما است که با عرق جبین آبیاری شده است، غصب نان و نفت ماست که با کدیمین به دست آمده است. هدف وی تجدید حکومت ملاکین، تجدید تزاریسیم، ویران ساختن تمدن ملی و دولت‌های ملی روس‌ها، اوکرائینی‌ها، بلوروس‌ها، لیتوانی‌ها، لتونی‌ها، استونی‌ها، ازبک‌ها، تاتارها، مولداوها، گرجی‌ها، ارمنی‌ها، آذربایجانی‌ها و سایر ملت‌های آزاد اتحاد شوروی، ژرمینیزه کردن و تبدیل آنها به غلامان شاهزادگان و بارون‌های آلمان است. لذا مطلب بر سر حیات و ممات دولت شوروی و حیات و ممات ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است، بر سر آنست که ملل اتحاد شوروی آزاد باشند یا به اسارت در آیند. »^{۸۷}

رفیق استالین ضمن تعیین هدف جنگ اتحاد شوروی بر ضد آلمان فاشیست تذکر داد که این جنگ کبیر تمام مردم شوروی بر ضد نیروی فاشیست آلمانیست. هدف این جنگ میهنی تمام خلق نه فقط از بین بردن خطر فاشیست که بر فراز کشور ما بال گشوده است بلکه کمک به تمام ملت‌های اروپاست که در زیر یوغ فاشیسم آلمانی ناله می‌کند.

رفیق استالین و خشورانه پیش‌بینی می‌کند که مردم شوروی در این جنگ آزادی‌بخش تنها نخواهد بود.

«جنگی که ما در راه آزادی میهن مان می‌کنیم با مبارزه‌ای که ملل اروپا و آمریکا در راه استقلال و آزادی‌های دموکراسی خود می‌کنند توأم خواهد شد. این یک جبهه‌ی واحد ملی خواهد بود که

۸۷ - ی. استالین، "راجع به جنگ میهنی اتحاد شوروی"، ص ۱۳، چاپ ۵.

جانبدار آزادی و بر ضد اسارت و تهدید به اسارت از طرف ارتش‌های فاشیستی هیتلر می‌باشد. ^{۸۸}»

زندگی این پیش‌بینی رفیق استالین را تأیید کرد. ۱۲ ژوئیه سال ۱۹۴۱ انگلستان با اتحاد شوروی "موافقتنامه‌ای راجع به عملیات مشترک در جنگ بر ضد آلمان" منعقد نمود. سپس (ژوئن سال ۱۹۴۲) ایالات متحده امریکا با اتحاد جماهیر شوروی "موافقتنامه‌ای راجع به اصول مربوط به اجرای تعاون مشترک در جنگ علیه تجاوز" امضا کرد. بدین طریق ائتلاف انگلیس - شوروی - امریکا به وجود آمد که هدف خود را درهم شکستن ائتلاف ایتالیا و آلمان قرار داد.

رفیق استالین از مردم شوروی دعوت نمود که در تمام کارهای خویش سازمانی جدید هماهنگ با امور جنگی بدهند و هر چیز را تابع منافع جبهه و وظایف مربوط به تهیهی وسائل درهم شکستن دشمن نمایند. ارتش سرخ و نیروی دریائی و تمام مردم شوروی باید از هر وجب خاک شوروی دفاع نموده تا آخرین قطره‌ی خون خود برای هر شهر و قصبه نبرد نمایند. رفیق استالین لزوم تشکیل هرگونه کمک به ارتش سرخ، محکم نمودن پشت جبهه‌ی آن، تأمین ارتش از لحاظ تسلیحات، مهمات و آذوقه را خاطر نشان نمود.

رفیق استالین دستور داد که در حین عقب‌نشینی اجباری قسمت‌های ارتش سرخ، حتی یک لکوموتیو، یک واگن، یک کیلو نان و حتی یک لیتر سوخت هم برای دشمن باقی گذاشته نشود. رفیق استالین دعوت نمود که دستجات پارتیزان تشکیل شود و جنگ‌های پارتیزانی در پشت جبهه‌ی دشمن با عملیات جنگی ارتش سرخ توأم گردد.

« تمام نیروی ملت برای درهم شکستن دشمن! در راه پیروزی ما به پیش! »

اینها از کلمات رفیق استالین بود. بنا به دعوت حزب تمام ملت‌های اتحاد شوروی برای دفاع از میهن قیام نمودند.

کلیه‌ی رشته‌های اقتصاد ملی، سازمان‌های حزبی، دولتی و اجتماعی، هماهنگ با جنگ، برای تأمین احتیاجات جبهه، به سرعت و به طرزی قطعی تغییر ساختمان یافت. جبهه و پشت جبهه به اردوگاه جنگی واحد و لایتجزائی

بدل شد. مردم شوروی بیش از هر موقع دیگر در پیرامون حزب بلشویک و دولت متحد و مجتمع شدند.

در مدت کوتاهی تمام صنایع به کار تولید محصولات تدافعی پرداخت. هزاران بنگاه صنعتی از نواحی که تحت تهدید دشمن بود به عقب جبهه منتقل گردید و در آنجا کار خود را ادامه می‌داد. در نواحی خاوری کشور ساختمان بنگاه‌های جدید صنعتی مهم دارای اهمیت تدافعی موفقانه توسعه می‌یافت. کمک‌های تازه نفس به ارتش سرخ می‌پیوست. در شهرها و استان‌های نزدیک خطوط جبهه هنگ‌های چریک تشکیل می‌شد. در اراضی شوروی که موقتاً از طرف دشمن اشغال شده بود از همان روزهای آغاز جنگ، انتقام‌جویان ملی یعنی پارتیزان‌های شوروی به عمل پرداختند.

۱۹ ژوئیه ۱۹۴۱ هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی استالین را به سمت کمیسر ملی دفاع اتحاد شوروی تعیین نمود. رفیق استالین برای تحکیم نیروهای مسلح شوروی فعالیت عظیمی انجام می‌دهد. تحت رهبری رفیق استالین ارتش شوروی تاکتیک دفاع فعال را به کار می‌برد که هدفش از پای درآوردن حریف و به حد اکثر نابود کردن نیروی زنده و تکنیک جنگی او و تهیه‌ی شرایط شروع به حمله بود. و فرماندهی هیتلری که حسابش درهم شکستن برق‌آسای اتحاد شوروی و تصرف سریع مسکو و لنینگراد بود، بدون در نظر گرفتن تلفات هنگفت افراد و تکنیک ارتش آلمان نیروهای احتیاط خود را به جبهه‌ی شوروی و آلمان می‌ریخت. آلمانی‌ها در ماه اکتبر با دادن تلفات هنگفتی موفق شدند به حدود استان مسکو رخنه نمایند.

وضع‌ی ایجاد شد که طی تمام مدت عملیات جنگی سال ۱۹۴۱ خطرناک‌ترین وضع بود. مسکو در معرض خطر مهلکی قرار گرفت. در ۱۹ اکتبر سال ۱۹۴۱ تصویب نامه‌ای به امضای رئیس کمیته دولتی دفاع، رفیق استالین راجع به اعلام حکومت نظامی در مسکو منتشر گشت. نقشه‌ی دفاع از پایتخت و درهم شکستن نیروهای آلمانی در پشت دروازه‌های مسکو توسط رفیق استالین تنظیم شد و به طور مشعشعی صورت عمل به خود گرفت.

دشمن به دروازه‌های مسکو رسیده بود. با وجود این در ششم نوامبر سال ۱۹۴۱، به مناسبت جشن بیست و چهارمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به رسم معمول جلسه‌ی با شکوه شورای نمایندگان زحمتکشان به اتفاق سازمان‌های حزبی و اجتماعی شهر مسکو تشکیل گردید. در این جلسه رفیق استالین گزارش داد. رفیق استالین در گزارش خود نتایج چهار ماهه‌ی جنگ را جمع‌بندی نمود. رهبر ارتش و ملت بالصراحه گفت که از شدت خطر جدی که کشور ما در معرض آن قرار گرفته است کاسته نشده بلکه بر شدت آن بیش از پیش افزوده شده است. در عین حال رفیق استالین با دوربینی فوق‌العاده‌ای

پیش‌بینی کرد که درهم شکستن امپریالیست‌های آلمان و ارتش‌های آنها حتمی‌الوقوع است.

نقشه‌ی غاصبین فاشیست آلمانی دایر به "یکسره کردن" کار اتحاد شوروی در عرض یک ماه و نیم تا دو ماه به وسیله‌ی "جنگ برق‌آسا" به عدم موفقیت قطعی منجر شد. حساب‌های استراتژی فاشیست آلمانی راجع به ایجاد ائتلاف عمومی بر ضد اتحاد شوروی، منفرد ساختن آن، ناستواری رژیم شوروی و پشت جبهه‌ی آن، راجع به ضعف ارتش سرخ و ناوگان دریائی سرخ به حقیقت نپیوست.

رفیق استالین ضمن تشریح دلایل عدم موفقیت موقتی ارتش سرخ نشان داد که یکی از دلایل این عدم موفقیت‌ها فقدان جبهه‌ی دوم در اروپا می‌باشد و دلیل آن کمبود تانک و تا اندازه‌ای هواپیماست با وجود این که کیفیت آنها از مال آلمان‌ها بهتر است.

وظیفه‌ای که رفیق استالین پیش کشید این بود که تفوق عددی نیروهای آلمانی از لحاظ تانک و هواپیما به صفر رسانده شود و بدین وسیله وضع ارتش ما به طور کاملاً اساسی بهبود یابد.

این دستور پیشوا تأثیر بزرگی در نتیجه‌ی جنگ داشت. با اجرای این دستور، صنایع شوروی ماه به ماه بر تولید هواپیما، تانک و وسائل مبارزه با آنها افزود و تفوق عددی تکنیک جنگی دشمن را در جریان جنگ از بین برد.

رفیق استالین نقاب "ناسیونال - سوسیالیسم" را از چهره‌ی هیتلری‌ها برانداخت و آنها را به عنوان حزب درنده‌ترین امپریالیست‌ها، حزب دشمنان آزادی‌های دموکراتیک، حزب ارتجاعی قرون وسطائی و قتل و غارت‌های ارتجاع سیاه و حزب آدمکشانی که سیمای انسانی را از دست داده و تا سطح درندگان سقوط کرده‌اند در پیشگاه تمام جهانیان رسوا ساخت.

رفیق استالین می‌گوید:

« و این اشخاص عاری از وجدان و شرافت، این اشخاص دارای خوی حیوانی، بیشرمی را به جائی رسانیده اند که کوس انهدام ملت کبیر روسیه، ملت پلخانف و لنین، بلینسکی و چرنیشفسکی، پوشکین و تولستوی، گلینکا و چایکوفسکی، گورکی و چخوف، سچنف و پاولف، رپین و سوریکف، سوروف و کوتوزوف را می‌زنند!...»^{۸۹}

۸۹ - ی. و. استالین، "راجع به جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۳۰، چاپ ۵.

رفیق استالین تمام مردم شوروی را دعوت کرد که بر پشتیبانی خود از ارتش و نیروی دریایی بیش از پیش بیفزایند، فداکارانه برای کمک به جبهه کار کنند و نیز نابود کردن غاصبین فاشیست آلمانی را وظیفه‌ی آنها قرار داد. رفیق استالین گفت:

« غاصبین آلمانی می‌خواهند علیه‌ی ملل اتحاد شوروی جنگ معدوم‌کننده‌ای بنمایند، مانعی ندارد اگر آلمان‌ها مایل به جنگ معدوم‌کننده باشند، بدان دچار خواهند شد. »^{۹۰}

سخنان رفیق استالین

« کار ما حق است - پیروزی با ما خواهد بود! »^{۹۱}

بیان افکار، کوشش‌ها و اطمینان عمیق تمام مردم شوروی به ناگزیر بودن قلع و قمع دشمن بود.

۷ نوامبر ۱۹۴۱ در میدان سرخ مسکو رژه‌ی نیروهای ارتش سرخ تشکیل شد. رفیق استالین از فراز آرامگاه لنین درباره‌ی مأموریت سترگ آزادیبخش ارتش سرخ سخن گفت و جنگجویان و پارتیزان‌های مرد و زن را این طور بدرقه گفت:

« بگذار در این جنگ سیمای مردانه‌ی نیاکان کبیر ما - آکساندرنوسکی، دیمتری دنسکوی، کوزمامینین، دمیتری پاژارسکی، آکساندر سوروف، میخائیل کوتوزوف، شما را الهام بخشد! بگذار پرچم پیروزمند لنین کبیر شما را زیر سایه‌ی خود بگیرد! »^{۹۲}

ارتش سرخ به این بیانات سردار خود با تحکیم پافشاری و استقامت خود و تشدید ضربات وارده بر دشمن پاسخ داد.

رفیق استالین شخصاً دفاع مسکو را اداره می‌نمود و مستقیماً عملیات ارتش سرخ را هدایت می‌کرد. جنگجویان و فرماندهان را تشویق می‌نمود و مراقب جریان ساختمان استحکامات تدافعی پیرامون پایتخت شوروی بود.

۹۰ - همانجا.

۹۱ - همانجا ص ۳۶.

۹۲ - همانجا ص ۴۰.

در ماه دسامبر به فرمان رفیق استالین، چند ارتش شوروی که در ناحیه‌ی مسکو متمرکز شده بود به طور ناگهانی نیروهای آلمان را زیر ضربه گرفت. پس از یک رشته پیکارهای سرسخت آلمانی‌ها در مقابل فشار تاب مقاومت نیاورده و بدون نظم و ترتیب راه هزیمت در پیش گرفتند. نیروهای شوروی به راندن واحدهای شکست خورده‌ی آلمانی ادامه داده و در طی زمستان در بعضی نقاط بیش از چهار صد کیلومتر به طرف مغرب طی مسافت کردند. نقشه‌ی هیتلری محاصره و تصرف مسکو نقش بر آب شد.

قلع و قمع نیروهای آلمان فاشیستی در پیرامون مسکو حادثه‌ی قاطع نظامی سال اول جنگ جهانی و اولین شکست بزرگ آلمانی‌ها در دومین جنگ جهانی بود. این شکست برای همیشه افسانه‌ی هیتلری‌ها مبنی بر شکست ناپذیر بودن ارتش آلمان را به باد فنا داد. قلع و قمع آلمان‌ها در پیرامون مسکو برتری نقشه‌ی استراتژیک عملیات تعرضی را که از طرف استالین تنظیم شده بود نسبت به استراتژی آلمان‌ها نشان داد.

در فرمان شماره ۵۵ مورخه ۲۳ فوریه سال ۱۹۴۲ ی. استالین متذکر گردید که مهم‌ترین نتیجه‌ی ۸ ماه گذشته جنگ از میان رفتن تفوق نظامی آلمانی‌ها است که در نتیجه‌ی حمله‌ی عهد شکنانه و ناگهانی بر اتحاد شوروی به دست آورده بودند.

« عامل ناگهانی و غیر مترقبه‌ای که برای نیروی فاشیستی آلمانی به منزله‌ی ذخیره‌ای بود، تماماً مصرف شد. بدین طریق آن عدم تساوی در شرایط جنگ هم که بر اثر ناگهانی بودن حمله‌ی فاشیست‌های آلمانی به وجود آمده بود از بین رفته است. اکنون دیگر سرنوشت جنگ را عواملی فرعی نظیر عامل ناگهانی بودن حل نمی‌نماید بلکه حل این سرنوشت به دست عواملی است که دارای تأثیر دائمی هستند و آن استوار بودن پشت جبهه، روحیه‌ی ارتش، کمیت و کیفیت لشکرها، تسلیحات ارتش، استعداد و قابلیت تشکیلاتی هیئت فرماندهی ارتش است. »

تذات استالینی راجع به اهمیت عواملی که در جنگ دارای تأثیر دائمی بوده و به منزله‌ی عوامل قطعی به شمار می‌روند، موجب پیشرفت خلاقه‌ی علم مارکسیستی - لنینیستی درباره‌ی جنگ و ارتباط درونی مستقیمی که جریان و نتیجه‌ی جنگ با چگونگی و درجه‌ی تکامل اقتصادی و سیاسی دولت و ایدئولوژی آن و با درجه‌ی آمادگی و بلوغ کادرها دارد، گردید.

تز استالینی راجع به نقش عواملی که در جنگ دارای تأثیر دائمی هستند اهمیت تئوریک و عملی عظیم دارد. به حساب آوردن این عوامل و استفاده صحیح از آن اجازه می‌دهد که در امور نظامی و تشکیلاتی توجه عمده به حل مسائل اساسی که سرنوشت جنگ مربوط به آن است، معطوف گردد. رفیق استالین به این مسئله که فرماندهان و جنگجویان فن جنگ را فرا گیرند، اهمیت مخصوصی می‌دهد. در فرمان یکم ماه مه ۱۹۴۲ رفیق استالین خاطرنشان نمود که ارتش سرخ تمام وسائل لازمه را برای درهم شکستن و بیرون راندن دشمن از کشور شوروی دارا می‌باشد.

« فقط یک چیز کم است و آن این که بتواند از تکنیک درجه اولی که میهن ما در دسترسش می‌گذارد به حد کمال علیه دشمن استفاده نماید. بنابراین وظیفه‌ی ارتش سرخ، وظیفه‌ی جنگجویان، مسلسلچیان، مین‌اندازان، تانکیست‌ها، خلبان‌ها و سوار نظام آن اینست که فن جنگ را بیاموزد، به اسلحه‌ی خود وقوف کامل حاصل کند، در کار خود استاد شود و بدین ترتیب فن وارد نمودن ضربات بدون رد را به دشمن بیاموزد. فقط بدین وسیله است که میتوان فن مغلوب نمودن دشمن را آموخت. »^{۹۳}

بعدها هم طی تمام مدت جنگ رفیق استالین دائماً به لزوم تکمیل آموزش جنگی، بالا بردن سطح معلومات و مهارت در به کار بردن ادوات جنگی و فرا گرفتن فن مغلوب کردن دشمن طبق قواعد علم معاصر نظام اشاره می‌نمود. ارتش سرخ ضمن اجرای این دستورات با سرسختی و پافشاری امور جنگی را فرا گرفته، فن وارد نمودن ضربه به دشمن را آموخت.

آلمانی‌ها در تابستان سال ۱۹۴۲ از فقدان جبهه دوم در اروپا استفاده نموده تمام نیروی نخبه از آن جمله نیروهای متحدین خود را به جبهه‌ی آلمان و شوروی گسیل داشته و عده زیادی از نیروهای خود را در جبهه‌ی جنوب غربی متمرکز نمودند.

رفیق استالین نقشه‌ی فرماندهی آلمان را که در صدد بود چنین وانمود نماید که گویا هدف اصلی نه هدف فرعی تعرض تابستانی نیروهای آلمان اشغال اراضی نفت‌خیز گروزنی و باکو است به موقع درک نمود. رفیق استالین متذکر شد که در واقع هدف عمده این بود که مسکو را از سمت خاور دور زده رابطه‌ی

آن را از پشتگاه ناحیه‌ی ولگا و اورال قطع نموده و بعد ضربه‌ی خود را به مسکو وارد نمایند و بدین طریق جنگ را در سال ۱۹۴۲ به پایان برسانند. نیروهای شوروی به فرمان سرفرمانده‌ی عالی، رفیق استالین راه پیشروی دشمن را به شمال یعنی به پشتگاه مسکو سد نمودند. در اواسط ژوئیه سال ۱۹۴۲ آلمانی‌ها حمله‌ی خود را به استالینگراد آغاز نمودند و حساب شان این بود که طی طریق کنان شهر را تصرف کنند، جبهه‌ی شوروی را بشکنند و پیشروی خود را به طرف شمال در طول ولگا ادامه داده، مسکو را دور بزنند. رفیق استالین فرمان داد به هر وسیله‌ایست از استالینگراد دفاع شود. ۵ اکتبر ۱۹۴۲ رفیق استالین به فرماندهی جبهه‌ی استالینگراد فرمان داد:

« از شما می‌خواهم که کلیه‌ی اقدامات لازمه را برای دفاع از استالینگراد به عمل آورید. استالینگراد نباید به دشمن تسلیم شود »^{۹۴}

نبرد استالینگراد یعنی بزرگ‌ترین نبرد در تاریخ جنگ‌ها شروع شد. ارتش سرخ قهرمانانه از شهر نامی کنار ولگا که نام استالین روی آن گذارده شده است، دفاع می‌نمود. سنن جنگی قهرمانی‌های سال ۱۹۱۸ تساریتسین از نو در نبرد استالینگراد تجدید شد. در بحبوحه‌ی نبرد جنگجویان، فرماندهان و کارکنان سیاسی جبهه‌ی استالینگراد نامه خطاب به رفیق استالین نوشتند. از هر کلمه‌ی این نامه نوای سوگند به گوش می‌رسید:

« ما در پیشگاه پرچم‌های جنگی خود و در پیشگاه تمام کشور شوروی سوگند یاد می‌نمائیم که اشتهار اسلحه‌ی روس را لکه‌دار نخواهیم کرد، تا آخرین حد امکان مبارزه خواهیم نمود. تحت سرپرستی شما، پدران ما در نبرد تساریتسین پیروز شدند، اکنون هم ما تحت سرپرستی شما در نبرد کبیر استالینگراد فاتح خواهیم شد! »^{۹۵}

در آن روزهایی که دشمن به سمت استالینگراد و کوهپایه‌های قفقاز رخنه کرده بود در کشور شوروی جشن بیست و پنجمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برپا بود. ۶ نوامبر سال ۱۹۴۲ رفیق استالین در جلسه‌ی با شکوه شورای مسکو گزارش داد.

۹۴ - "پراودا"، شماره ۲۸، ۲ فوریه سال ۱۹۴۴.
۹۵ - "پراودا"، شماره ۳۱۰، ۶ نوامبر سال ۱۹۴۲.

رفیق استالین فعالیت سال گذشته‌ی دوایر دولتی شوروی و حزبی را در رشته‌ی ساختمان آرام و ایجاد پشتگاه محکم برای جبهه و اجرای عملیات تدافعی و تعرضی ارتش سرخ به تفصیل توصیف نمود.

رفیق استالین ضمن توصیف امر سازمان دادن در پشت جبهه خاطر نشان نمود که در مدت جنگ مشکل ترین و معضل ترین امور تشکیلاتی که عبارت بود از تغییر پایگاه صنایع جنگی و کشوری به نواحی خاوری کشور و تجدید ساختمان و بهبود اساسی امور موسساتی که عهده‌دار تأمین احتیاجات جبهه بودند، انجام گردید. رفیق استالین گفت:

« باید اعتراف نمود که کشور ما هیچ وقت دارای چنین پشتگاه محکم و منظمی نبوده است »^{۹۶}

رفیق استالین ضمن توضیح این واقعیت که آلمانی‌ها در تابستان سال ۱۹۴۲ به موفقیت‌های جدی تاکتیکی نائل شدند متذکر شد که فقدان جبهه‌ی دوم در اروپا به آلمان‌ها امکان داده در جهت جنوب غربی جبهه تفوق بزرگی فراهم آورند. رفیق استالین ضمن بررسی مسئله‌ی جبهه‌ی دوم در اروپا از نظر تاریخ ارقام شاخص ذیل را مثال آورد:

در نخستین جنگ جهانی، آلمان که در دو جبهه جنگ می‌کرد روی هم رفته ۱۲۷ لشکر آلمانی و نیروهای متحد با آلمان را در مقابل جبهه‌ی روسیه قرار داده بود ولی در جنگ کنونی، آلمان که در یک جبهه جنگ می‌کند، تا ۲۴۰ لشکر یعنی تقریباً ۲ برابر نخستین جنگ جهانی نیرو به جبهه آلمان و شوروی گسیل داشته است.

فقط قهرمانی ارتش شوروی و پارتیزان‌ها، از خودگذشتگی میهن پرستان شوروی در پشت جبهه و رهبری صحیح رفیق استالین سرفرمانده‌ی عالی و رهبر حزب و دولت شوروی بود که بر مشکلات عظیم موجود در راه دفع هجوم اردوهای هیتلری فائق آمد. رفیق استالین با مباحثات فوق‌العاده‌ای به وجود کشور شوروی، ملت شوروی و ارتش وی می‌گوید:

« به عقیده‌ی من هیچ کشور دیگر و هیچ ارتش دیگری نمی‌توانست در مقابل این فشار دسته‌ی راهزنان فاشیست وحشی آلمانی و متحدین آنها تاب مقاومت بیاورد فقط کشور شوروی ما و فقط ارتش

۹۶ - ی. و. استالین، "راجع به جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۶۲، چاپ ۵.

سرخ ما مقابل چنین فشاری تاب مقاومت دارند و نه فقط مقاومت دارند بلکه می‌توانند آن را دفع سازند»^{۹۷}

رفیق استالین این وظیفه را در مقابل ارتش سرخ قرار داد که به دشمن امکان پیشروی نداده و با پافشاری هر چه تمامتر ضربه‌ای را که باید به دشمن وارد آورد، آماده کنند.

ارتش سرخ و عموم مردم شوروی با شوق و حرارت فوق‌العاده‌ای بیانات پیشوا و سردار خود را تلقی نمودند. میلیون‌ها کارگر و کلخوزی بیش از پیش به تولید محصولات جنگی و خواربار برای جبهه و ارتش افزودند. به ابتکار کلخوزیان مرد و زن ناحیه‌ی تامبوف نهضت وسیعی در زمینه‌ی جمع‌آوری وجه برای صندوق خیریه‌ی ارتش سرخ سراسر کشور را فرا گرفت. فرمان کمیسر ملی دفاع، ی.و. استالین مورخه ۷ نوامبر ۱۹۴۲ قلوب مردم شوروی را از اطمینان خلل‌ناپذیر به پیروزی مملو نمود:

« دشمن یک بار در پیرامون رستوف، در پیرامون مسکو، در پیرامون تیخوین مزه‌ی نیروی ضربات ارتش سرخ را چشیده است. آن روز که دشمن مزه‌ی نیروی ضربات تازه‌ی ارتش سرخ را بچشد نزدیک است. در کوچی‌های ما هم جشن خواهد بود!»^{۹۸}

قلع و قمع آلمانی‌ها در پیرامون استالینگراد این کلمات رفیق استالین را به طور مشعشعی تأیید نمود.

سردار مدبر که نام او در حین رزم ورد زبان جنگجویان شوروی بود، توسعه‌ی حوادث را پیش‌بینی نموده جریان پیکار را تابع اراده‌ی پولادین خود نمود.

به فرمان استالین در ۱۹ نوامبر سال ۱۹۴۲ نیروهای شوروی که در نواحی مجاور استالینگراد به تعرض پرداختند ضربه به جناحین و سپس به پشت جبهه‌ی نیروهای آلمان وارد آورده شد. نقشه‌ی استراتژیک ضربات جناحی که تحت سرپرستی رفیق استالین تنظیم و اجرا شد پیروزی درخشان جدید ارتش سرخ را تأمین نمود. در کوتاه‌ترین مدتی نیروهای شوروی ارتش ۳۰۰ هزار نفری آلمان را محاصره کرده و قسمتی از آن را نابود و قسمتی را اسیر نمودند. این برجسته‌ترین پیروزی در تاریخ جنگ‌های بزرگ بود. نبرد استالینگراد در فن جنگ به منزله‌ی تاج گلی است. این نبرد نمونه‌ی جدید تکامل علوم جنگی

۹۷ - همانجا ص ۶۹-۷۰.

۹۸ - همانجا ص ۸۱.

مترقی شوروی را نمایان ساخت. پیروزی تاریخی که اینجا به دست آمد، غلبه‌ی درخشان استراتژی و تاکتیک استالینی، غلبه‌ی نقشه‌ی داهیانه و پیش‌بینی خردمندانه‌ی سردار کبیر است که با بصیرت خود مقاصد دشمن را کشف نموده و از نقاط ضعف استراتژی ماجراجویانه آن استفاده نمود. طبق گزارشی که استالین داده است:

« استالین‌گراد افول ارتش فاشیست آلمان بود. پس از کارزار استالین‌گراد همان طور که می‌دانیم، آلمانی‌ها دیگر نتوانستند به حال بیایند »^{۹۹}

ارتش شوروی در روزهای نبرد استالین‌گراد ابتکار را به دست خود گرفته عملیات تعرضی را ادامه می‌داد. بیرون راندن دستجمعی دشمن از کشور شوروی آغاز گردید.

در فرمان مورخه ۲۳ فوریه سال ۱۹۴۳ رفیق استالین موفقیت‌های نیروهای ما و قهرمانی افراد شوروی را توصیف نموده متذکر شد:

« ملت ما خاطره‌ی دفاع قهرمانانه سواستوپل و آدسا، رزم‌های سخت پیرامون مسکو و کوهپایه‌های قفقاز، ناحیه‌ی رژف و پیرامون لنین‌گراد و بزرگ‌ترین نبرد تاریخ جنگ‌ها در زیر دیوارهای استالین‌گراد را تا ابد حفظ خواهد نمود. در این نبردهای عظیم سپاهیان، فرماندهان و کارکنان سیاسی با شهامت ما پرچم‌های جنگی ارتش سرخ را غرق افتخار فناپذیر نموده و برای حصول پیروزی بر ارتش‌های فاشیست آلمان شالوده‌ی محکمی بنا نهادند. »^{۱۰۰}

در عین حال سرفرمانده‌ی عالی جنگجویان و فرماندهان ارتش شوروی را از مضرات غرور از موفقیت برحذر داشت. رفیق استالین سفارش نمود که این وصایای لنین کبیر را کاملاً در خاطر داشته باشند.

« نخست این که نباید از پیروزی مست شد و به خود بالید، دوم این که باید پیروزی را برای خود تحکیم نمود، سوم این که باید دشمن را منکوب ساخت. »^{۱۰۱}

۹۹ - ی. و. استالین، "راجع به جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۱۱۳.

۱۰۰ - همانجا ص ۸۹-۹۰.

۱۰۱ - همانجا ص ۹۴-۹۵.

در نتیجه‌ی عملیات تعرضی زمستان سال ۱۹۴۲-۱۹۴۳، نیروهای شوروی نه فقط موفقیت‌های تاکتیکی که دشمن در تابستان ۱۹۴۲ بدست آورده بود خنثی نمودند، بلکه به آزاد کردن نواحی که در همان اوایل جنگ از طرف آلمانی‌ها اشغال شده بود نیز پرداختند.

دولت شوروی خدمات درخشان سرفرمانده‌ی عالی نیروهای مسلح اتحاد شوروی رفیق استالین را به وجه شایانی تقدیر نمود. ۶ مارس ۱۹۴۳ هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی به یوسف ویساریونوویچ رتبه‌ی نظامی مارشال اتحاد شوروی را اعطا نمود.

آلمانی‌ها با وجود شکست و تلفات هنگفت در تابستان ۱۹۴۳ دست به تعرض تازه زدند. رفیق استالین نقشه‌ی دشمن را که در صدد بود از دو طرف یعنی از ناحیه آرل و بلگورود، نیروهای شوروی را که در انحنای قوس کورسک متمرکز بودند، محاصره و نابود نموده و بعداً به مسکو تعرض نماید، به موقع کشف نمود.

در دوم ماه ژوئیه رفیق استالین فرماندهی نیروهای جهت آرل - کورسک را در خصوص امکان تعرض آلمانی‌ها از سوم تا ششم ژوئیه آگاه نمود و هنگامی که در ۵ ژوئیه نیروهای فاشیست آلمانی با قوای هنگفتی در سمت‌های آرل - کورسک و بلگورود به تعرض پرداختند با مقاومت شدید نیروهای شوروی برخورد نمودند. نقشه‌ی تعرضی آلمانی‌ها درهم ریخته و دفاع شوروی نیرومندتر درآمد.

در نتیجه‌ی نبرد نامی کورسک، نیروهای شوروی لشکرهای برگزیده‌ی فاشیستی را از پا درآورده و بی خون نمودند، جبهه‌ی دشمن را شکافتند و خود به حمله پرداختند.

۲۴ ژوئیه، ی.و. استالین سرفرمانده‌ی عالی و مارشال اتحاد شوروی به مناسبت پایان اضمحلال تعرض ماه ژوئیه آلمانی‌ها فرمانی صادر نمود. در فرمان گفته می‌شد که نقشه‌ی تعرض تابستانی آلمانی‌ها کاملاً درهم ریخته شد و

« بدین طریق از روی این افسانه که آلمانی‌ها در تعرض تابستانی همیشه به موفقیت نائل می‌شوند و نیروهای شوروی مجبورند در حال عقب‌نشینی باشند پرده برداشته شد »^{۱۰۲}

تعرض ارتش شوروی با موفقیت ادامه داشت. ۵ اوت ۱۹۴۳ نیروهای شوروی شهرهای آرل و بلگورود را در تصرف درآوردند. ی.و. استالین

۱۰۲ - "پراودا"، شماره ۱۸۵، مورخه ۲۵ ژوئیه سال ۱۹۴۳.

سرفرمانده‌ی عالی و مارشال اتحاد شوروی در فرمان مخصوصی این پیروزی درخشان ارتش شوروی را قید نمود. در پایتخت میهن ما مسکو به افتخار نیروهای با شهامت آزادکننده‌ی آرل و بلگورود سلام نظامی به وسیله شلیک توپخانه در کشور ما جزو شعائر زمان جنگ گردید.

قلع و قمع آلمانی‌ها در اطراف کورسک برای جریان بعدی جنگ اهمیت قطعی داشت. رفیق استالین می‌گوید:

« اگر نبرد استالینگراد افول ارتش فاشیستی آلمان را پیش‌گوئی می‌کرد، نبرد کورسک آن را در مقابل فلاکت قرار داد. »^{۱۰۳}

با نبرد اطراف کورسک و از بین بردن سرپل آلمانی‌ها در ارل تعرض نیرومند جدید ارتش شوروی آغاز گردید. برای نوامبر ۱۹۴۳ نیروهای ما تا ۲ ثلث اراضی شوروی را که به طور موقت از طرف دشمن اشغال شده بود آزاد کردند.

به پاس رهبری صحیح عملیات ارتش سرخ در جنگ میهنی بر ضد غاصبین آلمانی و موفقیت‌های حاصله، هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد شوروی در ۶ نوامبر ۱۹۴۳ به رفیق استالین نشان درجه اول سوروف اعطا نمود.

در تعرض ۱۹۴۳، پارتیزان‌ها به نیروهای شوروی کمک بزرگی نمودند. دعوت‌های رفیق استالین در خصوص

« برپا کردن شعله‌ی نهضت همگانی پارتیزانی در پشت جبهه‌ی دشمن، منهدم کردن پشتگاه‌های دشمن و نابود کردن ارادل آلمانی فاشیست »^{۱۰۴}.

یک نهضت نیرومند پارتیزانی ایجاد نمود. پارتیزان‌ها با جدیت در پشت جبهه‌ی آلمانی‌ها فعالیت نموده خطوط ارتباطی آنها را منهدم و سربازان و افسران فاشیست را نابود می‌نمودند. استالین نهضت پارتیزانی را هدایت می‌نمود و فرماندهان دستجات پارتیزان را در مسکو برای مشاوره جمع می‌کرد.

رفیق استالین منظره‌ی با عظمت فتوحات تاریخی که ملت شوروی و ارتش آن بدان نائل شده بودند، در نطقی که در جلسه‌ی رسمی شورای مسکو در ۶ نوامبر ۱۹۴۳ ایراد نمود، توصیف کرد.

۱۰۳ - ی. و. استالین، «راجع به جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی»، ص ۱۱۴.

۱۰۴ - همانجا ص ۸۱.

« سال ۱۹۴۳ سال تحول در جنگ میهنی بود. »^{۱۰۵}

« نتایج و اثرات پیروزی‌های ارتش سرخ از حدود جبهه‌ی آلمان و شوروی بسیار تجاوز نموده کلیه‌ی جریان بعدی جنگ جهانی را تغییر داده و اهمیت بزرگ بین‌المللی کسب نموده است »^{۱۰۶}

فتوحات نیروهای شوروی بیش از پیش موقعیت بین‌المللی اتحاد شوروی را تحکیم نمود. سال ۱۹۴۳ نه تنها سال تحول در جنگ میهنی اتحاد شوروی بلکه سال تحول در تمام جنگ جهانی بود. تعرض ارتش سرخ در سال ۱۹۴۳ به وسیله‌ی عملیات جنگی نیروهای متفقین در افریقای شمالی و ایتالیا و هم چنین به وسیله‌ی بمباران مراکز صنعتی جنگی آلمان از طرف نیروی هوایی متفقین پشتیبانی شد. متحد آلمان، ایتالیای فاشیست به زودی دچار ورشکستگی جنگی و سیاسی شده و در سپتامبر ۱۹۴۳ بلاشرط تسلیم گشت. این یک ضربه‌ی جدی بود که به ائتلاف هیتلری وارد آمد.

در نتیجه‌ی سیاست خارجی مدبرانه‌ی استالینی کوشش‌های دشمن به منظور افشاندن تخم نفاق بین دولت‌های بزرگ که برای قلع و قمع آلمان هیتلری متحد شده بودند، بی‌ثمر ماند. در کنفرانس سران ۳ دولت متفق در تهران که در نوامبر ۱۹۴۳ تشکیل شد و رفیق استالین در آنجا با رئیس جمهور کشورهای امریکا و نخست وزیر بریتانیای کبیر ملاقات کرد، اعلامیه‌ی مربوط به عملیات مشترک در جنگ بر ضد آلمان و همکاری بعد از جنگ ۳ کشور تصویب گردید.

سال ۱۹۴۳ در امور پشت جبهه‌ی شوروی نیز سال تحول بود. اقتصاد جنگی که با کوشش‌های ملت ما ایجاد شده، به جریان افتاده سریعاً رشد می‌نمود، تفوق کمی و کیفی تکنیک ارتش شوروی را بر ارتش آلمان تأمین نمود. طبق دستورات مستقیم رفیق استالین متخصصین شوروی کارهای پر ثمری برای تکمیل اسلحه و ایجاد سیستم‌های جدید تسلیحات انجام می‌دادند.

در سال‌های جنگ کشور شوروی هم جنگ می‌کرد و هم می‌ساخت. حتی یک روز هم کار ساختمان مؤسسات جدید صنعتی، چاه‌های معدن، کوره‌های ذوب فلز، استاسیون‌های الکتریکی قطع نمی‌شد. کارخانه‌های جدید فلزسازی در چلیابینسک و ازبکستان، کوره‌های جدید ذوب فلز در تاگیل و ماگنیتوگورسک و

۱۰۵ - همانجا ص ۱۱۰.

۱۰۶ - همانجا ص ۱۲۱.

سایر نقاط به کار انداخته شدند. کارخانه‌های تازه آلومینیوم‌سازی در استالینسک شروع به کار نمود. استاسیون‌های الکتریکی چلیابینسک، استالینسک و بسیاری از استاسیون‌های دیگر شروع به کار نمودند.

رفیق استالین هیئت نمایندگان مؤسسات را برای به دست آوردن آهنگ‌های عالی تری در ساختمان و مسلط گشتن به کار بنگاه‌های جدید صنعتی ترغیب می‌نمود. در دسامبر سال ۱۹۴۳ رفیق استالین بناکنندگان و متخصصین کمبینای فلزسازی ماگنیتوگورسک را که در عرض مدتی از حیث کوتاهی بی‌نظیر، در شرایط سخت زمان جنگ بزرگ‌ترین کوره‌ی ذوب فلز را بنا نموده بودند، تبریک گفت. در همان موقع رفیق استالین موفقیت‌های کارکنان کارخانه‌ی فلزسازی یناکیف را یادآوری نمود. رفیق استالین ضمن تبریک به کارکنان یناکیف متذکر گردید که کار آنها ثابت می‌کند که وظیفه‌ی مشکل تجدید ساختمان صنایع و از بین بردن اثرات سیادت وحشیانه‌ی آلمانی‌ها را میتوان در مدت کوتاهی حل نمود.^{۱۰۷}

رفیق استالین به کار احیای اقتصاد ملی در نواحی که به دست ارتش شوروی آزاد می‌شد اهمیت فوق‌العاده می‌داد. بنا به ابتکار رفیق استالین در ماه اوت ۱۹۴۳ شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی تصمیمی "درباره‌ی اقدام فوری به احیای اقتصاد نواحی آزاد شده از قید آلمان‌ها" اتخاذ نمودند.

ملت شوروی قهرمانانه از عملیات جنگی نیروهای مسلح خود پشتیبانی می‌نمود. رفیق استالین زحمات فداکارانه‌ی افراد شوروی را در پشت جبهه خدمات برجسته‌ی کارگر و دهقان کلخوزی و روشنفکران شوروی را در سال‌های جنگ هم چون هنرنمایی بی‌نظیری در کار دفاع از میهن توصیف نمود.

در جریان جنگ کبیر میهنی دوستی ملل اتحاد شوروی بیش از پیش آبدیده می‌شد. تمام ملل شوروی یک دل و یک جهت برای دفاع از میهن خود قیام نمودند.

در اوایل سال ۱۹۴۴ بنا به ابتکار رفیق استالین، شورای عالی اتحاد شوروی تصمیم گرفت که سازمان ملی دفاع و کمیسریای ملی امور خارجه را تغییر دهد و آنها را از کمیسریاهای تمام اتحاد شوروی بدل به کمیسریاهای مربوط به جمهوری‌های متحد بکند و برای هر یک از جمهوری‌های متحد یک کمیسریای ملی دفاع و یک کمیسریای ملی امور خارجه تشکیل دهد.

۱۰۷ - "پراودا"، شماره ۳۲۱، ۳۱ دسامبر سال ۱۹۴۳.

اتخاذ این تصمیم قدم نوینی بود در راه حل مسئله‌ی ملی در اتحاد شوروی و تکامل بعدی سیاست ملی لنینی - استالینی که تکامل موفقانه حاکمیت ملی تمام ملل اتحاد شوروی را تأمین می‌نمود.

سال ۱۹۴۴ سال فتوحات قاطع ارتش شوروی شد. ارتش شوروی ضمن اجرای نقشه‌ی داهیان‌هی استراتژیک رفیق استالین، ده ضربه‌ی نیرومند متوالی به نیروهای آلمانی وارد آورد. رفیق استالین در نطقی که درباره‌ی جشن بیست و هفتمین سال انقلاب اکتبر سوسیالیستی کبیر ایراد نمود این ضربات را به تفصیل توصیف کرد. در نتیجه‌ی این ضربات نواحی اتحاد شوروی که از طرف غاصبین آلمانی فاشیست موقتاً اشغال شده بود کاملاً آزاد شدند، دشمن از حدود خاک اتحاد شوروی بیرون رانده شد و عملیات جنگی ارتش شوروی به خاک آلمان و دستیاران آلمان کشیده شد.

۲۰ ژوئن سال ۱۹۴۴ رئیس کمیته‌ی اجرائیه شورای نمایندگان و زحمتکشان شهر مسکو به نام هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد شوروی، در کرمل به ی. و. استالین رئیس کمیته‌ی دولتی دفاع و سرفرمانده‌ی عالی و مارشال اتحاد شوروی به مناسبت اداره‌ی امور دفاع قهرمانانه‌ی مسکو و تهیه‌ی وسائل قلع و قمع نیروهای آلمانی در پیرامون مسکو اولین مدال "برای دفاع از مسکو" را اعطا نمود.

به پاس خدمات فوق‌العاده‌ای که یوسف ویساریونویچ استالین در راه تشکیل و اجرای عملیات تعرضی ارتش سرخ نموده بود و در نتیجه‌ی آن ارتش آلمان دچار فاحش‌ترین شکست‌ها شده و در اوضاع جبهه‌ی مبارزه با غاصبین فاشیست آلمانی به نفع ارتش سرخ تحول اساسی ایجاد گردیده بود، هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد شوروی در ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۴۴ نشان "پیروزی" به وی اعطا نمود.

اجرای موفقانه‌ی نقشه‌ی استراتژیک استالین در سال ۱۹۴۴ نتایج سیاسی و جنگی بزرگی داشت. متحدین سابق آلمان هیتلری، رومانی، فنلاند و بلغارستان در نتیجه‌ی ضربات نیروهای شوروی اسلحه خود را به زمین گذاشته بر ضد آلمان به جنگ آغاز نمودند. مجارستان در شرف تسلیم بود. بدین طریق از نظر کلی عمل منفرد ساختن آلمان پایان پذیرفته بود. از اوضاع و احوال جنگی که ایجاد شد چنین بر می‌آمد که اتحاد شوروی بدون کمک متفقین قادر است با قدرت شخصی خود تمام آلمان را اشغال و آزادی فرانسه را عملی نماید. این وضعیت چرچیل نخست وزیر سابق انگلستان را که تا به حال مخالف گشایش جبهه‌ی دوم در اروپا بود، مجبور نمود که در اروپای غربی به حمله پردازد. در ژوئن ۱۹۴۴ متفقین پیاده کردن نیروهای بزرگ نظامی را در شمال فرانسه با موفقیت انجام دادند.

آلمان هیتلری همان طور که رفیق استالین آن را پیش‌بینی می‌کرد، در منگنه‌ی فشار دو جبهه قرار گرفت.

رفیق استالین در گزارشی که به مناسبت جشن بیست و هفتمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در ۶ نوامبر ۱۹۴۴ ایراد کرد اظهار اطمینان نمود که ارتش سرخ که وظیفه‌ی میهن‌پرستانه‌ی خود در راه تصفیه‌ی میهن از وجود دشمن اجرا نموده، مأموریت تاریخی خود را نیز تا آخر انجام خواهد داد یعنی سرجانور درنده‌ی فاشیست را در لانه‌ی خود کوبیده و پرچم پیروزی را بر فراز برلن نصب خواهد نمود.

ارزشی را که استالین برای راه طی شده توسط کشور و ارتش قائل شد و کلماتی را که بدرقه‌ی راه کرد و گفت "بسوی برلن!"، مردم شوروی در جبهه و در پشت جبهه با شوق فراوانی استقبال کردند.

تعرض قطعی نیروهای شوروی به لانه‌ی جانور درنده‌ی فاشیستی آغاز شد. ارتش شوروی در مدت کوتاهی ورشو پایتخت لهستان را از چنگ آلمان‌ها نجات داد و به عمق پروس خاوری پیشروی نمود. تعرض نیروهای شوروی در سرتاسر جبهه بسط یافت.

در اوایل فوریه سال ۱۹۴۵ کنفرانس سران ۳ دولت بزرگ اتحاد شوروی، کشورهای متحده امریکا و بریتانیای کبیر در کریمه تشکیل شد.

در این کنفرانس مهم‌ترین تصمیمات نظامی و سیاسی در خصوص مسائل مربوط به قلع و قمع و وضعیت بعد از جنگ آلمان و هم‌چنین تصمیماتی راجع به مسائل اساسی سیاسی و اقتصادی اروپای آزاد شده، اتخاذ گردید. موعده، اندازه و هماهنگ ساختن ضربت‌های نیرومند جدید به آلمان توسط ارتش‌های متفقین از طرف خاور و باختر، شمال و جنوب مورد توافق واقع شد و دقیقاً تنظیم گردید. در همین کنفرانس مسئله‌ی دخول اتحاد شوروی در جنگ بر ضد ژاپن نیز از پیش حل شد.

کشور شوروی بیست و هفتمین سال وجود ارتش سرخ را در شرایط فتوحات برجسته‌ی تاریخی جشن گرفت. در عرض چهار روز تعرض در ماه ژانویه - فوریه ۱۹۴۵ نیروهای شوروی با عملیات برق‌آسا و ماهرانه‌ی خود دشمن را تا مسافت زیادی در جهت مغرب به عقب پرتاب نموده تمام لهستان و قسمت زیادی از پروس خاوری و سیبری شوروی، مجارستان آخرین متحد آلمان در اروپا از جنگ خارج شد.

رفیق استالین موفقیت‌های تعرض زمستانی ارتش سرخ را ضمن فرمان مورخه ۲۳ فوریه سال ۱۹۴۵ خود متذکر گردید و گفت:

« حالا دیگر پیروزی کامل بر آلمان‌ها نزدیک است. »^{۱۰۸}

رفیق استالین خاطرنشان کرد که ارتش سرخ قلع و قمع و نابود ساختن دشمن را طبق تمام قواعد فن جنگی معاصر آموخته است.

« ژنرال‌ها و افسران ارتش سرخ استادانه ضربات متمرکز تکنیک نیرومند را با مانور ماهرانه و برق‌آسا توأم می‌نمایند. »^{۱۰۹}

ارتش سرخ ضمن اجرای نقشه‌ی استراتژیک استالینی مهم‌ترین سرپل‌های نیروهای آلمان فاشیستی را در جنوب به دست آورده، وین پایتخت اتریش را تصرف کرد. گروه‌بندی مقطوع‌الرابطه‌ی پروس خاوری آلمان‌ها را قلع و قمع نمود. ناحیه‌ی صنعتی سیلزی را که برای آلمان اهمیت حیاتی داشت تصرف کرد و خود را به نزدیکی برلن رساند. بدین طریق شرایط برای آخرین یورش قطعی بر آلمان هیتلری ایجاد شد. دعوت رفیق استالین مبنی بر:

« نصب پرچم پیروزی بر فراز برلن »^{۱۱۰}

ملت شوروی را برای هنرنمایی‌های نوین در کار و میدان‌های نبرد، الهام بخشید.

در شرف یورش به برلن ی. استالین به نمایندگی از طرف حکومت اتحاد شوروی عهدنامه‌ی دوستی، تعاون متقابل و همکاری بعد از جنگ بین اتحاد شوروی و جمهوری لهستان را امضا نمود. رفیق استالین در نطقی که در ۲۱ آوریل ۱۹۴۵ ضمن امضای معاهده ایراد نمود، گفت:

« ملل آزادی دوست و قبل از همه ملل اسلاو با بی‌تابی منتظر انعقاد این معاهده می‌باشند زیرا آنها می‌بینند که این معاهده به منزله‌ی تحکیم جبهه‌ی واحد ملل متحد بر ضد دشمن عمومی در اروپا می‌باشد. »^{۱۱۱}

۱۰۸ - ی. و. استالین، "جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۱۸۰.

۱۰۹ - همانجا ص ۱۷۹.

۱۱۰ - همانجا ص ۱۶۸.

۱۱۱ - همانجا ص ۱۸۴.

در ماه مه ۱۹۴۵ متن فرمان سرفرمانده‌ی عالی خطاب به نیروهای ارتش سرخ و ناوگان جنگی دریائی به وسیله‌ی رادیو در تمام جهان پخش گردید. نیروهای شوروی تار و مار کردن گروه‌بندی نیروهای آلمان را در برلن به پایان رسانیدند و امروز دوم ماه مه، برلن پایتخت آلمان، مرکز امپریالیسم آلمان و کانون تجاوز آلمان را تماماً به تصرف درآورد.^{۱۱۲} ارتش سرخ دستور استالین را اجرا نمود، پرچم پیروزی بر فراز برلن به اهتزاز درآمد!

سرنوشت آلمان هیتلری حل شد. ۸ ماه مه ۱۹۴۵ صورت جلسه‌ی تسلیم بلاشرط نیروهای مسلح آلمان از طرف نمایندگان فرماندهی عالی آلمان در برلن به امضا رسید. به افتخار خاتمه‌ی پیروزمندان‌هی جنگ کبیر میهنی ملل شوروی که به قلع و قمع قطعی آلمان هیتلری منجر شد، روز ۹ مه روز جشن و شادی همگانی، جشن پیروزی اعلام گردید.

در این روز تاریخی یوسف ویساریونویچ استالین در برابر رادیو خطاب به ملت سخن راند:

« رفقا! مردان و زنان هم میهن!
روز بزرگ پیروزی بر آلمان فرا رسید.
آلمان فاشیستی که ارتش سرخ و نیروی متفقین ما آن را به زانو
درآوردند، خود را مغلوب دانسته و تسلیم بلاقید و شرط را اعلام
داشتند.
حالا ما کاملاً حق داریم بگوئیم که روز تاریخی تار و مار شدن
قطعی آلمان، روز پیروزی بزرگ ملت ما بر امپریالیسم آلمان فرا
رسیده است...
مردان و زنان هم میهن عزیز من پیروزی به شما مبارک
باد! »^{۱۱۳}

ملت شوروی غرق جشن و پیروزی گردید. تمام افکار، تمام احساسات مردمان شوروی به کسی متوجه بود که کشور ما را در میان مشکلات و آزمایش‌های جنگ هدایت می‌نمود، به کسی که کشور ما را از هلاکت نجات داد، به کسی که نبوغش راه پیروزی را نشان داد، به کسی که اراده‌اش کشور ما را به پیروزی رسانید، یعنی به استالین کبیر!

یکی از خدمات بزرگ رفیق استالین در قبال میهن را باید این واقعیت به شمار آورد که او توانست طی مدت جنگ میهنی کادرهای رهبر نظامی جدیدی

۱۱۲ - "پراودا"، شماره ۱۰۶، مورخه ۳ ماه مه ۱۹۴۵.
۱۱۳ - ی. و. استالین، "راجع به جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۱۹۳-۱۹۲.

که تمام سنگینی جنگ را با آلمان و متحدین آن به دوش خود می‌کشیدند انتخاب و تربیت نموده و به پست‌های مسئولیت‌دار ارتقا دهد. از این قرار هستند: بولگانین، واسیلفسکی، مرتسکف، راکوسوسکی، ورونف، مالیوفسکی، تالبوخین، یاکوولف، مالینین، گالیتسکی، تروفیمنکو، کورباتف، اشتمنکو، کوراسف، ورشینین، گولووانف، فدورنکو، ریبالکو، بگدانف، کاتوکف، لوشنکو و عده زیاد دیگر.

۲۴ ماه مه حکومت اتحاد جماهیر شوروی به افتخار فرماندهان نیروهای ارتش سرخ یا سرداران مکتب استالینی در کرمل مهمانی داد. در این مهمانی رفیق استالین راجع به خدمات مردم شوروی در جنگ میهنی و مقدم بر همه درباره‌ی خدمات مردم روس به عنوان برجسته‌ترین ملت در جرگه اتحاد شوروی نطقی ایراد نمود. رفیق استالین گفت ملت روس در این جنگ سزاوار آن شد که در میان ملل کشور ما به منزله‌ی نیروی رهبر اتحاد شوروی مورد تصدیق عامه واقع شود. رفیق استالین به افتخار ملت روس جام بلند نمود و به وی که علاوه بر این که ملت رهبری است دارای عقل روشن، روح پایداری و شکیبائی و تحمل عاقلانه نیز می‌باشد، درود فرستاد. رفیق استالین گفت اعتماد نامحدود ملت روس به حکومت شوروی، ایمان به صحت سیاست آن و پشتیبانی کامل ملت روس از حکومت شوروی و حزب بلشویک

« آن نیروی قاطعی بوده است که پیروزی تاریخی را بر ضد دشمن بشر یعنی فاشیسم تأمین نمود. »^{۱۱۴}

به فرمان سرفرمانده‌ی عالی رفیق استالین در ۴ ژوئن ۱۹۴۵ در میدان سرخ مسکو رژه‌ی نیروهای ارتش حاضر به خدمت، ناوگان جنگی دریائی و پادگان مسکو یعنی رژه‌ی پیروزی به عمل آمد. ارتش شوروی پرچم‌های ارتش‌ها و لشکرهای آلمان فاشیستی را که به دست شان شکست خورده و منهدم شده بودند به میدان سرخ آورد. این پرچم‌ها به زیر پای ملت فاتح شوروی، زیر دیوار آرامگاه لنین که روی تریبون آن سردار کبیر استالین ایستاده بود، انداخته شد.

هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد شوروی بنا به اراده‌ی تمام ملت شوروی، در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ به یوسف ویساریونویچ استالین مارشال اتحاد شوروی به پاس خدمات فوق‌العاده‌ی وی در راه منظم نمودن کلیه‌ی نیروهای

مسلح اتحاد شوروی و رهبری ماهرانه‌ی وی در جنگ کبیر میهنی که منجر به پیروزی قطعی بر آلمان هیتلری گردید، دومین نشان "پیروزی" را اعطا نمود. مارشال اتحاد شوروی یوسف ویساریونویچ استالین که در روزهای سخت دفاع از میهن ما و پایتخت آن در رأس ارتش سرخ قرار گرفت و در رهبری مبارزه بر ضد آلمان هیتلری شجاعت و نیروی عزم فوق‌العاده ابراز داشته بود با اعطای نشان لنین و مدال "ستاره طلایی" به لقب قهرمان اتحاد شوروی ملقب گردید.

۲۷ ژوئن ۱۹۴۵ استالین به برلن که در آن جا کنفرانس ۳ دولت - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، کشورهای متحده امریکا و بریتانیای کبیر - از ۱۷ ژوئیه تا دوم اوت جریان داشت، وارد شد. کنفرانس برلن تصمیمات مهمی به منظور تحکیم پیروزی حاصله، از آن جمله تصمیماتی راجع به آلمان، اتریش و لهستان اتخاذ نمود.

کشور شوروی که جنگ را بر ضد آلمان هیتلری پیروزمندان به پایان رساند، به کار دشوار احیای اقتصادی که از طرف غاصبین آلمانی منهدم شده بود و هم چنین به ساختمان کارخانجات و فابریک‌های جدید پرداخت.

اما تا زمانی که کانون دوم جنگ یعنی ژاپن امپریالیستی که تقاضای کشورهای متحده امریکا، بریتانیای کبیر و چین را راجع به تسلیم بلاشرط رد نموده بود وجود داشت، کشور شوروی نمی‌توانست امنیت خود را تأمین شده حساب نماید. متفقین به دولت شوروی پیشنهاد دخول در جنگ بر ضد ژاپن متجاوز را نمودند. حکومت شوروی که به عنوان متفق به وظیفه‌ی خود با وفا بود، این پیشنهاد متفقین را پذیرفت و حالت جنگ را با ژاپن اعلام نمود.

ملت شوروی این تصمیم را هم چون یگانه قدم صحیحی که قادر بود امنیت کشور ما را نه تنها در باختر بلکه در خاور نیز تأمین کرده، موعد خاتمه‌ی جنگ را کوتاه و به استقرار سریع صلح عمومی کمک کند تصویب و تأیید نمود. صبح ۹ ماه اوت ۱۹۴۵ نیروهای شوروی کشتی‌ها و واحدهای ناوگان اقیانوس آرام عملیات جنگی را بر ضد نیروهای ژاپن در خاور دور آغاز نمودند.

ارتش کوانتون ژاپن‌ها بعد از حملات متقابل شدید ولی بدون موفقیت اجباراً دست از مقاومت کشیده اسلحه را به زمین گذارد و به عنوان اسیر به نیروهای شوروی تسلیم شد. ارتش شوروی منچوری، ساخالین جنوبی، کره شمالی و جزایر گوریل را از قید ژاپنی‌ها آزاد نمود.

دخول اتحاد شوروی در جنگ بر ضد ژاپن، تعرض برق‌آسای قسمت‌های ارتش شوروی و نیز قلع و قمع قسمت‌های عمده‌ی نیروی ژاپنی دولت ژاپن را

به تسلیم وادار نمود. دوم سپتامبر ۱۹۴۵ نمایندگان دولتی و نظامی ژاپن در توکیو صورت مجلس تسلیم بلاشرط را امضا نمودند. در روز پیروزی بر ژاپن رفیق استالین به وسیله‌ی رادیو سخن راند. پیشوا خبر مسرت‌آوری را به اطلاع ملت شوروی رساند.

« از حالا به بعد ما می‌توانیم وطن خود را از خطر تهاجم آلمان از باختر و تهاجم ژاپن از خاور در امان بدانیم، برای ملل همه‌ی جهان صلحی که مدت‌ها انتظار آن را می‌کشیدند فرا رسیده است. »^{۱۱۰}

رژیم اجتماعی شوروی پیروز شد، رژیم دولتی شوروی پیروز شد، نیروهای مسلح شوروی پیروز شدند و سیاست مدبرانه‌ی حزب کمونیست بلشویک پیروز شد.

ملت شوروی در سال‌های جنگ میهنی برای عظمت پیشوا، معلم، سردار، دوست خود - یوسف ویساریونویچ استالین، برای خدمات صمیمانه او به میهن شوروی، مواظبت خستگی‌ناپذیر وی نسبت به رشد و رونق دولت سوسیالیستی، ارزش عمیق‌تر از پیش قائل شد.

رفیق استالین، به ملت شوروی برای دفع دشمن الهام بخشید، استالین ملت شوروی را به پیروزی رساند.

رفیق استالین ضمن رهبری عملیات جنگی نیروهای مسلح شوروی و کار تشکیلاتی اقتصادی در پشت جبهه، در دوران جنگ فعالیت عظیم تئوریک خود را ادامه می‌داد. علم مارکسیستی - لنینی را انکشاف داده آن را به جلو سوق می‌داد.

با بیانات و فرامین رفیق استالین که به شکل کتابی به نام "راجع به جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی" تدوین شده است، پیشرفت فن جنگ شوروی، تئوری مربوط به دولت شوروی سوسیالیستی و وظایف و منابع نیروی آن بسط بیشتری یافته است. رفیق استالین تجربیات حاصله از فعالیت دولت شوروی در شرایط جنگ را تلخیص نمود و طرق تحکیم آتی قدرت اقتصادی و جنگی دولت شوروی را نشان داده است.

رفیق استالین ضمن گزارش خود درباره‌ی جشن بیست و ششمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، اهمیت عظیم حزب بلشویک، رژیم شوروی، دوستی ملل اتحاد شوروی و میهن‌پرستی افراد شوروی را در راه پیروزی بر غاصبین فاشیست نشان داد.

در روزهای جنگ میهنی، حزب به منزله‌ی الهام‌دهنده و تشکیل‌دهنده‌ی مبارزه‌ی عموم ملت بر ضد غاصبین فاشیستی در برابر ما عرض وجود نمود. کار تشکیلاتی حزب تمام مساعی افراد شوروی را در یک واحد کل جمع نموده و متوجه‌ی هدف عمومی ساخت و تمام نیروها و وسائل ما را تابع قلع و قمع دشمن کرد. در مدت جنگ، حزب بیش از پیش با ملت نزدیک شده و بیش از پیش ارتباطش با توده‌های وسیع زحمتکش‌شان محکم گشت.

منبع توانائی دولت ما در این است.^{۱۱۶}

سرچشمه‌ی قدرت اتحاد شوروی، رژیم سوسیالیستی شوروی می‌باشد. درس‌های جنگ به ما نشان می‌دهد که رژیم شوروی نه تنها بهترین شکل سازمانی برای رونق اقتصادی و فرهنگی کشور ما در سال‌های ساختمان آرام است بلکه بهترین شکل بسیج تمام نیروهای ملت برای مقاومت در برابر دشمن در هنگام جنگ درآمد.^{۱۱۷}

« رژیم سوسیالیستی که مولود انقلاب اکبر است، به ملت و ارتش ما نیروی عظیم مغلوب نشدنی داد. »^{۱۱۸}

جنگ، آزمایش سخت کلیه‌ی نیروهای مادی و معنوی دولت شوروی و امتحان استحکام و قابلیت حیات آن گردید. دولت سوسیالیستی شوروی همان طور که رفیق استالین پیش‌بینی می‌کرد با سربلندی از عهده‌ی آزمایش برآمد و از جنگ محکم‌تر و نیرومندتر و با دوام‌تر از پیش خارج شد. رفیق استالین راجع به اهمیت اقتصاد دولت شوروی تلخیص‌ها و استنتاج‌های جدیدی نمود. رفیق استالین می‌گفت از تجربه جنگ دیده شده که

« پایه‌ی اقتصادی دولت شوروی قابلیت حیاتی به مراتب بیشتری نسبت به اقتصاد دولت‌های دشمن از خود بروز داد. »^{۱۱۹}

موقعی که اقتصاد کشورهای دشمن در جریان جنگ رو به انحطاط می‌رفت، اتحاد شوروی امکان به دست آورد که نه تنها جبهه را از لحاظ تسلیحات و مهمات به مقدار کافی تأمین نماید بلکه ذخایری نیز اندوخته کند. در عرض ۳ سال اخیر جنگ صنایع تانک سازی شوروی سالیانه به طور متوسط

۱۱۶ - ص ۱۱۹. ی. و. استالین، "راجع به جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۱۱۹.

۱۱۷ - همانجا ص ۱۲۰.

۱۱۸ - همانجا ص ۱۵۹-۱۵۸.

۱۱۹ - همانجا ص ۱۵۸، چاپ ۵.

متجاوز از سی هزار تانک، خودرو و اتومبیل زره‌پوش، صنایع هواپیماسازی تا چهل هزار هواپیما، صنایع توپ‌سازی تا ۱۲۰ هزار توپ با کالیبرهای مختلف و تا ۴۵۰ هزار مسلسل سبک و سنگین، متجاوز از ۳ میلیون تفنگ و قریب دو میلیون تفنگ خودکار، صنایع مین‌افکن‌سازی تا ۱۰۰ هزار مین افکن تولید می‌کرد. کیفیت تسلیحات شوروی نه تنها از تسلیحات آلمانی پست‌تر نبود بلکه بر آن برتری داشت.

رفیق استالین ضمن ارزیابی اهمیت مبارزه افراد شوروی بر ضد غاصبین آلمان فاشیستی در خصوص خدمت عظیم تاریخی ملت شوروی در مقابل تاریخ بشر مهم‌ترین نتیجه را اخذ نمود:

« ملت شوروی با مبارزه‌ی فداکارانه‌ی خود تمدن اروپا را از دست ویران‌کنندگان فاشیستی نجات داد. »^{۱۲۰}

رفیق استالین برای ملت شوروی به عنوان ملت قهرمانی که قادر به ایجاد معجزات بوده و از سخت‌ترین آزمایش‌ها پیروزمندان بیرون می‌آید، ارزش قائل شد.

رفیق استالین می‌گفت یکی از عمده‌ترین منابع قدرت اتحاد شوروی دوستی ملل کشور ما می‌باشد که بر تمام مشکلات و آزمایش‌های جنگ فائق شده و از مبارزه‌ی مشترک کلیه‌ی افراد شوروی بر ضد غاصبین فاشیستی آبدیده‌تر از پیش درآمد. دوستی عظیم و خلل‌ناپذیر ملل کشور ما بر اساس محکم‌سیاست ملی لنینی - استالینی ایجاد شده و در تاریخ **سر** نمونه‌ی بی‌نظیر حل عادلانه‌ی مسئله‌ی ملی گردیده است.

ایدئولوژی ناسیونالیسم حیوانی هیتلری و نفرت نژادی در مقابل ایدئولوژی شوروی، برتری تمام نژادها و ملت‌ها و ایدئولوژی دوستی ملت‌های مغلوب گردید. ملت شوروی نه تنها نسبت به آلمان هیتلری به پیروزی جنگی و اقتصادی نائل گردید بلکه شکست معنوی سیاسی به وی وارد آورد.

در این باره مهم‌ترین اهمیت‌ها را تزی دارد که رفیق استالین در آن میهن‌پرستی شوروی را که سرچشمه‌ی هنرنمائی‌های افراد شوروی در کار پشت جبهه می‌باشد، تشریح نموده است. رفیق استالین می‌گوید:

« نیروی میهن‌پرستی شوروی در این است که اساس آن بر روی موهومات نژادی یا ملی قرار نگرفته بلکه بر روی صمیمیت و

وفاداری عمیق مردم نسبت به میهن شوروی خود و همکاری برادرانه‌ی زحمتکشان تمام ملل کشور ما قرار دارد. در میهن‌پرستی شوروی سنن ملی ملل و منافع عمومی حیاتی تمام زحمتکشان اتحاد شوروی، به طرزی هم‌آهنگ با یک‌دیگر توأم شده است... در عین حال ملل اتحاد شوروی با حقوق و استقلال ملل کشورهای آن ور مرزهای خود احترام گذارده و همیشه آمادگی خود را ابراز کرده‌اند که با دولت‌های همسایه در صلح و دوستی زندگی کنند. اساس و تحکیم روزافزون روابط دولت ما را با ملت‌های آزادی‌دوست باید در این دید.»^{۱۲۱}

رفیق استالین فن جنگی مترقی شوروی را بیش از پیش توسعه داد. رفیق استالین اصل راجع به عوامل دارای تاثیر دائمی که سرنوشت جنگ، وابسته به آن است، راجع به دفاع فعال و قوانین تعرض متقابل و تعرض، راجع به همکاری متقابل صنوف ارتش و مسائل فنی جنگ در شرایط جنگ معاصر، راجع به نقش توده‌های هنگفت تانک و هواپیما در جنگ معاصر، راجع به توپخانه به عنوان مقتدرترین صنوف ارتش را مورد بررسی و تنظیم قرار داد. در مراحل مختلف جنگ نبوغ استالینی راه حل‌های صحیحی که خصوصیت اوضاع را کاملاً به حساب می‌آورد، پیدا می‌کرد.

صنعت جنگ استالینی چه در دفاع و چه در تعرض ظاهر می‌گردید. طبق دستور رفیق استالین دفاع فعال نیروهای شوروی توأم با تهیه‌ی تعرض متقابل بود. رفیق استالین استادانه تاکتیک جدید مانور کردن، تاکتیک رخنه نمودن به جبهه‌ی دشمن در چندین منطقه در آن واحد به منظور این که به دشمن مهلت داده نشود که احتیاط خود را برای ضربه‌ی متمرکز جمع نماید، تاکتیک شکافتن جبهه‌ی دشمن در مواقع مختلف در چندین منطقه، در هنگامی که یک شکاف پس از دیگری ایجاد می‌شود و منظور این است که دشمن وادار شود برای تجدید آرایش نیروهای خود وقت و قوه تلف نماید، تاکتیک شکافتن جناحین دشمن، دست یافتن به پشت جبهه و تاکتیک محاصره و انهدام گروه بندی‌های بزرگ نیروی دشمن را تنظیم و به موقع اجرا گذارد. رفیق استالین با دوربینی و خشورانه‌ی خود به نقشه‌های دشمن پی برده و آنها را دفع می‌نمود. در نبردهائی که در آن رفیق استالین نیروهای شوروی را رهبری می‌کرد، نمونه‌های برجسته‌ای از مهارت عملیاتی جنگی مجسم شده است.

۱۲۱ - ی. و. استالین، "جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۱۴۱-۱۴۰.

تمام عملیات جنگی ارتش شوروی که در تحت راهنمایی ژنرال یسم استالین انجام شده است متصف به ابتکار مخصوص به خود، تازگی عزم و نیت است. رفیق استالین نمونه‌های برجسته‌ای از حل علمی مسائل روابط بین‌المللی و سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی را در شرایط زمان جنگ و بعد از جنگ نشان داد. رفیق استالین برنامه‌ی عملی صریح فعالیت و سیاست را در کار سازمان دادن و احیای زندگی دولتی، اقتصادی و فرهنگی ملل اروپائی پس از پیروزی بر آلمان فاشیستی بسط داد.

در همان بحبوحه‌ی جنگ در سال ۱۹۴۲ رفیق استالین مهم‌ترین اصول برنامه‌ی عملیات ائتلاف ضد هیتلری را تنظیم نمود. محور برتری نژادی، برابری ملت‌ها و مصونیت خاک آنها، آزادی ملل اسارت‌زده و احیای حق حاکمیت آنها، حق هر ملتی بر این که زندگیش را طبق میل خود ترتیب دهد و احیای آزادی‌های دموکراسی.

در گزارش راجع به جشن بیست و هفتمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر رفیق استالین گفت:

« بردن جنگ از آلمان به معنی انجام یک عمل بزرگ تاریخی می‌باشد. ولی بردن جنگ هنوز به معنی تأمین صلح با دوام و امنیت قابل اعتماد در آینده برای ملت‌ها نیست، بلکه بر سر این نیز هست که ظهور تجاوز و جنگ جدید اگر برای همیشه هم نباشد اقلاً برای مدت مدیدی از زمان غیر ممکن گردد. »^{۱۲۲}

رفیق استالین ضمن صحبت از لزوم تأمین امنیت در تمام جهان و تشکیل سازمان بین‌المللی گوشزد نمود که اقداماتی که در این باره از طرف ملل متفق به عمل می‌آید

« در صورتی موثر خواهد بود که دولت‌های بزرگ که سنگینی عمده‌ی جنگ بر ضد آلمان هیتلری را بر دوش خود تحمل نمودند، در آینده نیز با روح موافقت و اتفاق رأی عمل نمایند. اگر این شرایط ضروری نقض گردد این اقدامات موثر نخواهد بود. »^{۱۲۳}

رفیق استالین در بیانات خود در جلسه‌ی قبل از انتخاباتی انتخاب‌کنندگان حوزه‌ی انتخابیه‌ی استالین در شهر مسکو در ۹ فوریه سال ۱۹۴۶، منظره با

۱۲۳ - ی. و. استالین، "جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی"، ص ۱۶۶-۱۶۵، چاپ ۵.
۱۲۳ - همانجا ص ۱۶۸.

عظمت فتوحات تاریخی که در جنگ میهنی اتحاد شوروی به آن نائل گردیده بود و برنامه‌ی عظیم ترقی آتی نیروهای جامعه‌ی سوسیالیستی را تشریح نمود. رفیق استالین درباره‌ی طرح جدید چهارمین نقشه‌ی پنج ساله‌ی ترقی اقتصاد ملی که وظایف عمده آن عبارت است از احیای صنایع و کشاورزی و گذراندن آن از سطح قبل از جنگ، سخن راند.

رفیق استالین هم چنین از نقشه‌های آینده، درباره‌ی رونق نوین و نیرومند اقتصاد ملی کشور شوروی و علوم آن، راجع به ایجاد شرایطی که میهن ما در مقابل هر گونه اتفاقات بیمه نموده، قدرت اقتصادی و جنگی آن را بالا خواهد برد و پیشرفت جدید فرهنگ آن و افزایش رفاه مادی مردم را تأمین خواهد نمود، صحبت کرد.

در فوریه ۱۹۴۶ ملت شوروی، طبق اصول قانون اساسی استالینی، انتخابات جدید شورای عالی اتحاد شوروی را برگزار نمود. انتخابات گویاترین و قانع‌کننده‌ترین شاهد صمیمیت ملت شوروی نسبت به حزب بلشویک، حکومت شوروی و استالین محبوب بود. به نفع نامزدهای جبهه‌ی ائتلاف کمونیست‌ها و افراد غیرحزبی برای نمایندگی در شورای اتحاد ۹۹,۱۸ درصد و در شورای ملیت‌ها ۹۹,۱۶ درصد رأی داده شد.

حیات و فعالیت رفیق استالین با فعالیت و ای. لنین معلم و پرورش‌دهنده‌ی او با تاریخ حزب قهرمان بلشویکی ما و با تاریخ ملت کبیر شوروی بستگی جدائی ناپذیری دارد. از این گذشته زندگی و فعالیت رفیق استالین با نهضت کارگری بین‌المللی و مبارزه‌ی آزادی طلبانه‌ی ملی ملل مستعمراتی بر ضد ستم امپریالیستی بستگی دارد. در تحت رهبری پیشوایان عظیم‌الشان - لنین و استالین - بین‌الملل کمونیستی رشد و توسعه یافت. همان طور که تاریخ بین‌الملل اول بستگی جدائی ناپذیری با نام مارکس و انگلس دارد همان طور هم تاریخ بین‌الملل سوم کمونیستی با نام‌های لنین و استالین وابسته است. بین‌الملل کمونیستی در کار مجتمع نمودن پیش‌آهنگ کارگران مترقی در احزاب واقعی کارگری نقش عمده بازی نمود. بین‌الملل کمونیستی پس از اجرای مأموریت تاریخی خود در دوره‌ی جنگ دوم جهانی به زندگی خود خاتمه داد. در ماه مه سال ۱۹۴۳ هیئت رئیسه‌ی کمیته‌ی اجرایی کمیترین پیشنهادی داد که کمیترین مرکز رهبری‌کننده‌ی نهضت کارگری بین‌المللی منحل گردد و شعبات کمیترین این پیشنهاد را تصویب کردند.

میلیون‌ها کارگر تمام جهان در شخصیت استالین معلم خود را می‌بینند، معلمی که از روی آثار کلاسیک او آموخته و خواهند آموخت که چگونه باید علیه دشمن طبقاتی موفقانه مبارزه نمود و چگونه باید شرایط پیروزی نهائی پرولتاریا را فراهم ساخت. نفوذ استالین، نفوذ حزب کبیر و پرافتخار بلشویک

است که کارگران کشورهای سرمایه‌داری آن را آن چنان نمونه‌ای از حزب طبقه‌ی کارگر می‌بینند که قابل تأسی است. تحت رهبری این حزب نه فقط سرمایه‌داری واژگون و حکومت شوروی یعنی حکومت زحمتکشان برقرار گردید بلکه سوسیالیسم نیز در اتحاد شوروی ساخته شد.

کارگران تمام جهان می‌دانند هر کلمه‌ای که از دهان استالین خارج شود، گفته‌ی تمام ملت شوروی است و دنبال هر یک از کلمات عمل می‌آید. توده‌های زحمتکش تمام جهان از تجربه‌ی انقلاب پیروزمندانه‌ی سوسیالیستی، از تجربه‌ی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و از تجربه‌ی پیروزی ملت شوروی در جنگ میهنی اطمینان حاصل نمودند که کار لنینی - استالینی حقیقتی است حیاتی و ژرف. اکنون تمام ملل آزادی دوست به استالین به عنوان پشتیبان ثابت قدم و وفادار صلح و امنیت و آزادی‌های دموکراتیک می‌نگرد.

ی. و. استالین پیشوا، معلم نابغه‌ی حزب، استراتژ کبیر انقلاب سوسیالیستی، رهبر و سردار دولت شوروی است. آشتی‌ناپذیر بودن نسبت به دشمنان، مراعات عمیق اصول، توأم ساختن دورنمای روشن انقلاب و روشنی مقصود در فعالیت خود با رسوخ عزم و پافشاری فوق‌العاده جهت رسیدن به هدف، خردمندی و صراحت در رهبری، بستگی جدائی‌ناپذیر با توده‌ها، اینها علائم مشخصه‌ی سبک کار استالینی است. بعد از لنین برای هیچ پیشوائی در جهان تا کنون پیش نیامده است که مثل ی. و. استالین چنین توده‌های عظیم میلیونی کارگر و دهقان را رهبری نموده باشد. ی. و. استالین بهتر از هرکس میتواند تجربه‌ی انقلابی و خلاقه‌ی توده‌ها را با هم جمع نموده، ابتکار آنها را بسط و توسعه دهد، از توده‌ها تعلیم گرفته و به توده‌ها تعلیم بدهد و آنها را به جلو به طرف پیروزی هدایت کند.

کلیه‌ی فعالیت استالین برای ما نمونه‌ای است از توأم بودن قدرت عظیمی از تنوری با تجربه‌ی عملی مبارزه‌ی انقلابی که از حیث حجم و دامنه‌ی خود بی‌همتا است.

استالین به اتفاق نزدیک‌ترین هم‌زمان خود، لنینیست‌های آزموده، در رأس حزب کبیر بلشویک، رهبر یک دولت سوسیالیستی کثیرالمله کارگری و دهقانی است که نظیر آن در تاریخ دیده نشده است. دستورات رفیق استالین در تمام رشته‌های ساختمان سوسیالیستی سرمشق کار است. کار رفیق استالین فوق‌العاده مختلف‌الشکل و انرژی او حقیقتاً شگفت‌آور است. رشته مسائلی که توجه استالین را به خود مشغول می‌کند از حد فزون است. از مسائل غامض تنوری مارکسیسم - لنینیسم گرفته تا کتب درسی کودکان. از مسائل سیاست خارجی اتحاد شوروی گرفته تا مسائل روزمره در قسمت آبادی و عمران پایتخت پرولتاریا. از ایجاد راه بزرگ دریائی شمال گرفته تا خشک کردن

باطلاق‌های کولخید. از مسئله‌ی انکشاف ادبیات و هنرهای زیبای شوروی گرفته تا تصحیح آیین‌نامه‌ی بغرنج تئوری و عملی فن نظام.

نیروی مقاومت‌ناپذیر و درهم شکننده‌ی منطق استالین، فروغ عقل، اراده‌ی پولادین، صمیمیت نسبت به حزب، ایمان پر از حرارت نسبت به ملت و عشق استالین نسبت به ملت بر همه آشکار است. حجت، سادگی و عاطفه‌ی استالین نسبت به اشخاص و بی‌امانی وی نسبت به دشمنان ملت مشهور همه است. این که استالین تحمل جاروجنجال و اشخاص یاوه‌گو، لافزن، نق‌نق‌کن و دهشت‌انداز را ندارد بر همه معلوم است. استالین در حل مسائل بغرنج سیاسی، در آنجا که باید تمام جنبه‌های مثبت و منفی را به حساب آورد، مدبر و شکیبا است و در عین حال استالین بزرگ‌ترین استاد حل مسائل شجاعانه انقلابی و تحولات ناگهانی است.

استالین تعقیب‌کننده‌ی لایق کار لنین و یا آن طوری که در حزب ما می‌گویند، استالین - لنین امروز است.

استالین ضمن پاسخ خود به سازمان‌ها و رفقائی که او را به مناسبت پنجاهمین سال تولدش در سال ۱۹۲۹ تهنیت گفته بودند، نوشته است:

« تبریكات و تهنیت‌های شما را من به حساب حزب کبیر طبقه‌ی کارگر می‌گذارم که مرا به وجود آورده و طبق شکل و روح خود تربیت کرده است.... می‌توانید شک نداشته باشید، رفقا، که من حاضرم در آینده نیز تمام قوا، تمام استعداد و اگر لازم آید تمام خون خود را قطره قطره در راه طبقه‌ی کارگر، در راه انقلاب پرولتاریا و کمونیسم جهانی نثار کنم. »^{۱۲۴}

ملل اتحاد شوروی در وجود استالین تجسم قهرمانی، عشق نسبت به میهن و وطن‌پرستی خود را می‌بیند.

« در راه استالین! در راه میهن! »

با این شعار بود که سلحشوران ارتش پرافتخار شوروی دشمن جانی و غدار خود - آلمان فاشیستی - را تار و مار نموده، پرچم پیروزی را بر فراز برلن برافراشتند.

« در راه استالین! در راه میهن! »

۱۲۴ - "پراودا"، شماره ۳۰۲، مورخه ۲۲ دسامبر سال ۱۹۲۹.

با این شعار جنگجویان ارتش شوروی و نیروی دریائی جنگی شوروی ژاپن امپریالیست را تار و مار کرده و مرزهای کشور شوروی را در خاور دور از خطر مصون داشتند.

با نام استالین طبقه‌ی کارگر اتحاد شوروی ضمن جنگ کبیر میهنی هنرنمائی‌های بی‌نظیری در کار ابراز داشته و ارتش سرخ را از حیث تکنیک جنگی درجه اول و مهمات تأمین نمود.

با نام استالین دهقانان کلخوزی با از خودگذشتگی در کشتزارها زحمت کشیده، برای ارتش سرخ و شهرها آذوقه و برای صنعت مواد خام تهیه می‌نمودند.

با نام استالین روشنفکران شوروی در راه دفاع کشور صمیمانه کار کرده، اسلحه‌ی ارتش سرخ و تکنیک و سازمان تولید را تکمیل نموده و علوم و فرهنگ شوروی را به جلو می‌بردند.

با نام استالین تمام مردم شوروی موفقانه زخم‌هایی را که جنگ وارد کرده است التیام می‌بخشند و برای ایجاد رونق نیرومند جدیدی در اقتصاد ملی و فرهنگ شوروی مبارزه می‌نمایند.

نام استالین مظهر مردانگی، شهرت و جلال مردم شوروی و دعوتی است برای کارهای قهرمانانه‌ی نوین به خیر میهن کبیر ما.

نام استالین را پسران و دختران کشور سوسیالیسم و پیش‌آهنگان پسر و دختر در قلب خود جای داده‌اند. بزرگ‌ترین آرزوهای آنها این است که نظیر لنین و استالین و مردان سیاسی از تیپ لنین - استالین باشند. بنا به دعوت حزب و رفیق استالین، جوانان شوروی صنایع کوه پیکر سوسیالیستی برپا می‌نمودند، در جنگل‌های انبوه شمالی (تایگا) شهرها ایجاد می‌کردند، کشتی‌های زیبا ساخته و می‌سازند، نواحی قطبی را تسخیر می‌نمایند، فنون جدید را در صنعت و کشاورزی فرا می‌گیرند، دفاع کشور ما را محکم می‌کنند، در رشته‌ی دانش و هنرهای زیبا مشغول کار خلاقه می‌باشند، نمونه‌های قهرمانی و مردانگی در میدان‌های نبرد جنگ میهنی و سرمشق فداکاری در پشت جبهه در راه پیروزی ارتش شوروی از خود نشان داده‌اند. اتفاق جوانان کمونیست (کومسومول) که به دست لنین و استالین تربیت یافته است، یار وفادار حزب بلشویک و جانشین قابل اطمینان نسل ارشد مبارزین کمونیسم خود می‌باشد.

ملل اتحاد شوروی نغمه‌هایی به زبان‌های بیشمار خود درباره‌ی استالین می‌سرایند. در این نغمه‌ها عشق عظیم و عاطفه‌ی بی‌پایان ملل اتحاد شوروی نسبت به پیشوای عظیم‌الشان، معلم، رفیق و سردار خود منعکس است.

در روایات ملی، نام استالین آمیخته با نام لنین است. در یکی از افسانه‌های جذاب روسی گفته می‌شود:

« همان طور که با لنین گام بر می‌داشتیم، با استالین نیز گام بر می‌داریم، همان طور که با لنین سخن می‌رانندیم، با استالین نیز سخن می‌رانیم، استالین به تمام اندیشه‌ها و افکار ما واقف است و تمام زندگیش وقف مواظبت ماست. »

نام استالین مظهر وحدت معنوی و سیاسی جامعه‌ی شوروی است. تمام بشر مترقی و تمام ملل آزادی دوست دموکراسی امیدواری‌های خود را به صلح طولانی و با دوام و امنیت، با نام استالین مربوط می‌نمایند.

« این خوشبختی ما است که در سال‌های مشکل جنگ، ارتش سرخ و ملت شوروی را پیشوای مدبر و آزموده اتحاد شوروی، استالین کبیر به پیش هدایت می‌کرد. با نام ژنرال‌یسم استالین پیروزی‌های پرافتخار ارتش ما وارد تاریخ کشور ما و تاریخ تمام جهان خواهد شد. ما اکنون تحت رهبری استالین، پیشوا و تشکیل دهنده‌ی عظیم‌الشأن، به ساختمان زمان صلح پرداخته‌ایم تا به شکفتن حقیقی نیروهای جامعه‌ی سوسیالیستی نائل شده و بهترین امیدواری‌های دوستان خود را در تمام جهان برآورده سازیم. »^{۱۲۰}

۱۲۵ - و. م. مولوتف، بیست و هشتمین سال جشن انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر سال ۱۹۴۵، ص ۱۸-۱۹، چاپ روسی.

www.toufan.org .
toufan@toufan.org

صفحه‌ی توفان در شبکه‌ی جهانی اینترنت
نشانی پست الکترونیکی

پیروزباد حزب طبقه کارگر ایران